

نبرد خلق

شماره ۱۹۷
دوره چهارم سال هجدهم
اول آبان ۱۳۸۰

آمریکا کانادا ۱ دلار،
آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

تفسیر سیاسی

سرمقاله -

نظم نوین جهانی و نظریه ها

دبیرکل جدید سازمان
مجاهدین خلق ایران

اخبار کارگری

صفحه ۴

نوسازی صنایع نساجی
قربانی می گیرد

صفحه ۲

مجلس ضد کارگری

صفحه ۲

اطلاعیه دبیرخانه

شورای ملی مقاومت ایران
در مورد اعتراضهای کارگری

صفحه ۲

گزارش فعالیتهای واحدهای
سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران در حمایت از صلح

صفحه ۲۰

محیط زیست

اندیشه ها و چشم اندازها

صفحه ۷

پیامدهای اقتصادی حملات
۱۱ سپتامبر

صفحه ۸

جهان از مرگ ۲۷۰۰ کودک
بی خبر ماند

صفحه ۱۵

چرا سوسیالیسم

صفحه ۱۶

مقابله با تروریسم

صفحه ۱۷

در گوشه و کنار جهان

صفحه ۱۸

اطلاعیه مطبوعاتی دفتر
سازمان مجاهدین خلق

در واشنگتن

صفحه ۹

کنگره سراسری سازمان مجاهدین خلق ایران، خانم مژگان پارسایی را به عنوان دبیرکل جدید این سازمان انتخاب کرد. سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه ای در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۸۰ خبر تشکیل کنگره سراسری این سازمان که هر دو سال یک بار تشکیل می شود را به اطلاع عموم رساند. براساس این اطلاعیه خانم مژگان پارسایی ۳۶ ساله و در رشته مهندسی کامپیوتر در آمریکا تحصیل کرده است. اطلاعیه اضافه می کند که خانم بهشته شادرو دبیر کل قبلی سازمان مجاهدین در گزارش خود اعلام کرده است که: «مجاهدین از ۲۷ سازمان جداگانه تشکیل شده که در ۵ شاخه هماهنگ می شوند.»

خانم مژگان پارسایی دبیر کل جدید سازمان مجاهدین خلق ایران از سال ۱۳۵۹ به مجاهدین پیوسته و طی سالهای گذشته عضو ارشد شورای رهبری مجاهدین و عضو ستاد فرماندهی ارتش آزادیبخش ملی ایران بوده است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزاری موفقیت آمیز کنگره سازمان مجاهدین خلق ایران و انتخاب خانم مژگان پارسایی را به تمامی رزمندگان مجاهد خلق و به شورای رهبری این سازمان تبریک می گوید و برای خانم پارسایی در رهبری مجاهدین آرزوی موفقیت می کند.

شکست مفتضحانه سفر
جک استراوا به تهران

در صفحه ۲

زنان و مسیر رهایی

در صفحه ۶

- منصور امان

ایالات متحده حمله نظامی خود به افغانستان را آغاز کرده است. ابرقدرت نظامی و اقتصادی، طی هفته های اخیر، تمامی امکانات تسلیحاتی خود را علیه فقیرترین کشور کره خاکی به کار گرفته تا ظاهرا عاملان و حامیان حمله به آسمانخراشهای "مرکز تجارت جهانی" و پنتاگون را به مجازات برساند. موشکهای یک میلیون دلاری "تام هاوک"، کابل، قندهار و مزار شریف را فرش کرده اند و شاید در همان نخستین موج حمله، هزینه انفجار این راکتلهای سوپر الکترونیکی، بودجه سالانه افغانستان را پشت سر گذاشته باشد! این که آنها با هدف از کار انداختن کدام تأسیسات و تجهیزات نظامی و یا منهدم ساختن چه ساختارهای زیربنایی (جاده، اتوبان، پل، تونل، راه آهن، فرودگاه و ...) به خدمت گرفته تنیده اند، در هیچ یک از گزارشهای کتبی یا شفاهی وزارت دفاع آمریکا، جایی پیدا نکرده است. اما به خوبی می توان حدس زد در یک کشور نیمه ویران و مدفون شده در فاجعه بیش از دوده جنگ داخلی و خارجی که تنها منبع درآمد آن قاچاق تریاک و یگانه محل گذران زندگی ساکنانش کمکهای اهدائی سازمان ملل و مراکز حقوق بشری است، مسلما اهداف استراتژیک چندانی از نظر نظامی نمی تواند وجود داشته باشد. احتمالا به دلیل تناقض میان وسعت لشکر کشی و محدودیت اهداف است که ایالات متحده یکبار فاکت مردم غیر نظامی این سامان را به یاد آورده و بسته های حاوی لوبیا با سس گوجه فرنگی را همراه جعبه های هوشمند باروت و دینامیت ساخته است.

اما آنچه که بیش از این "جنگ"، اذهان را به خود مشغول ساخته، نتایجی ست که در بر دارد و یا می تواند در پی داشته باشد. پیامد هائی که چه از حیث دامنه و چه از نظر ژرفائی که کاویدن می گیرد، ارتباط محدودی با زور آزمائی یک جانبه در افغانستان دارد. این واقعیت که لشکر کشی آمریکا، هجوم به اهدافی فراتر از این کشور را نشان کرده، با شواهد بسیاری مدلل می شود. و آخرین بار جورج دبلیو بوش، در کنفرانس مطبوعاتی ۱۲ اکتبر خود، هر گونه تردید نسبت به این امر را از میان برداشت.

بقیه در صفحه ۲

- مهدی سامع

فاجعه ضد انسانی روز ۱۱ سپتامبر در نیویورک و تأثیرات عظیم آن بر تمامی رویدادهای سیاسی - اقتصادی، اجتماعی در تمام جهان سران جمهوری اسلامی را به فکر انداخته که از این رویداد خونین خونین و جنگی که اکنون علیه طالبان و بن لادن به راه افتاده، در جهت تحکیم پایه های نظام استبدادی - مذهبی و تروریستی خود سود جویند. البته بر سر چگونگی استفاده کردن (و در حقیقت سوء استفاده کردن)، جناحها و باندهای درون حکومت با هم اختلاف اساسی دارند. خاتمی از ابتدا با پیام تسلیت به مردم آمریکا و مذاکرات تلفنی با تونی بلر که منجر به مسافرت وزیر امور خارجه انگلیس به ایران شد درصدد بود تا هر چه می تواند از این ماجرا بهره برداری کرده و هم در توازن قوای داخلی خود را بالا بکشد و هم در مسیر عادی کردن مناسبات با آمریکا که استراتژی اصلی خاتمی در زمینه سیاست خارجی است گام بردارد. اما خاتمی بهتر از هر کس می داند که در سیاست گذاری کلان برای نظام مهره بی قدرتی است. خامنه ای و رفسنجانی نیز درصدد بودند تا مثل رویدادهای مربوط به اشغال کویت توسط عراق و پس از آن جنگ متحدین علیه عراق هر چه می توانند با دو دوزه بازی از آب گل آلود برای خود ماهی صید کنند. مسافرت جک استراوا وزیر امر خارجه انگلیس که از جانب دولت آمریکا حامل پیامهایی برای سران رژیم بود، می توانست یک نقطه عطف در مناسبات خارجی رژیم باشد. قبل از ملاقات خاتمی با جک استراوا، شورای امنیت ملی رژیم به ریاست خامنه ای تشکیل جلسه داد و رئیس سیاست رژیم را به خاتمی دیکته نمود و پس از آن که جک استراوا تهران را ترک کرد، خامنه ای طی یک سخنرانی شدیداً به

بقیه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

تفسیر سیاسی

اطلاعیه —

نظم نوین جهانی و نظریه‌ها

بقیه از صفحه ۱
آمریکا حمله نمود و اعلام کرد که در هیچ ائتلافی به رهبری آمریکا شرکت نخواهد کرد. از آن پس همه‌ی حساب‌هایی که طرفهای گوناگون برای «گشایش» رژیم به سود غرب می‌کردند، نقش بر آب شد. به نظر می‌رسد شرایطی که آمریکا برای رژیم تعیین کرده بسا فراتر از ظرفیت نظام ولایت فقیه است و خامنه‌ای به خوبی دریافته است که اگر این شرایط را قبول کند.

عملاً طناب دار را به گردن خود انداخته است. از این رو باند خامنه‌ای - فرسنگانی درصددند تا همچنان از سیاست یکی به نعل و یکی به میخ استفاده کنند. حمایت گلبندین حکمت‌یار و این که حکمت‌یار در تهران عملاً از طالبان حمایت می‌کند یک وجه از این سیاست است. وجه دیگر آن مذاکرات پنهانی و بسده بستانهای مخفی برای سوء استفاده از جنگ فعلی است. اما بدون تردید شرایط کنونی با شرایط جنگ متحدین با عراق بسیار متفاوت است و اکنون خود سران رژیم هم به خوبی می‌دانند که این سیاست با چالشها و تنگنای بسیار روبرو خواهد شد. محمدرضا تاجیک مشاور خاتمی و رئیس مرکز استراتژیک ریاست جمهوری در سمینار بازتاب‌های استراتژیک رویداد ۱۱ سپتامبر، طی سخنانی که روزنامه انتخاب در شماره ۸ مهر بخشهایی از آن را چاپ نمود، به ترسیم تابلوهایی گوناگون در مورد سیاست رژیم در قبال فاجعه ۱۱ سپتامبر و رویدادهای پس از آن می‌پردازد. تابلوهایی که وی ترسیم می‌کند به قرار زیر است.

استراتژی دعا یا صبر و انتظار استراتژی یک بام و چند هوا استراتژی تعرض و دخالت نظری استراتژی تماس تلفنی استراتژی خردمندانه

وی چهار تابلو یا استراتژی اول را مردود می‌داند و می‌گوید: «در پرتو این حادثه ما می‌توانیم مشکل تروریسم ایرانی را حل و فصل نموده و سیاست تشنج‌زدایی با غرب را عملی کنیم و به سیاست گفتگو صحه

بگذاریم و به جامعه ایرانی نزد جامعه بین‌المللی چه‌ره مقبول‌تری بدهیم و تلاش نماییم سازمان ملل در این موضوع فعالتر عمل نماید و خودمان نیز در نظم نوین جهانی تأثیر بیشتری بگذاریم.»

آنچه محمدرضا تاجیک به نیابت از خاتمی اعلام می‌کند در حقیقت خط بطلان کشیدن کامل بر نظرات خمینی و خامنه‌ای در زمینه سیاست خارجی است. محمدرضا تاجیک در اوصاف این استراتژی «خردمندانه» نادیده گرفتن عملیات تروریستی رژیم در صحنه بین‌المللی را نیز کنج‌انده است. خاتمی و دوم خردادیها می‌خواهند به غرب بگویند که ما با شما وارد مذاکره و معامله می‌شویم و به نیازها و مطامع شما جواب مناسب می‌دهیم و شما هم پرونده جنایتهای تروریستی ما را مسدود کنید. البته اگر کار به همین جا پایان می‌یافت ولی فقیه نظام هم تن به این سیاست می‌داد. اما چالش اصلی برای رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه این است که تن دادن به هر شرط دولتهای غربی، یعنی یک گام از ولایت فقیه عقب‌نشینی. و خود ولی فقیه هم می‌داند که عقب‌نشینی یعنی مرگ و برای همین بر طبل مبارزه با استکبار جهانی می‌کوبد. بدون تردید سیاست مطلوب برای دستگاه ولایت فقیه همان تابلو یا استراتژی «یک بام و دو هوا» است. آیا باند خامنه‌ای - فرسنگانی می‌توانند این سیاست را ادامه دهند؟ به نظر می‌رسد که عمق و وسعت فاجعه ۱۱ سپتامبر و رویدادهای پس از آن امکان اتحاد چنین تابلو یا استراتژی را به کلی منقذ کرده است.

سه شنبه ۲۴ مهر ۱۳۸۰

نقل از جنگ صدا

شکست مفتضحانه سفر

جک‌استراو به تهران

حدود ۱۵ ساعت پس از آن که جک‌استراو وزیر امور خارجه انگلستان سفر خود به تهران را پایان داد، سید علی خامنه‌ای ولی فقیه و شخص اول رژیم ایران طی سخنانی که با شعار «مرگ بر آمریکا» همراهی می‌شد، تمام شرایطی که حک‌استراو از جانب دولت آمریکا به رژیم ایران پیشنهاد شده بود را رد کرد. بدین ترتیب جک‌استراو که برای این سفر با سخنانی مشتمل کننده و انزجارآور سرمایه‌گذاری بسیاری نموده بود، با شکست مفتضحانه روبرو شد.

واقعیت این است که رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه که خود را «ام‌القرآ»ی اسلام می‌داند، رژیمی سرکوبگر، تروریست و بحران‌آفرین است که هر گاه قدرت داشته و توسط کشورهای بزرگ مورد استمالت قرار گرفته بر اقدامات تروریستی معدودی در داخل و خارج از ایران مبادرت ورزیده است و مردم ایران بزرگترین قربانیان سیاستهای این رژیم بوده‌اند.

جک‌استراو درصدد بود با قربانی کردن مردم ایران و نیروهای ترقیخواه ایرانی برای اهداف آبی دولت آمریکا و متحدانش در جنگی که با طالبان و دارو دسته بن‌لادن در پیش است، رژیم ایران را به قول خودشان وارد «دنیای جدید» کند، اکنون با سخنان خامنه‌ای، همه این رشته‌ها پنبه شد و یک بار دیگر ثابت شد که رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ما با سیاست استمالت و ممانعت دولتهای غربی دست از تروریسم، بحران‌زایی و سرکوبگری بر نمی‌دارد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن سیاست ممانعت با رژیم تروریست حاکم بر ایران اعلام می‌نماید که جنگ و ایجاد بحران بزرگ راه حل مبارزه با تروریسم نبوده، بلکه باعث تقویت رژیمهای ارتجاعی همچون رژیم ایران می‌شود.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اعتقاد دارد که مردم ایران با مبارزه برای سرنگونی رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه گام بزرگی در راه مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی برخواهند داشت.

سازمان چریکهای فدای خلق ایران چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۸۰

بقیه از صفحه ۱

او نه تنها هیچ زمان مشخصی را برای پایان عملیات نظامی تعیین نکرد، بلکه با قرار دادن نام بن لادن در کنار ۲۲ نفر دیگر که ظاهراً به یکسان مورد جستجو هستند، انگیزه اعلام شده برای شروع این بحران یعنی دستگیری یا قتل او را تلویحاً حاشیه‌ای معرفی کرد، و سرآخر بوش، آینده ائتلاف شکل گرفته کنونی و ترکیب سیاسی افغانستان را باز گذاشت.

از هم اکنون بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران در چهار گوشه دنیا، از تفسیر سازواره‌های پیشین در نظم جهانی سخن می‌گویند و جبهه بندی‌های نوین بر مبنای شکل‌گیری یک جغرافیای سیاسی جدید را کشف می‌کنند. اما آیا گستردگی و دامنه دگرگونیها پس از ۱۱ سپتامبر، آنگونه فراگیر هست که بتوان آنرا «جهانی» نامید و سپس از چنان تمیز و قامت یافتگی برخوردار است که اطلاق صفت «نظم»، برازنده اش باشد؟

برای پاسخ به این سئوالات، می‌بایست از سطح آثار بلافصل رویداد ۱۱ سپتامبر فراتر رفت و ماهیت آنها را در نظر به خاستگاه استراتژیک شان و بر متن آن سیاست کلی که در اقدامات مشخص تجلی یافته است، ارزیابی نمود. یک حادثه از نوع نیویورک و واشنگتن، صرف نظر از هر اهمیتی که برای آن تصور می‌شود، هرگز به تنهایی موجب یک رویکرد کلی یا چرخش بنیادی در نگرش سیاست نخواهد بود. او فقط نقش محرک در شتاب بخشیدن و به بلوغ رواندن پروسه‌های به حرکت درآمده را می‌تواند ایفا کند. ترور ولیعهد اتریش، فرانسس فردیناند و همسرش در سارایوو و در سال ۱۹۱۴، یقیناً عامل پدید آمدن جنگ اول

جهانی و از این زاویه شکل گرفتن یک سازواره جدید در نظم بین‌المللی نبود. جرقه این رویداد، آتش تهیه مناسبی برای عملی ساختن تمایلات موجود و طرح‌های مجردی که از پیش سایه خود را بر سیاست امپراتوریهای اتریش - مجارستان و آلمان افکنده بود، فراهم آورد. عصری که با توسعه‌گری امپریالیستی، ناسیونالیسم افراطی و رقابت بین محوره‌های اصلی سیاست جهانی شاخص گردیده بود. امپراتوریهای یاد شده از یک سو خود را در تهدید محاصره فرانسه، انگلستان و روسیه می‌دیدند و از سوی دیگر دایره نفوذ خویش را با نقش متصور شده برای خود به عنوان «قدرت جهانی»، ناسازگار ارزیابی می‌نمودند.

به همین گونه نیز نتیجه‌گیری از گامهای سیاسی و نظامی آمریکا پس از انفجارات نیویورک و واشنگتن، به دلیل ملهم شدن از واکنشهایی که در سطح جاری است، از دریافت به هم پیوستگی اتفاقات جداگانه، مسیری که مشترکاً به سوی آن به حرکت درآمده‌اند و کنش درونی آنها، ناتوان خواهد بود.

پس از ۱۱ سپتامبر، تحولات در سیاست بین‌الملل در سه سطح به ظاهر مجزا به چرخش درآمده‌اند که وجه مشترک همه آنها، سرچشمه یافتن از دینامیزم آزاد شده در گرایش غالب امپریالیستی در سیاست ایالات متحده می‌باشد. منسجم‌ترین فرضیات شکل گرفته شده پیرامون «نظم نوین جهانی»، اغلب در نظر به جریان تحولات در هر یک از این سطوح، مدون گردیده‌اند. و به همین دلیل در نتایجی که از فراگرد تأملات خویش کسب می‌نمایند، به شدت از یکدیگر فاصله می‌گیرند. در نخستین سطح تحركات سیاسی روسیه و بریتانیا، نقطه عزیمت تحلیل را تشکیل می‌دهد. بقیه در صفحه ۳

نظم نوین جهانی و نظریه‌ها

بقیه از صفحه ۲
واکنش کشور اخیر به مثابه نزدیکترین متحد اروپایی ایالات متحده، غیر منتظره می تواند باشد. تونی بلر با فرمان آماده باش به نیروهای نظامی کشورش بلافاصله پس از انفجارات و سپس تطبیق مطلق سیاست خارجی بریتانیا با استراتژی سیاسی - نظامی امریکا، به خط مشی روتین انگلستان در برخورد با متحد آن سوی اقیانوس خود، تداوم بخشید. از سوی دیگر او با دیدار از ۱۰ کشور در عرض سه هفته، وظیفه تبیین سیاست یاد شده و آماده ساختن زمینه اجرای آنرا نیز فعالانه به عهده گرفت. در همین راستا وزیر امور خارجه دولت بلر، جک استرادا، در سطحی یائین تر ماموریتی مشابه را از جمله در ایران به انجام رساند.

روسیه با اعلام سریع پشتیبانی از ایالات متحده و نشان دادن تفاهم نسبت به واکنش نظامی این کشور، عملاً یک فاکت غیرمنتظره را به این چارچوب اضافه کرد. ولادیمیر پوتین، طی یک سخنرانی در پارلمان آلمان، جنگ سرد را به طور قطعی پایان یافته اعلام نمود. و این در حالی بود که کمی پیشتر از این، وی با عدم اعلام وضعیت قرمز به نیروهای نظامی روسیه پس از آماده باش قرار گرفتن نیروهای امریکا - روالی که در خلال دوران جنگ سرد قاعده محسوب می شد - عملاً به گفته خود مادیت بخشیده بود. علاوه بر این، رئیس جمهور روسیه با اعلام آمادگی کشورش برای ورود به پیمان ناتو و پذیرش اصولی عضویت همسایگانش در آن، به سیاست جدید روسیه در برابر امریکا و اروپا صراحت بیشتری داد. پس از این گامها، موافقت با استفاده نظامی ایالات متحده از تأسیسات مواصلاتی و امکانات ازبکستان و تاجیکستان، تنها می توانست یک فرم تشریفاتی داشته باشد.

تأکیدات مکرر بوش، در باره نزدیکی امریکا و روسیه، همکاری های اطلاعاتی دو کشور و حوزه های وسیع اقدامات مشترک آتی، بیانگر کاسته شدن از اهمیت بازارهای اقتصادی - مالی به مثابه شاخص تعیین جایگاه روسیه در نزد ایالات متحده می باشد. امری که به نوبه خود به افزایش وزن بین المللی این کشور به اعتبار تواناییها و امکانات مادی آن یعنی قدرت نظامی و گستردگی جغرافیایی، راه خواهد برد.

در محافل سیاسی اروپا اما نگرانی از تشکیل یک مثلث متفق، همانند آنچه که در جریان جنگ دوم جهانی، روزولت، چرچیل و استالین بدان هیأت داده بودند، افزایش می یابد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا و به ویژه آلمان و

فرانسه، تعمیق روابط بین سه کشور مزبور را با به حاشیه رانده شدن نقش خویش در تنظیمات بین المللی و تأییراتی که از آن - از جمله در رابطه با موقعیت اروپا - منتج می گردد، مترادف می بینند.

زادگاه نخستین نظریه پیرامون چگونگی "نظم نوین جهانی" از همین نقطه سرچشمه می گیرد. برطبق آن نقشه ژئوپولیتیک جهان و مرزهایی که به ذخائر، قلمرو، امنیت و پرستیژ کشورها را ترسیم می نمایند، پس از ۱۱ سپتامبر تحت مدار نفوذ متفقین سه گانه به گردش در خواهد آمد. و صرف نظر از شورای امنیت سازمان ملل متحد که در این رابطه می تواند بخوبی در خدمت رل فرامرزی آنان قرار بگیرد، ظرفهای دیگری نیز یا به منصفه ظهور خواهند گذاشت، کادرهای سه جانبه ای که در اشلی فراتر از کنفرانس سران هشت کشور، و همدردی کنفرانسهای تهران و یالتا قرار گرفته و خطوط کلی سیاست بین المللی با گذر از درون آنها، نقش و تأثیر خواهند پذیرفت.

در نظریه دوم توجه به حلقه های ائتلاف "جهانی" که توسط وزارت امور خارجه امریکا علیه تروریسم برپا گردیده است، تکیه گاه مرکزی در نگرش به چشم اندازهای "نظم نوین" به شمار می رود. اتفاق کشورهای اروپایی در پیوستن به کمیسیون "صدتروریستی" ایالات متحده و استناد به ماده پنجم قرارداد پیمان اتلانتیک شمالی توسط کشورهای عضو که بر اساس آن حمله به یک کشور عضو ناتو، اعلان جنگ به کلیه کشورهای متحد محسوب می شود، نخستین آثار فراخوان واشنگتن خطاب به کشورهای اروپایی، برای موضعگیری پیرامون رویداد ۱۱ سپتامبر بودند. با فرم گرفتن جنبه جدیدی متشکل از ممالک عربی و کشورهای دیگری با جمعیت مسلمان، دایره جبهه مزبور مرزهای اروپا را درنوردید و گستره ای به وسعت خاورمیانه تا جنوب شرقی آسیا را در بر گرفت.

هم اکنون همکاری حلقه های دوگانه ائتلاف، برای مسدود کردن گردش بانکی پول و منابع مالی افراد و سازمانهای قرارگرفته در لیست سیاه امریکا، تبادل اطلاعات پیرامون امکانات، تجهیزات، نفرات و ارتباطات آنها و نیز ردگیری و ضربه، در سطح وسیعی از انگلستان و فرانسه تا فیلیپین، عمان و کردستان عراق جریان دارد.

حتی جرج بوش با این که در ابتدای کسب کرسی ریاست جمهوری، از چین بعنوان "رقیب استراتژیک" یاد کرده بود اما این کشور را نیز از ائتلاف "صد تروریسم" مستثنی نمود. وی با

اظهار خرسندی از رویکرد چین به حادثه ۱۱ سپتامبر، همچنین بر عزم خویش برای شرکت در کنفرانس "ایک" در شانگهای، علیرغم وضعیت حساسی که کشورش در آن قرار دارد، تأکید نمود.

مراجعه ایالات متحده به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای لازم الاجرا نمودن رئیس راهکارهای مبارزه علیه تروریسم و آنگاه طرح آن در مجمع عمومی، راه ورود سازمان یاد شده به این چالش بین المللی را هموار نمود. امری که در صورت تکرار، می تواند جایگاه تعیین کننده تری به این نهاد بخشیده و همزمان به تقویت و بازسازی ارگان های اجرایی آن بیانجامد. امریکا با پرداخت بخشی از دیون خود، عملاً راه را برای تحقق این امر گشود و در همان حال به مهمترین کشورهای عضو، جهت را نشان داد. در همین راستا اعطای جایزه صلح نوبل به کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل، اقدام نمادین دیگری برای تأکید روی همین نقش می تواند محسوب گردد.

آنچه که خوش بینی تحلیل گران نسبت به آینده و پایداری این ائتلاف و تداوم آن از جمله در چارچوب سازمان ملل را تقویت می کند، بهره مشخصی ست که غالب کشورهای موئل از نتایج و پیامد های آن انتظار می کشند. کشورهای اروپایی در این رابطه به دستیابی به توازن سیاسی با امریکا فکر می کنند. چین حل مشکل اقلیت مسلمان "ایگور" در استان "زیان جانگ" که دیرگاهی است خواهان استقلال و تشکیل اورکستان شرقی هستند - و گاهی با بمب گذاری و گروگان گیری به این مطالبه صراحت می بخشند - را به خود نوید می دهد. روسیه فیصله دادن به مسئله چچنی و نیز پیشگیری از تکرار جریانی مشابه در تاجیکستان و ازبکستان را هدف قرار داده. از سوی دیگر هر دو کشور چین و روسیه، کنار زده شدن مانع "حقوق بشر" بی بر سر راه اقدامات خود را در چشم انداز می بینند. به همین صورت، کشورهای با اکثریت جمعیت مسلمان، تصفیه گرایشهای بنیاد گرا و افراطی و دستیابی به ثبات پایدار را در پی هستند.

دومین نظریه، براساس این شواهد و انگیزه ها، تصور یک جامعه مدنی جهانی تحت رهبری غرب را رهنمای خود ساخته است. بر طبق آن، نهادهای برآمده از این فرآیند به تدریج و هر چه بیشتر وظایف و اهدافی فراسوی مرزهای جغرافیایی و سیاسی به عهده می گیرند و تصمیمات و رویکرد های آنان، میدان مانور دولتهای جداگانه را محدود می نماید. شکل گیری دو حلقه ائتلاف "صد تروریستی"، به تعهدات بین المللی در سیاست خارجی کشورها و زنه سنگین تری می بخشد و الزام به

تطبیق آن با موازین و تنظیمات نظام جهانی آتی را غیرقابل چشم پوشی می سازد. کشورهای مستقل، کماکان سیاست خارجی خود را خود تعیین می کنند اما برخلاف مدل گذشته جهانی، اهداف آنها تنها با ترم های ژئوپولیتیک نمی تواند تعریف و متمایز گردد. چرخش به سمت مسائل داخلی و رویارویی با چالش های همچون رفاه، اشتغال، رشد اقتصادی و جز آن، به گونه اجتناب ناپذیری به زاویه اصلی ورود به سیاست بین المللی تبدیل خواهد شد.

پایه های مادی تحول در نظم جهانی از کشورهای منفرد و چارچوب های محلی، منطقه ای و قاره ای به ظرفی فراگیرتر و جهانی، از هم اکنون با آغاز عصر ارتباطات، در پهنه اقتصادی بنیان نهاده شده است. ادغام شرکتها و کنسرنها و پیدایش نوع جدیدی از موسسات چند ملیتی که نه فقط از حیث تنوع ملی صاحبان و نیروی کار به خدمت گرفته شده بلکه بسا مهمتر از آن از نظر پهنای تولیدات خود، عملاً قادر به پاسخ دهی به نیاز های بازار های گوناگون با شاخصهای متفاوت جمعیتی، فرهنگی، مصرفی، نیروی خرید و جز آن هستند، فقط یک نماد از این تحول محسوب می شود. بازار بورس و مراکز نیرومند مالی به مدد تکنولوژی جدید، دیرگاهی ست سرنوشت ارزش پول ملی کشورها را در دست گرفته و مرز بانکهای مرکزی را به آنها نشان داده اند. و سرآخر مواجهه فرآیندها جوامع مدرن با پدیده بین المللی شدن ناهنجاری هایی که قوانین و نظم عمومی آنها را به مبارزه فراخوانده اند، تصمیم پیرامون ضرورت برخورد متشکل جهانی را ساده تر می کند. کارتهای مواد محدود، مافیا و تروریسم نمود های قانع کننده ای در این رابطه می توانند به شمار آیند.

همان گونه که مشاهده می شود، در هر دو مدل مورد بحث، تحقق این یا آن "نظم جهانی" تنها بر اساس فاکتور های ایجابی و شکل دهنده، مورد بررسی قرار می گیرد. و حال آنکه پیچیدگی گستره ای از منافع، علائق و موقعیتهای گوناگون و گاهی متضاد که هر یک از این پروسه ها تنها در کادر آنها و در شکل غلبه یا همسازی بر یا با آنها می تواند سامان یابد، به همان نیرومندی زمینه های اثباتی، قادر به تأثیرگذاری در سمت و سو و نتایج آن خواهند بود. سؤال اساسی این است: آیا یک هدف مشترک، جوهر رقابت بین دولتها را از بین می برد؟ ما به این چالشها و موانع و از این رهگذر به تخمین میزان درستی فرضیه های یاد شده خواهیم پرداخت.

اعلام موجودیت شورای ائتلاف انجمنهای مستقل کارگری

همشهری ۲۴ شهریور: شورای ائتلاف انجمنهای مستقل کارگری متشکل از ده ها انجمن صنفی کارگری به ثبت رسیده در وزارت کار و امور اجتماعی پنجشنبه گذشته مورخ ۲۲ شهریور در گردهمایی انجمنهای صنفی کارگری که در انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران برگزار شد با صدور بیانیه ای اعلام موجودیت کرد. در بخشی از این بیانیه که تاکنون به امضای حدود ۵۰ انجمن صنفی کارگری رسیده آمده است: ما انجمنهای صنفی کارگری ضمن تاکید بر شکلگیری نهادهای کاملا مستقل و دموکراتیک کارگری و محکوم کردن دخالتهای برخی عناصر غیرمسئول و جریانهای سیاسی، خواستار شکلگیری یک کانون عالی مستقل کارگری بوده و از مقامات مسئول وزارت کار و امور اجتماعی می خواهیم که با تقویت نظارت بیطرفانه خود مانع وابستگی تشکلهای کارگری و حدشه وارد شدن به استقلال آنها شوند. در این بیانیه همچنین آقایان علی اکبر بر سیارمه رئیس کانون انجمنهای صنفی رانندگان حمل و نقل جاده ای کالای کشور، مسعود هوشمند رضوی بازرگ انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران، همایون منصوری دبیر هیات موسس کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران ایران، محمدابراهیم اسکندری عضو هیات مدیره انجمن رانندگان وسایط نقلیه سنگین لرستان، عیوض عیوضی عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارگران راه آهن و محمداسماعیل غفاری رئیس انجمن صنفی رانندگان حمل و نقل جاده ای کالای اراک به عنوان مدیران "شورای ائتلاف انجمنهای مستقل کارگری" انتخاب و معرفی شده اند. موسس قانونی کانون عالی انجمنهای صنفی کارگری و هیات رئیسه اولین مجمع عمومی آن را مورد تایید قرار داده و انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران را به عنوان دبیرخانه موقت هیات موسس کانون عالی و دبیرخانه شورای ائتلاف تعیین کردند.

کارخانه نقش ایران در شهر صنعتی البرز قزوین تعطیل شد

جمهوری اسلامی ۱۱ مهر: در پی مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی مبنی بر معافیت کارخانجات نساجی از مشمول بخشی از قانون کار شرکت نقش ایران رسماً تعطیل شد. کربیمی دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین در گفتگو با خبرنگار ما با اعلام این مطلب افزود: مدیریت این واحد نساجی با بیش از ۵۰۰ نفر کارگر تعطیلی

کارخانه نقش ایران را رسماً به وزارت کار و امور اجتماعی و سازمانهای مربوطه اعلام داشته است. وی افزود: متأسفانه مدیریت این واحد نساجی از مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی سواستفاده نموده در حالی که مصوبه یاد شده هنوز مراحل قانونی خود را جهت اجرا طی نموده است. کربیمی افزود: مصوبه مورد نظر مجلس شورای اسلامی هیچ تناسبی با قانون کار و امور اجتماعی ندارد. دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین در این رابطه افزود: در این مصوبه منافع کارفرما به طور یکطرفه لحاظ گردیده و با اجرای این مصوبه هزاران نفر از کارگران نساجی بیکار خواهند شد. کربیمی افزود مسئولین مربوطه علل زیاندهی واحدهای نساجی را دقیقاً مورد بررسی قرار نداده اند. بنابراین گزارش حدود یکهزار نفر از کارگران نساجی نازخ به دلیل عدم دریافت حقوق و مطالبات قبلی به مدت سه روز دست از کار کشیده اند و در محوطه کارخانه اعتصاب نموده اند.

مصوبه مجلس و بیکاری کارگران

کیهان ۱۲ مهر: نمایندگان کارگران مازندران تصویب لایحه نوسازی و بازسازی صنعت نساجی را رأی به اخراج هزاران کارگر بیگانه کارخانجات نساجی دانستند. نصرالله دریایی دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران و عضو شوراعالی کار کشور در گردهمایی مسئولان شوراهای اسلامی کار واحدهای تولیدی و صنعتی استان مازندران، به شدت از مصوبه اخیر نمایندگان مجلس به ویژه کمیسیون صنایع و معادن انتقاد کرد. وی گفت: کسانی که با شعار اصلاحات و رفع مظلومیت از ضعف و محرومان وارد مجلس شدند نباید با نام نوسازی و بازسازی صنعت نساجی موجبات بیکاری و اخراج کارگران بیگانه را فراهم کنند، چرا که با اجرای این مصوبه از مجموع بیش از ۲۵ هزار کارگر نساجی استان مازندران ۱۵ هزار کارگر بیکار خواهند شد.

تظاهرات ده هزار کارگر کارخانه نساجی که حقوقشان پرداخت نشده است به خشونت کشید

خبرگزاری فرانسه ۱۴ مهر: روزنامه ها روز شنبه گزارش کردند که، وقتی پلیس در شهر مرکزی اصفهان جمعیت را از هجوم به سمت ساختمانهای دولتی بازداشت، تظاهرات ۱۰۰۰۰ نفره کارگران کارخانه نساجی که حقوقشان پرداخت نشده است به خشونت کشید. سیاست روز گفت که کارگران، که حقوقشان ماههاست پرداخت نشده است، روز پنجشنبه در اعتراض به یک لایحه که اخیراً توسط اکثریت

رفرمیست پارلمان برای کاهش تعداد کارگران کارخانه نساجی گذرانده شده بود، از کارخانه شان به سمت دولت راه پیمایی کردند. تظاهرات بعد از اینکه پلیس از گاز اشک آور و باتوم برای جلوگیری از کارگران از هجوم به ساختمان دولتی استفاده کرد به خشونت کشیده شد. او گفت، تظاهر کنندگان امکان عمومی را خراب کردند، پنجره های سینمای فلسطین را شکستند، به یک اداره پلیس حمله کردند و همچنین یک موتور سیکلت پلیس را آتش زدند.

اجتماع شش هزار نفری کارگران صنعت نساجی برگزار شد

همشهری ۱۷ مهر: کارگران صنعت نساجی سراسر کشور، در اعتراض به لایحه نوسازی صنایع در مجلس شورای اسلامی، امروز در تهران گردهم آمدند. به گزارش ایسنا، به رغم آن که دست‌اندرکاران این برنامه هدف آن را تقدیر از وزیر سابق کار و امور اجتماعی اعلام داشتند، این تجمع بیشتر رنگ و بوی اعتراض به وضعیت صنعت نساجی و قانون تازه تصویب نوسازی صنایع را به خود گرفته بود. کارگران حاضر با در دست داشتن پلاکاردهایی با عناوین "حق مسکن کارگران را افزایش دهید" و "قانون مشاغل سخت و زیان آور را تصویب کنید" خواستار توجه مسئولان مربوطه به وضعیت معیشتی خود شدند. مسئول کانون شوراهای اسلامی کار گفت کارگران مشکلات و معضلات فراوانی پیش روی دارند، و بحث صنعت نساجی، معافیت مالیاتی و حق مسکن عامل گرد هم آمدن نمایندگان کارگران به منظور بیان مطالب و خواسته هایشان می‌باشد. وی افزود: متأسفانه کسانی که امروز عهده دار مسئولیت جامعه کارگری می‌شوند، هیچ‌گونه شناختی از روحیه نیروی کار، معضلات کارگران و مشکلات صنعت ندارند. صادقی ادامه داد: دولت به جای کمک به صنایع در حال انقراض و نجات آنها، صورت مساله را پاک می‌کند. در پس تصویب لایحه بازسازی و نوسازی صنایع، اضمحلال صنعت مادر کشور، یعنی صنعت نساجی، نهفته است. علیرضا محجوب "دبیر کل خانه کارگر، در سخنانی گفت: رسالت کارگران با تصویب بازنشستگی پیش از موعد به پایان نرسیده چرا که، دین اسلام و نهضت ائمه برپایه تذکر و تکرار استوار بوده است. وی ادامه داد: اگرچه حقوق کامل ما زمانی تأمین می‌شود که جامعه کارگری نمایندگان بیشتری در کانونهای تصمیمگیری داشته باشد، جامعه کارگری به نسبت سهم خود از جامعه، در مجلس نماینده ندارد.

تحصن کارگران بازنشسته چیت سازی بهشهر

روزنامه کیهان ۱۸ مهر: جمعی از کارگران بازنشسته چیت سازی بهشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۲ ساله و سنوات خدمتی خود در مقابل این کارخانه تحصن کردند. این کارگران که از دوسال گذشته تاکنون حقوق بازنشستگی خود را دریافت نکردند خواستار اقدام فوری مسئولان برای رفع مشکلات ناشی از عدم تأمین معیشت خود شدند. کارگران بازنشسته چیت سازی بهشهر شب گذشته را در مقابل این کارخانه به صبح رسانده و اعلام کردند تا پاسخ قطعی مسئولان در مورد تکلیف مطالبات معوقه خود دست از تحصن نخواهند کشید.

تجمع اعتراض آمیز کارگران اخراجی کارخانه فرش و پتوی تبریز

خبرگزاری ایسنا ۲۳ مهر: ۸۰ نفر از کارگران رسمی و با سابقه کارخانه فرش و پشم و پتوی تبریز که از این کارخانه اخراج شده اند، در خانه کارگر تبریز گردهم آمدند. به گزارش خبرنگار اقتصادی ایسنا از تبریز، صادقراده دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز در جمع کارگران، برگزاری هرگونه تجمعی از جانب آنان را حق این قشر عنوان کرد و گفت: قانون هیچگونه تجمعی را در جهت احقاق حقوق منع نکرده و کارگران حق دارند در قالب چنین تجمعاتی خواسته های قانونی خود را مطرح کرده و در پی دستیابی به آن باشند. گفتنی است، اجتماع کارگران در مقابل کارخانه منجر به دستگیری و بازداشت موقت عده ای از آنان شد.

تجمع چهار هزار نفر از کارگران شرکت زغال سنگ البرز شرقی

روزنامه رسالت ۲۴ مهر: چهار هزار نفر از کارگران شرکت زغال سنگ البرز شرقی در اعتراض به عملکرد مدیریت شرکت و عدم پرداخت به موقع حقوق دست به تجمع زدند. کارگران خواستار پرداخت به موقع حقوق و حاتمه دادن به برخی تبعیضات ناروا و پرداخت حقوق حقه خود مانند پاداش و سود سالانه، حق مسکن و توجه به مسایل رفاهی شدند. کارگران معترض همچنین خواستار روشن شدن عملکرد هیات مدیره و مدیرعامل و رییس امور مالی این شرکت شدند. شنیده شده در پی اتمام تجمع کارگران و بازگشت به محل کار، مدیریت این شرکت برخوردی حذفی بر علیه این کارگران را آغاز کرده است.

نوسازی صنایع نساجی قربانی می‌گیرد

— م. حبیبی

mhabibif@yahoo.fr

کارگران صنایع نساجی در تاریخ ۱۷ مهرماه، در اعتراض به تصویب لایحه نوسازی صنایع نساجی در مجلس آخوندی و به دنبال آن اخراج کارگران از کارخانه‌ها، در یک اجتماع شش هزار نفری، در تهران گردهم آمدند. قبل از این اما، در ۸ مهر، به دنبال تصویب این لایحه ضد کارگری، در اصفهان که یکی از مراکز مهم نساجی در ایران به شمار می‌رود تظاهراتی برگزار شد که به درگیری با عوامل سرکوبگر رژیم منتهی شد و طی آن تعدادی از کارگران زخمی و دستگیر شدند. تظاهرات در اصفهان که از کارخانه بافتناز شروع شده بود به سایر کارخانه‌ها نظیر کارخانه قدس، نازش و سیمین کشیده شد.

بدون شک صنعت نساجی در ایران به دلیل قدیمی و فرسوده بودن تکنولوژی آنها، و عدم نوسازی فنی صنایع مربوطه طی سالیان، نیاز به تغییرات اساسی در بنیادهای تکنولوژیکی و مدیریتی و خلاصه اصلاح ساختار این صنعت دارد. ولی نکته‌ای که در این جا مطرح می‌شود این است که بهای ناسامانی در این صنعت چرا باید از جیب خالی کارگران پرداخت شود. وضعیت موجود در این بخش از صنعت در درجه اول حاصل سیاستهای غلط در زمینه تولید و مدیریت صنعتی است، آنهم در بستر اقتصادی که تجارت و دلالتی نقش تعیین کننده‌ای در سیاستهای اقتصادی ایفا می‌کند.

مصوبه‌های اخیر مجلس که ظاهراً بعد از بحثهای فراوان و زیر نظر کمیته‌های تخصصی در قالب لایحه‌ای فرموله شده با نادیده گرفتن حقوق اولیه کارگرانی که سالها در کارخانه‌ها کار کرده‌اند، امنیت شغلی کارگران را در معرض تهدید قرار داده است. این اولین باری نیست که «مجلس اصلاحات»، اقدام به تصویب قوانین ضد کارگری می‌کند. قانون معافیت کارگاههای زیر پنج نفر از شمول قانون کار که برخلاف کلیه قوانین بین المللی در زمینه کار به شمار می‌رود، بعد از یک سکوت شش ماهه به تصویب «مجلس اصلاحات» رسید. در این مصوبه حتی به این نکته که این مصوبه برخلاف

قوانین خود رژیم نیز هست نبر توجه‌ای نشده است. بند چهارم این مصوبه در خصوص مازاد نیروی انسانی در صنایع نساجی، تاکید می‌کند که، اخراج کارگران تنها با پیشنهاد مدیر واحد تولیدی قابل اجرا می‌باشد. در حالی که براساس قوانین رژیم، که البته تحت فشار سازمانهای بین‌المللی کار به صورت مصوبه در آمده است، اخراج کارگران باید تحت نظر یک مرجع تصمیم گیرنده متشکل از نمایندگان سه گروه کارگر و کارفرما و دولت صورت بگیرد. از این گذشته رژیم حتی خود را متعهد به پذیرش قوانین بین‌المللی کار که خود از امضاء کنندگان آن به شمار می‌رود نیز نمی‌داند. چرا که مصوبه‌ای اخیر بطور آشکار برخلاف مقاوله نامه‌های ۷۸ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار است.

نند سوم ایس مصوبه سازمان تامین اجتماعی را موظف می‌کند که پرداخت بیمه بیکاری کارگران را به عهده بگیرد. و این در حالیست که سازمان تامین اجتماعی، حتی قبل از بوجود آمدن این وضعیت از وظیفه خود شانه خالی می‌کرد و علناً اعلام کرده بود که توان مالی لازم را جهت باز پرداخت مقرری بیمه بیکاری کارگران را ندارد. در شرایطی که کارگران نساجی، اثرمان که در کارخانه‌ها کار می‌کردند، با حقوق‌های معوقه چندین ماهه روبرو بودند، سازمان تامین اجتماعی از بازپرداخت هزینه دفترچه‌های بیمه درمانی کارگران سر باز زده، که این امر باعث شده بود بسیاری از مراکز درمانی از پذیرش دفترچه‌های خدمات درمانی خودداری می‌کردند. حال پس از تعدیل نیروی انسانی صنایع نساجی، و با توجه به اوضاع مالی سازمان تامین اجتماعی، هیچ مشخص نیست که باز پرداخت بیمه بیکاری کارگران تضمین عملی داشته باشد.

الته مشاوران اقتصادی «اصلاح طلبان» باز می‌توانند این اعتراضات را، دخالت‌های سیاسی جناح رقیب قلم داد کنند. ولی بدون تردید اخراج صد هزار کارگر با یک مصوبه کار چندان ساده‌ای برای آنها نخواهد بود.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در مورد اعتراضهای کارگری

صبح روز ۸ مهر ۸۰ تعداد ۴۰۰ کارگر کارخانه کفش شادانپور در درمقابل وزارت کار رژیم آخوندی در تهران دست به تحصن زدند.

بنا به گزارش روزنامه حکومتی توسعه، روزسه شنبه سوم مهر ماه کارگران کارخانه پتروشیمی ارومیه دست به اعتصاب زدند.

در استان بوشهر، پرورش دهندگان میگو درمحل اداره کل شیلات بوشهر، دست به اعتراض زدند. آنها نسبت به پایین بودن قیمت رسمی صادراتی میگو معترض بودند. همچنین در هفته گذشته دو کارخانه بزرگ تولیدی فرش بیستون و نساجی غرب در کرمانشاه با ۱۵۰۰ کارگر تعطیل شده و کارگران آنها بیکار شدند.

کارخانه یشم بافی کشمیر به دلیل عدم پرداخت حقوق کارگران و اخراج آنها عملاً به حالت تعطیلی در آمده است. روز ۲۲ مهر، کارگران شرکت نساجی پاکریس درمهدیشهرسمنان، درمحل خانه کارگرسمنان دست به یک تجمع اعتراضی زدند. آنها به مصوبه اخیرمجلس آخوندی که طبق آن نیروی مازاد صنعت نساجی بازپرداخت مبلغ ناچیزی بازخرید و اخراج می‌شوند، اعتراض

داشتند. در روز ۲۱ مهر، کارگران بازنشسته کارخانه نساجی چیت بهشهر، دراعتراض به عدم پرداخت مستمری بازنشستگی خود درمقابل این کارخانه دست به تجمع زدند.

اعتصاب ۲۰۰۰ تن از معدنچیان طرزه شاهرود وارد پنجمین روز می شود کارخانه نساجی نقش ایران قزوین تعطیل شد ویکهزار کارگر کارخانه نساجی نازنج قزوین دراعتصاب بسر می برند

مجلس ضد کارگری

— آناهیتا، الف

اعتراض کارگران کارخانه نساجی اصفهان علیه مجلس و استاندار از موضوعهای مهم در ماه گذشته بود. در اصفهان، «حدود ده هزار نفر از کارگران کارخانه‌های نساجی روز پنجشنبه ۱۲ مهر، پس از طی خیابانهای شهر در مقابل استانداری اجتماع کردند... شعارهایی علیه مجلس شورای اسلامی، استاندار، وزارت صنایع و نیروی انتظامی سر دادند. معترضین بر اثر گاز اشک‌آور پراکنده شدند و تعدادی از آنها اقدام به شکستن شیشه‌های دو سینما و یک کیوسک پلیس ۱۱۰ در چهار باغ کردند.» (کیهان ۱۴ مهر ۱۳۸۰)

«کارگران نساجی در اعتراض به لایحه نوسازی صنایع در مجلس شورای اسلامی در تهران گرد هم آمدند و خواستار حق مسکن کارگران شدند.» (دوشنبه ۱۶ مهر ایسا)

وزیر جدید امور اقتصادی، طهماسب مظاهری در مجلس شورای اسلامی ضمن قول اصلاح ساختار اقتصادی کشور در توضیح برنامه‌های اقتصادی دولت، رشد و شکوفایی در عرصه اقتصاد را با خصوصی سازی و آزاد سازی تجاری همسان و ملزوم معرفی کرد و به دفاع از آن پرداخت و هم چنین از خصوصی سازی بیمه‌ها، تاسیس بانکهای خصوصی، و اقدامات مهمی برای رشد اقتصادی دانست. سخنان وزیر جدید امور اقتصادی نشان داد که رژیم استبدادی مذهبی، راه برون رفت از بحران ساختار اقتصادی را بر تاکید برنامه جلب و جذب سرمایه‌گذاران خارجی و تسریع و تشدید روند خصوصی سازی دانسته و این نشان دهنده

آن است که برنامه خاتمی و دولت جدید وی چیزی جز ادامه سیاست ورشکسته و فاجعه‌بار گذشته و ادامه تعدیل اقتصادی رفسنجانی که از طرف صندوق بین‌المللی پول به آنها دیکته شده، نیست. سیاستی که باعث از بین رفتن بینه تولیدی کشور و بسته شدن بسیاری از واحدهای تولیدی کشور شد و امروز بسیاری از صنایع کشور ما در حال بسته شدن و یا در حالت تعطیلی کامل است. مجموعه این سیاستها در جهت تامین منافع سران رژیم و سرمایه‌داران است که در تضاد آشکار با منافع ملی کشور ما اجرا می‌شود و حاصل آن چیزی جز فقر بیشتر برای مردم به ویژه کارگران و مزدبگیران ایران نیست و نه تنها با قولهای خاتمی مبنی بر اشتغال‌زایی و تامین عدالت اجتماعی در تضاد کامل قرار دارد بلکه اختلاف و شکاف طبقاتی را در سطح جامعه عمیق‌تر می‌کند.

در این وضعیت، مجلس ارتجاع، گامی فراتر نهاد و لایحه‌ای به عنوان «حمایت از بازسازی و نوسازی نساجی کشور» تصویب کرد. این لایحه مربوط به کارگران و زحمتکشان می‌شود که باید رسماً از کار اخراج گردند و نیروی انسانی مازاد واحدهای مشمول این قانون با پیشنهاد مدیر واحد و با تاکید کمیته ای متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های صنایع و معادن، کار و امور اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مشمول تعدیل گردند و در مقابل پرداخت حقوق مقرر در قانون کار، بازخرید گردند. به زبان ساده در مجلس ارتجاع حکم اخراج کارگران و زحمتکشان به تصویب رسید. این لایحه دست کارفرمایان را برای اخراج کارگران باز می‌گذارد تا هزاران کارگر را از کار برکنار کنند. تصویب این لایحه نیز پوزخندی به تمامی کسانی است که بار سنگین دموکراسی، اصلاحات را در کیشوت‌وار به دوش شخصی گذاشتند که حتی صلاحیت چرخاندن یک مجلس روزه عزاداری را هم ندارد. به نظر می‌رسد که رژیم به از سرکوب جنبش دانشجویی، اکنون وارد مرحله دیگر یعنی سرکوب جنبش کارگری شده و این موضوع را در سر لوحه کار خود قرار داده است. تصویب این لایحه ضد کارگری دلیل واضحی بر این مسأله است زیرا بر همگان به خوبی واضح است که بحران صنایع نساجی ناشی از سیاستهای اقتصادی رژیم و غارتگریهای بران رژیم و باندهای مافیایی که قدرت اصلی را در دست دارند، است.

زنان و مسیر رهایی

— نیلا
usalayla@yahoo.com

نگاهی از دریچه وضع زنان

۹ سپتامبر - ورایتی-نیویورک شبکه تلویزیونی PBS اقدام به پخش ۸ برنامه نیم‌ساعته از زنان در ۴ کشور کوبا، هند، نیوزلند، و ایران کرده است. Holly Morris تهیه کننده کارگردان و نویسنده این برنامه می گوید "این شروع یک تلاش برای مشاهده جهان با شیوه عینکی متفاوت است. اولین برنامه در هند صورت می گیرد که در باره فولان دوی، یک زن سیاستمدار، که اخیراً به قتل رسیده است، می

باشد. برنامه مربوط به ایران شامل مصاحبه ای با فمینیست فیلم ساز، تهمینه میلانی، می باشد. او در ماه گذشته به خاطر تهیه فیلم "بیمه پنهان" به اتهام توهین به اسلام در ایران دستگیر شد.

زنان خیابانی در شهر تهران

۱۷ سپتامبر - رویتر - یک مقام قضائی در ایران اعلام کرد که ۲۰۰۰ زن خود فروش در شهر تهران مشغول به کار هستند. روزنامه های ایران به نقل قول از عباس علی عزیززاده نوشتند "دو هزار خود فروش؟ حجت اور نیست؟" عزیززاده که معروف به مخالفت با رسانه های خبری و روشنفکران است هم اکنون توجه خود را به زنان خودفروش و قاچاق نوشابه های الکلی معطوف کرده است.

مرگ یک هنرمند آگاه

۲۲ سپتامبر - اسوشییتد پرس - خانم جین دودلی هنرمند رقاصی که از هنرش برای اعتراض به بی عدالتیهای اجتماعی استفاده می کرد، در سن ۸۹ سالگی چشم از جهان فرو بست. او که متولد شهر نیویورک بود، از سال ۱۹۷۰ در لندن زندگی کرده و در سال ۱۹۴۲ با جمع آوری چند هنرمند که با جنبش چپ سمپاتی داشتند گروهی به نام گروه رقص نو ترتیب داد. این گروه به منظور دسترسی کودکان خانواده های فقیر، به رقص، کلاسهای با شهریه ناچیز ایجاد کردند. او زیر نامهایی چون

"زندگی یک کارگر" و "زنان اسپانیا" در اعتراضات سیاسی و اجتماعی علیه فقر در جنگ داخلی اسپانیا فعالیت کرد. با این که او سالهای آخر عمرش را از بیماری ارتروز رنج کشید اما در کار تدریس هنر رقص مدرن و کانیوگرافی بی گبرانه فعالیت کرد

خطر بیماری ایدز برای زنان مکزیکی



۲۷ سپتامبر - رویتر - بحش بهداشتی، دکتر Julie Pulerwitz از طرف شورای کنترل جمعیت در تحقیقات خود در مکزیک گزارش داده است که بالغ بر ۱۵ درصد از مردان مکزیکی غیر از همسر خود روابط جنسی دیگری دارند و به همین دلیل زنان مکزیکی در خطر ابتلا به بیماری ایدز هستند. ۸۹ درصد از این مردان اقرار کرده اند که همسر اصلی از این موضوع بی اطلاع هستند و یک سوم گفته اند که زن دوم بی اطلاع از اولی است. دکتر پولرویز می گوید چنانچه حتی ۵ درصد آلوده به میکرب HIV شوند بالغ بر ده هزار زن در سال به این بیماری مبتلا خواهند شد.

ژاپن و مشکل خودفروشی دختران جوان

۲۹ سپتامبر - رویتر - پس از گذشت دو سال که دولت ژاپن غیر قانونی بودن خودفروشی دختران جوان را اعلام کرده است هنوز این مشکل حل نشده باقی مانده است. روز نامه ها حتی از پلیسها و معلم هایی یاد می کنند که با دختران جوان در مقابل پرداخت پول رابطه داشته اند. یک نماینده فعال در تلاشهای علیه خودفروشی کودکان می گوید که از زمان اجرای این قانون وضع بهتر شده است اما هنوز ادامه دارد. او می گوید بسیاری از مرد ها تا زمانی که قانون به آنها تدریس شده بود، نمی دانستند عمل نادرستی را انجام می دهند. دادگاههای مخالفت خودفروشی

کودکان تنها فروشنده سکس را محاکمه می کنند نه خریدار را. اما قانون در سال ۱۹۹۹ مردانی را که با کودکان زیر سن ۱۸ سال رابطه دارند مقصر شناخته و برای اولین بار پورنو گرافی کودکان را نیز ممنوع اعلام کرده است.

زنان کانادایی

۴ اکتبر - اسوشییتد پرس. یکی از گروههای بزرگ زنان در کانادا، به نام، کمیته مارچ زنان کانادایی، از زنان خواست که نسبت به رفتار "کابوی موبانه" آمریکا در رابطه با مجازات تروریستها اعتراض کرده و خواستار محاکمه آنها برای برقراری عدالت باشند.

این کمیته هم چنین از خانم Sunera Thobani، یک زن فمینیست شناخته شده، برای نظراتش که سیاست خارجی آمریکا را به عملیات تروریستی ارتباط داده است، دفاع کرد. خانم ثوبانی ضمن یک سخنرانی در

کنفرانس گفته است که سیاست خارجی آمریکا "در خون غلطیده" است. آمریکا را "خطرناکترین و پر قدرت ترین نیروی جهانی" خوانده که "خشونت در جهان" را ترویج می کند. بسیاری از سیاستمداران سخنان او را افراطی خوانده و به او اعتراض کرده اند.

شورای کلیسای سایه

۵ اکتبر. رویتر. رم. مخالفان سیاستهای واتیکان در سراسر جهان، در مقابل شورای کلیسای کاتولیک تشکیل یک "شورای کلیسای سایه" را دادند. این شورا واتیکان را "آخرین سلطنت مطلق" جهان خوانده، و خواستار رفورمهای رادیکال که شامل حق زنان برای کشیش بودن است، تسد، تسورای



کلیسای سایه، شورای واتیکان را تنها یک گردهمایی مردانه خوانده و گفت بسیاری از کاتولیکها خواستار دمکراسی در کلیسا هستند.

ابتکار برای کمک

۶ اکتبر - اسوشییتد پرس. کالرو لاینا جنوبی، عده ای زن که همگی بالا تر از ۶۰ سال دارند تشکیل یک گروه زنان دادند که هدف اصلی آن جمع آوری کمکهای مالی برای زنان مسن و رساندن غذا و مواد خوراکی به آنها بود. این زنان دست به کاری ابتکاری زده و به تهیه یک سالنامه که عکسهای عریان این زنان را چاپ می کند، اقدام کردند. تمامی این سالنامه ها پس از انتشار سریعاً به فروش رفته و یک لیست طولانی در انتظار چاپ دوم آن و پرداخت ۷۵ دلار برای هر تقویم هستند. به گفته گرداننده این اقدام، همسر بسیاری از این زنان از این کار بی اطلاعند.

خودکشی در چین

۱۰ اکتبر - رویتر. سازمان جهانی بهداشت در بیانیه ای به مناسبت روز جهانی بهداشت اعلام کرد که در چین خودکشی در میان زنان بین سنین ۲۰ تا ۳۴ مهمترین علت مرگ است. این سازمان گفت "خودکشی، مشکل بزرگی در امر بهداشت و سلامت گشته است" در این بیانیه که به بی توجهی به امور روانی زنان در جهان که شامل ۳۷ کشور در آسیا می شود اشاره شده، آمده است که "اکثر کشورها در این منطقه کمتر از یک درصد بودجه خود را صرف بیماریهای روانی زنان می کنند". سالیانه بالغ بر یک میلیون نفر سراسر جهان خودکشی می کنند. این سازمان که در گزارش سال ۱۹۹۹ چین را تنها کشور جهان که تعداد خودکشی های زنان بیشتر از مردان بوده است، اعلام کرده بود؛ در گزارش اخیر اکثر خودکشیها در چین را در روستاها اعلام کرده است. با این حال طبق گزارش دیگری از همین سازمان در ۱۵ سال اخیر در صد خودکشی در این کشور ۱۷ درصد تقلیل یافته است.

...چيست و به خصوص راه چاره اين مصيبتها کدامست و خلاصه چه بايد کرد؟

روشن است که برای درمان درد، اول بايد مرض را تشخيص داد و علل و عوامل بروز آن را جستجو و معلوم نمود. راجع به علل بروز و تکرار فزاینده سيل و خرابی در استانهای شمالی ایران، سالهاست این معضل به طور مرتب و به تفصیل توسط کمیسیون محیط زیست شورای ملی مقاومت توضیح داده شده

که تخریب پوشش گیاهی و غارت و قتل عام جنگلها، فرسایش خاک دامنه های کوهستانی، عدم رسیدگی فنی و به موقع به آبراهها و رودخانه ها، خراب شدن تالابها و لای گرفتگی دریاچه ها -

--دریك كلام، تخریب و نابودی محیط زیست طبیعی و عدم سرمایه گذاری در طرحها و مدیریت احیای و حفاظت منابع و ... سبب سازاین مصيبتها بوده اند. مسئولیت این امور و کارهای مربوطه نیز بردوش برنامه ریزان اصلی و دستگاههای محلی و مرکزی دولت آخوندی بوده، که البته

جملگی به طریقی همدست و گاه بازیچه دستان آلوده نهادهای انجمنی نیز بوده و هستند. باید به خاطر داشت که کارشناسان میهن دوست ایرانی و متخصصان دلسوز محیط زیست و منابع طبیعی و اساتید دانشگاه در داخل کشور، همگی در بیان علل فنی و اکولوژیک این وضع اسفناک تقریبا متفق القولند و آنها هم روی همین علی که فوقا اشاره کردم انگشت می گذارند. منتها، به دلایل واضح، از اشاره مستقیم به سیاستهای محوری رژیم و ذکر مسئولیت سیاسی دولت و شخص خاتمی و وزرای و معاونان وی پرهیز دارند. در مورد علل و عوامل زیست محیطی و وخامت اوضاع، اما، سالهاست هشدار می دهند. این جا، فقط برای نمونه، چکیده یکی از این روشنگریها را (از زبان یکی از اساتید دانشگاه ملی) می آورم که جنبه هایی از فاجعه عمومی محیط زیست شمال کشور را آشکار می کند:

«علت این سيل را خود سيل به وضوح به همه نشان داد. من زمانی که داشتم فیلمهای غم انگیز این سيل را نگاه می کردم، متوجه شدم که سيل با خودش هزاران لاشه درختان کهن، قطور و بلندی که شاید چهل، پنجاه متر ارتفاع داشتند، می برد... جنگلها اولین منابع بهره برداری بودند که به دلیل سود فراوانی که داشت به هر حال آماج حملات بسیار شدید قرار گرفتند و من نمی دانم واقعا این جنگلها با چه مجوزی، اینطور آزادانه قلع و قمع می شود. درختانی که قرنها وقت برایشان صرف شده تا در بقیه در صفحه ۱۹

۵۰۰ میلیون ریال خسارت به این مناطق وارد شد. سیلاب در شهرستان رودسر به بیش از ۵۰ کیلومتر راه روستایی، ۹۹ هکتار پیل و ۱۲۰ واحد مسکونی و تعداد زیادی از تاسیسات

کوهستانهای بی درخت، سیلی مهیب و ویرانگر به سمت ده و شهر و مزارع و باغها و جاده ها و پلها و ... هجوم می آورد. خرابی وسیع و طولانی محیط کار و زندگی و خسارت جانی و مالی،

محیط زیست»»»»» اندیشه ها و چشم اندازها چه باید کرد؟

— کریم قصیم

زیربنایی این منطقه خسارت وارده کرده است. تاکنون از میزان خسارت وارده به مناطق غرب استان گیلان گزارشی دریافت نشده است.» - خبرگزاری ایرنا ۸۰/۶/۱۱

همین طور در استانهای مازندران و گلستان نیز سيل بارها زندگی مردم و اقتصاد منطقه را به هم ریخت. حوالی نهم و دهم شهریور، شهرستانهای رامسر، ساری، تنکابن و گرگان و کردکو دچار سيل و آبگرفتگی شدند و خسارتهای بسیار دیدند. این از تکرار فاجعه سيل و خرابی در ماههای تابستان در پاییز هم این مصیبت به همین ترتیب ادامه یافت:

«بارندگی شدید خسارت زیادی به استانهای شمال کشور وارد کرد. براساس اعلام این ستاد، حدود ۲ هزار واحد مسکونی در شهرستانهای رامسر، تنکابن و نوشهر بر اثر طغیان رودخانه های محلی دچار آب گرفتگی شدند و به علت ارتفاع زیاد آب، ساختمانهای آموزشی، اداری، تجاری و مسکونی خسارت دیدند و مدارس در این شهرها تعطیل شدند. ادامه بارندگی در استان مازندران نیز ۴۰ روستا در حومه شهر کتلم را در محاصره سيل قرار داده است. در جاده جویبارده به رامسر نیز راه ۷۵ روستا قطع شده و ۵۰۰ هکتار اراضی و ۲۰ دستگاه پل نیز خسارت دیده است. در اردبیل نیز باران شدید و تگرگ باعث طغیان رودخانه های این استان شد. بارندگی شدید در استان گیلان در شهرستانهای ماسال، املش، شفت، رشت، لاهیجان، رودسر و رضوانشهر نیز باعث جاری شدن آب در شهرها شده است...» - رادیو رژیم، ۱۰ مهر ۸۰

این اخبار خوف، مختص امسال نیست. سالهاست استانهای شمالی کشورمان که تا همین ۲۰ سال پیش هیچوقت سيل به روی خود ندیده بودند، به طور دایم و چهار فصل در دورتسلسل سيل و خرابی گرفتارند. گفتن ندارد که سال به سال هم ابعاد این خرابیها و ضایعات بعدی که متوجه کشاورزی، باغداری، دامداری و کل اقتصاد و اجتماع منطقه می شود افزایش می یابد. علل وقوع این دورباطل سيل و خرابی و خشکسالی و

نتیجه بلا فصل این وضع فلاکت بار است. ابعاد آن در ایران آخوند زده سال به سال گسترده ترمی شود. دوماه پیش، معاون اداری مالی وزارت کشور درباره دامنه خسارت سيلهای مردادماه اخیر در استانهای گلستان و خراسان چنین گفت:

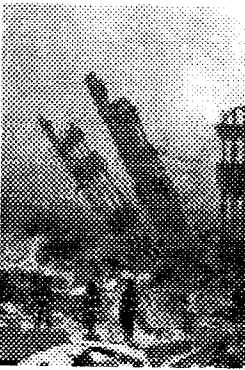
«بر اساس برآوردهای انجام شده، سيل مذکور بالغ بر ۷۰۰ میلیارد ریال خسارت به کشور وارد کرده است. از این میزان حدود ۵۰۰ میلیارد ریال فقط مربوط به استان گلستان بوده است...» - همانجا -

سيل گلستان، که اهالی محل مثل آن را نه دیده و نه شنیده اند، و به قول زیست شناسان بی سابقه ترین سيلهای ایران در دو بیست سال اخیر به شمار می آید، در مردادماه گذشته اتفاق افتاد. همزمان در شمال خراسان و مشگین شهر نیز به دنبال چند ساعت باران سيلهای شدیدی جاری شد. در شهر یورماه نیز، باردیگر، در چند ناحیه شمال کشور سيل به راه افتاد و زینهای سنگین وارد کرد:

«سرپرست ستاد حوادث غیر مترقبه استان گیلان گفت، سيلاب ناشی از بارندگیهای چند روز اخیر تاکنون ۳۷ میلیارد و ۵۱۸ میلیون ریال خسارت به مرکز و مناطق شرق استان وارد کرده است. وی افزود، بر اثر جاری شدن سيلاب در سطح شهر رشت به بیش از سه هزار واحد مسکونی و تجاری این منطقه بین ۳۰ تا ۶۰ درصد خسارت وارد شده است. در شهرستان آستانه اشرفیه علاوه بر آب گرفتگی برخی از خیابانها، ۶۰۰ واحد تجاری این شهر نیز بین ۴۰ تا ۶۰ درصد خسارت دیده است. بارش باران در شهرستان لنگرود موجب طغیان رودخانه های این منطقه و وارد آمدن خساراتی به پلهای مناطق رجب سرا و اوشیان شده است. سيلاب در این منطقه باعث رانش کوه در مسیر جاده های روستایی روستاهای کردسرا، کویه، آسفالت لیل و چال دشت به بلور دکان شده است. بر اثر سيلاب و طغیان رودخانه در شهرستان املش ده دهنه پل به شدت آسیب دید و حدود یک کیلومتر راه منطقه "گوش کرد" و دهها هکتار از اراضی کشاورزی شهرستان املش کاملا تخریب و شش میلیارد و

خسارتهای خشکسالی و خرابیهای سيلزدگی در کشور ما ابعاد نجومی پیدا کرده است. چندی پیش، معاون وزیر کشور میزان خسارتهای وارده از خشکسالی سه سال اخیر ایران را بالغ بر ۵۶ هزار میلیارد ریال اعلام کرد. (خبرگزاری ایرنا ۸۰/۶/۶)

همان طور که می دانید، به کمبود شدید بارشهای سالانه و افت منابع آبی و کاهش رطوبت اقلیمها می گویند خشکسالی. در اباعادی که ایران طی چند سال اخیر، با خشکسالی رو به روبرو شده، کشور ما به عواقب یک فاجعه زیست محیطی کم سابقه گرفتار شده و به سبب وقوع رو به افزایش سيلهای خانمان برانداز، مصیبت مذکور شدت مضاعف پیدا کرده است. اکنون سالهاست که اغلب استانها و به خصوص سرزمینهای شمالی ایران، به مجرد جاری شدن بارانهای چندساعته، مورد هجوم سيلهای مهیب و ویرانگر قرار می گیرند. هم زمانی خشکسالی و سيلزدگی، گرچه به ظاهر غریب و شگفت آور می نماید، ولی در کشوری که بلایا و عواقب ۲۳ سال حکمرانی آخوندی و سیاستهای قرون وسطایی آن را به خود دیده، وقوع این فجاج به هم پیوسته هیچ عجیب نیست. اکولوژی هر سرزمین، بافت به هم بسته ای است. منابع طبیعی یک کشور، یعنی آب و هوا و خاک و جنگل و موجودات زنده در آنها... برخلاف یک تصور غلط و رایج - نعمتهای بی انتها و ذخایر نامحدود و رایگان نیستند. منابع طبیعی مذکور هم محدود و تمام شدنی اند و هم حیات روزمره آنها، به طور دایم، رسیدگی و تجدید قوا و تعادل می طلبند. حفظ و پایداری محیط زیست طبیعی و شهری، به مثابه زیرساخت و گهواره اکولوژیک و زیست بوم هر نوع مناسبات اقتصادی و صورتبندی سیاسی-اجتماعی، می باید در رأس سیاستها و مصالح ملی در برنامه ریزیهای کلان کشور ملحوظ باشند. در غیر این صورت، دیر یا زود، وقوع دینامیسم فاجعه حتمی است. وقتی به منابع آبیهای زیرزمینی و سطحی کشور، به موقع و همه جانبه، رسیدگی نشود و ذخایر آب محفوظ نمانند، آن گاه، در سالهایی که کمبود بارش داریم به سرعت گرفتار خشکسالی و عواقب دهشتناک آن می شویم. و وقتی در اثر غارت و نیز غفلت، پوشش گیاهی و جنگلی سرزمینها نابود شوند، خاکهای قیلا زنده و نرم و غنی، رفته رفته به خاک مرده و خشک و فرسوده تبدیل می شوند و این طور می شود که باران - در جستجوی خشکسالی - به جای آن که رحمت زمین تفته و تشنه باشد و عطش آن را سیراب کند، خاک خشک و سست را از جامی کند و سپس، در سراشیب



به چشم می خورد. چند شرکت دیگر بیمه نظیر سویس ره و مونیخ ره نیز با وضعیت مشابه مواجه هستند. این سناریو برای دو بانک بزرگ مورگان استنلی و مرلینچ که هر دو در ساختمانهای تجارت جهانی مستقر بودند نیز به چشم می خورد.

COB نهادی که مسئولیت کنترل تحرکات بورس در فرانسه را کنترل می کند، میزان کاهش ارزش سهام بیمه AXA و MUNICHRE را ده و سیصد درصد، قبل از ۱۱ سپتامبر اعلام می کند که در آن زمان مقدار زیادی از سهام این شرکتها به فروش گذاشته شده بود.

بازار بورس در آمریکا که بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر بسته شده بود، در ۱۷ سپتامبر کار خود را از سر گرفت. تعطیلی شش روزه وال استریت از ۱۹۵۴ تاکنون بی سابقه بود. در اولین ساعات از سرگیری کار بورس، تمام بورسهای جهان کلیه تحرکات بورسی را در آمریکا با دقت دنبال می کردند. نتیجه چندان هم دور از انتظار نبود، اکثر بورسها روند نزولی به خود گرفته بودند. واقعیت برای کارشناسان اقتصادی روشن بود، با یک چنین روندی نزولی در کاهش سهام بورس نمیتوان در انتظار معجزه بود، دخالت دولت و بانک مرکزی آمریکا اجتناب ناپذیر می نمود. دولت آمریکا که به طور سنتی از دخالت دولت در اقتصاد اجتناب می کند، میلیاردها دلار را برای به چرخش در آوردن چرخهای راکد اقتصاد تزریق می کند. این روند نزولی با اندکی تغییرات جزئی تا پانزده اکتبر نیز ادامه داشت، بیشترین تغییرات در بازار بورس به صنایع نظامی و دارو سازی مربوط می شود. در چنین شرایطی اکثر کارشناسان اقتصادی، معتقدند که تغییرات اساسی در شرایط موجود بدید نیامده است. روند رشد اقتصادی همچنان به کندی پیش می رود، شاخص اعتماد مصرف کننده به شدت پایین آمده، و خلاصه روانشناسی جنگی بر اقتصاد حاکم شده است. اکثر این کارشناسان تغییرات اساسی تر را به سال آینده موکل کردند.

خلاصه کمتر شرکت هوایمایی را می توان یافت که از این وقایع تاثیر پذیرفته باشد.

شرکت های بیمه نیز به لیست زیان دیده گان افزوده شدند. سهام شرکت بیمه فرانسوی AXA بعد از ۱۱ سپتامبر ۱۴ درصد سقوط کرد. سهام شرکت بیمه MUNICHRE نیز با کاهش ده درصدی مواجه شد. گذشته از کاهش سهام این شرکتها باید به میلیاردها دلار غرامتی اشاره کرد که این شرکتها باید به بیمه شوندگان پرداخت کنند. در ارزیابیهای اولیه، یعنی در ۱۲ سپتامبر که گردهمایی بین المللی سنتی شرکت های بیمه جهان در مونت کارلو برگزار شد، پیش بینی شد که میزان خسارت وارده بر شرکت های بیمه به دهها میلیارد دلار بالغ خواهد شد. به گفته رییس بیمه بین المللی MMA براساس ارزیابیهای اولیه میزان خسارت ناشی از وقایع ۱۱ سپتامبر، چندین برابر میزان خسارت طوفان اندرو است که در سال ۱۹۹۲ در آمریکا رخ داد، در آن زمان میزان خسارت وارده حاصل از طوفان اندرو ۲۰ میلیارد دلار شده بود. آخرین ارزیابی کارشناسان اما، صحت از رقم ۱۷۰ میلیارد دلار می کند. در ارتباط با کاهش ارزش سهام بعضی از کمپانیها حتی قبل از وقایع ۱۱ سپتامبر، توجه کارشناسان بورس به سمت تعدادی از کمپانیهای هوایمایی و بیمه جلب شده بود. چرا که این احتمال داده می شد که، کسانی که به فروش سهام خود قبل از ۱۱ سپتامبر خود زده باشند، البته ثابت کردن این کار، چندان هم ساده به نظر نمی رسد. چرا که بعضی از کارشناسان بورس معتقدند که نقل انتقال بورسی از این دست، کار معمولی است که، سهام داران هراز گاهی به آن اقدام می کنند.

ارگانهای کنترل کننده بورس در آمریکا و اروپا شروع به بررسی معاملات بورسی در قبل از ۱۱ سپتامبر کردند. در آمریکا CEC که بازار بورس را کنترل می کند، شاهد تحرکاتی در فروش سهام دو شرکت هوایمایی امریکن ایرلاینز و یونایتد ایرلاینز قبل از ۱۱ سپتامبر بودند. دو کمپانی که در جریان انفجار هوایمهای آن روبرو شده بود. میزان فروش سهام این دو کمپانی بقدری زیاد بود که کارشناسان آن را غیر عادی تلقی کردند. همین وضعیت برای کمپانی بیمه AXA که قسمت اعظم بیمه دو ساختمان ویران شده را به عهده داشتند

می کنند، و معتقدند که این روند بعد از مدتی خاتمه خواهد یافت، نظیر سال ۱۹۹۰ که دامنه های این رکود به کشورهای اروپایی نیز کشیده شد، و بعد از اتمام جنگ خلیج فارس این رکود خاتمه یافت. بازارهای مالی در جهان در انتظار جهشی در اقتصاد امریکا برای پایان سال جاری بودند که در یک چنین اوضاع و احوالی عملیات انتحاری ۱۱ سپتامبر روی می دهد.

تاثیرات حملات انتحاری

هنوز از میزان ضرر و زیان ناشی از عملیات انتحاری ۱۱ سپتامبر اطلاعات کاملی منتشر نشده است. ولی شواهد گوناگون حاکی از تاثیرات عمیقی بر اقتصاد امریکا و جهان است. در این میان اما، بانک جهانی برای نخستین بار در دوم اکتبر، اطلاعاتی را منتشر کرد، که براساس آن تصریح می کند که حملات ۱۱ سپتامبر، اقتصاد این کشور را در آستانه رکود قرار داده و شاخص اعتماد مصرف کننده به حد بسیار پایینی رسیده است. رییس بانک جهانی در گزارشی می گوید: «ما فکر می کنیم کاهش نرخ رشد اقتصادی جهان به نیم تا ۷۵ صدم درصد در سال ۲۰۰۲ برسد که تاثیرات بسیار عمیق خواهد بود به خصوص برای کشورهای در حال توسعه». قبل از این اما، به دلیل حساسیت اوضاع اقتصادی و وزرای اقتصاد و دارایی هفت کشور صنعتی طی جلسه ای فوق العاده برای بررسی اوضاع تشکیل جلسه دادند. پس از حمله ۱۱ سپتامبر ارزش سهام شرکت های هوایمایی و شرکت های بیمه با کاهش چشم گیر روبرو بود. در آمریکا سهام شرکت های هوایمایی نظیر امریکن ایرلاینز، کنتینانتال ایرلاینز، نورد فرست ایرلاینز و دلتا ایرلاینز با ۴۰ درصد کاهش مواجه شدند. کمپانی کنتینانتال ایرلاینز ۱۲ هزار شغل را حذف کرد، بوئینگ بزرگترین شرکت هوایم سازی آمریکا اعلام کرد برای سال ۲۰۰۲، سی هزار شغل را حذف خواهد کرد. در اروپا نیز شرکت هوایمایی قدیمی سویس ایر اعلام ورشکستگی کرد، در بلژیک شرکت هوایمایی ملی آن کشور یعنی سانبا به دلیل اینکه بخش عمده سهام آن متعلق به سویس ایر بود به دلیل اوضاع و احوال سویس ایر در وضعیت دشوار قرار گرفت. در فرانسه ایر فرانس با مشکلات روبرو شد و در انگلیس شرکت های بریتش ایرویز و ویرجین اتلانتیک و در هلند شرکت کال ال ام به لیست شرکت های زیان دیده افزوده شدند.

پیامدهای اقتصادی حملات یازده سپتامبر

— م. حبیبی

آیا به سمت رکود اقتصادی پیش می رویم؟ این سوالی است که اغلب محافل اقتصادی در جهان بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر از خود می کنند. سوالی که وقتی با شاخصهای روزمره اقتصادی محک زده و ارزیابی می شود، بیشتر جنبه ای واقعی و جدی به خود می گیرد. تاثیرات حملات انتحاری در امریکا آن چنان وسیع بوده که حتی اقتصادهای بسته ای نظیر ایران را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

اهمیت این سوال وقتی بیشتر می شود که می بینیم روند رکود اقتصادی در امریکا تا قبل از ۱۱ سپتامبر، علائم کاملاً مشخصی از خود بروز داده بود. این روند در اقتصادهای نظیر ژاپن و یا آلمان که به موتور اقتصادی اروپا مشهور است نیز به چشم می خورد. چرا که این دو کشور که بیشترین سهم صادرات به امریکا را دارند، از نظر اقتصادی در وضعیت نامطلوبی قرار داشتند. اقتصاد امریکا که در بهار ۲۰۰۰ رشد پنج درصدی را با خود همراه داشت، برای سال ۲۰۰۱ همین شاخص به ۰/۲ درصد رسید. شعار «میهن پرستی خود را با مصرف بیشتر به اثبات برسانید» از جمله شعارهایی است که رهبران سیاسی در امریکا و در اروپا به مردم می دهند.

بانک مرکزی امریکا از اول سال جاری میلادی تاکنون، برای نهمین بار متوالی، نرخ بهره بانکی را برای تشویق هرچه بیشتر مردم به مصرف، کاهش داده است. در حال حاضر نرخ بهره بانکی در امریکا، ۲/۵ درصد است که نسبت به ۶/۵ درصد هنگام شروع کاهش نرخ بهره بانکی به پایین ترین حد خود رسیده است. تمام این اقدامات برای جلوگیری از پس انداز و مصرف بیشتر صورت می گیرد، به بیان دیگر شاخص اعتماد مصرف کننده به آینده به شدت کاهش پیدا کرده است. شاخص تکنولوژیک nasdaq در بازار بورس امریکا طی ۱۸ ماه گذشته ۷۰ درصد ارزش خود را از دست داد، کمپانیهای بزرگ انفورماتیک نظیر compaq و ibm برای جلوگیری از ورشکستگی در هم ادغام می شوند، شاخص dowjones در بورس امریکا که در بر گیرنده سهام صنعتی در اقتصاد امریکاست تا حد زیادی ارزش خود را از دست داده بود. کارشناسان اقتصادی رکود جاری در اقتصاد امریکا را رکود ادواری ارزیابی

اطلاعیه دفتر مطبوعاتی
مجاهدین در واشنگتن

وزارت خارجه آمریکا برخلاف حکم دادگاه استیناف شماره ۱ ایالات متحده در ژوئن ۲۰۰۱ بدون هیچ گونه استماع محتوایی و به رغم مخالفت‌های مکرر اکثریت اعضای مجلس نمایندگان و بخش‌های وسیعی از سنای این کشور، به خاطر خوش آمد دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، نام سازمان مجاهدین خلق ایران را هم در فهرست مطول سازمان‌های تروریستی خارجی گنجانید. در حالی که اکنون بیش از همیشه روشن شده است که استبداد مذهبی حاکم بر ایران کانون اصلی صدور بنیادگرایی و تروریسم به مثابه مهمترین تهدید جهانی می‌باشد.

علاوه بر این، اگر ۲ سال پیش و یا ۴ سال پیش گمان میانه روی رژیم قرون وسطایی در میان بود، امروز دیگر هیچ کس نه در ماهیت و نه در عملکرد آخوند خاتمی، به مثابه بخشی از دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، تردید ندارد. مارتین ایندیک سفیر سابق آمریکا در اسرائیل در ژوئیه گذشته گفت ما در تشویق یک حرکت مدراسیون در سیاست خارجی ایران شکست خوردیم و حمایت آنها از تروریسم و مخالفت ورزیدن با روند صلح همچنان یک مشکل باقی مانده است. (۲۱ تیر خبرگزاری فرانسه)

آقای ایندیک در مقام دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک در اکتبر ۱۹۹۹ درباره نامگذاری تروریستی مجاهدین تصریح کرده بود حکومت ایران این موضوع را به توجه ما رساند. ما موضوع را بررسی کردیم و دیدیم آنها دلایل خوبی برای این نامگذاری دارند. (رویتز - ۱۴ اکتبر ۱۹۹۹)

آقای کلینتون که سیاست اعلام شده دولت او مهار دوجانبه بود نیز در ۳ ژوئیه گذشته در مصاحبه با تلویزیون جهانی بی.بی.سی با صراحت گفت که از ریاست جمهوری خاتمی خشنود و راضی بوده است و افزود الان که من دیگر در موضع ریاست جمهوری نیستم، این حرف را بدون اینکه صریح زنده باشند می‌توانم بزنم و بهترین راهی که من می‌توانستم به او کمک کنم این بود که فاصله خود را با او حفظ کنم. موقعی که من رئیس جمهور بودم، اگر حرفی به نفع او می‌زدم، احتمالاً باعث سرنگونی او می‌شد. برخی اوقات هست که می‌دانید هیچ کاری نمی‌توانید بکنید، از این رو نمی‌شود قدمی هم به جلو برداشت. برخی اوقات هم هست که می‌دانید اگر نقش حامی داشته باشید، مؤثر تر است.

از این پیشتر آخوندخاتمی و وزیر خارجه او (حزازی) بارها و بارها گنجاندن نام مجاهدین در فهرست تروریستی را خواستار شده بودند. خزازی در ۹ مارس ۹۹ خاتمه دادن به فعالیت‌های مجاهدین را یک معیار جدی و تعیین کننده در سیاست خارجی و مناسبات آتی رژیم آخوندی توصیف نمود.

در هفته‌های اخیر، هم خامنه‌ای هم خاتمی و هم رفسنجانی، بدنبال حوادث ۲۰ شهریور در آمریکا، هرفرصتی را برای تاخت و تاز علیه مجاهدین و درخواست گنجاندن مجدد نام آنها در لیست تروریستی، مغتنم شمردند.

آخوند خاتمی در ۳۱ شهریور، به مناسبت سالگرد جنگ ایران و عراق، عمده لجن پراکنش‌های خود را متوجه مجاهدین و سهمگین ترین انواع ترور و خشونت از سوی آنان نمود.

خامنه‌ای در ۴ مهر در حالی که مزدوران رژیم عربده‌های مرگ بر آمریکا و مرگ بر منافقین می‌کشیدند، خطاب به آمریکا گفت این جور نیست که هر کس با شما بود با تروریست‌ها نیست. نخیر، سرسخت ترین تروریست‌ها الان در کنار شما هستند.

رفسنجانی در ۶ مهر در نمایش جمعه تهران گفت ۲۲ سال است گرفتار تروریست هستیم و از قبل عامه‌های زیاد حتی انفجار حرم امام رضا (یعنی کارهای خود رژیم) شکوه کرد تا به آمریکا بگوید که مجاهدین در اکثر کشورها دفتر جمع کمک دارند، رادیو دارند، تلویزیون دارند، روزنامه دارند، با نماینده‌ها و با رؤسا ملاقات می‌کنند و رسمیت دارند.

اما برجسته ترین حقوقدانان و وکلای آمریکایی در دادگاه استیناف، سازمان مجاهدین خلق ایران را در یک کلام آنتی تروریسم و بنیادگرایی خوانده اند.

همچنانکه اکثریت نمایندگان مردم آمریکا در بیانیه ژوئیه ۱۹۹۲ مقاومت ایران را به خاطر ریشه‌های مستحکم مردمی و مذهبی این مقاومت در میان مردم ایران، مهمترین مانع سوء استفاده رژیم ایران از احساسات مذهبی و راه حل واقعی در برابر پدیده بنیادگرایی مذهبی شناختند.

اکثریت کنگره، همچنین در سپتامبر ۱۹۹۸ ناخرسندی عمیق خود از نامگذاری وزارت خارجه درباره مجاهدین را ابراز کردند و با اشاره به قانون ضد تروریسم مصوب کنگره آمریکا، اعلام نمودند: هدف کنگره این نبود که یک اپوزیسیون مشروع در مقابل رژیم ایران در لیست خاص گروه‌های تروریستی گنجانده شود. این اقدام عملاً موجب شده است که گروه اصلی اپوزیسیون ایران بیشتر در معرض حملات ماشین تروریسم دولتی مورد

حمایت رژیم ایران قرار بگیرد این اسم گذاری محققاً یک برخورد نادرست بوده و به نظر می‌رسد مستقیماً با روح حاکم بر قانون ضد تروریسم مغایرت داشته باشد.

دو سال بعد، در اکتبر سال ۲۰۰۰ نیز اکثریت کنگره بار دیگر با صدور بیانیه ای ضمن یادآوری استمرار نقض حقوق بشر در ایران و مسئولیت خاتمی در قتل عام زندانیان سیاسی، تاکید نمودند: این شرایط یک سیاست قاطع علیه رژیم تهران را طلب می‌کند، نه سیاستی که از سوی تهران به عنوان بی تفاوتی نسبت به تروریسم علیه مخالفان تعبیر شود. علنی کردن عکس ماهواره ای یک قرارگاه اپوزیسیون مجاهدین که از سوی اکثریت کنگره و ۲۸ سناتور به عنوان یک جنبش مقاومت مشروع معرفی شده است، رژیم را برای حملات بیشتر جری کرده است.

سپس، در اوت ۲۰۰۱، ۳۲ سناتور ایالات متحده در بیانیه‌ای که برای وزارت خارجه ارسال نمودند، یادآور شدند: فرستادن پیام حسن نیت به جانب رژیم کنونی ایران محکوم به شکست است. آمریکا می‌بایست از کسانی حمایت کند که برای استقرار دموکراسی در ایران کار می‌کنند. در این راستا حمایت از اهداف دموکراتیک شورای ملی مقاومت ایران و رییس جمهور برگزیده آن خانم مریم رجوی که از سوی اکثریت مردم ایران حمایت می‌شود، به صلح، حقوق بشر و آرامش در منطقه کمک میکند.

از طرف دیگر وزارت خارجه آمریکا پیوسته تصریح نموده که رژیم حاکم بر ایران پدرخوانده و فاسقترین دولت حامی تروریسم در جهان است.

رژیمی که بنا بر تحقیقات منتشر شده مقامات آمریکایی و طبق گزارش آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA) مسئول مستقیم بمب گذاری ۱۹۸۳ در بیروت و کشتن ۲۴۱ تکنگرد آمریکایی است و در بمبگذاری ۱۹۹۶ خوب هم دست داشته است (نیوزویک و AFP ۸ نوامبر ۹۹) رژیمی که مسئولیت‌های آن در گروگانگیری و هواپیمارمایی (از جمله هواپیمای ایرفرانس در اوت ۸۳ و هواپیمای TWA در ژوئن ۸۵ و هواپیمای کویتی در آوریل ۸۸) و قتل اتباع آمریکایی و اروپایی در لبنان و کشتار زائران خانه خدا در مکه (در سال ۸۷) و کشتار مردم بیگناه در پاریس (در سال ۸۶) و مشارکت در انفجار هواپیمای پانام در لاکربی (در سال ۸۸) و انفجارهای ارژانتین (در سال ۹۲ و ۹۴) بر هیچ کس پوشیده نیست.

رژیمی که فتوای قتل نویسنده انگلیسی را صادر نموده و به ترور ناشر نروژی (در سال ۹۳) و مترجمین ژاپنی

و ایتالیایی (در سال ۹۱) مدارت کرده است.

رژیمی که مستمراً به ترور نویسندگان و روشنفکران ترکیه (از سال‌های ۸۸ تا ۲۰۰۰) پرداخته است.

رفیق دوست (همدست خامنه‌ای و خاتمی) در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ تصریح کرد آن مواد منفجره ای که با آن ایدئولوژی ترکیب شد و در مقر تفنگداران دریایی، ۴۰۰ افسر، درجه دار و سرباز را یک مرتبه به جهنم فرستاد، هم TNT آن مال ایران بود و هم ایدئولوژی از ایران رفته بود. این برای آمریکا محسوس است.

رفسنجانی هم در می ۱۹۸۹ به فلسطینی‌ها آشکارا می‌گفت آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها را پنج نفر، پنج نفر به قتل برسانند.

همچنین سال گذشته تیمسار پاسداران رژیم آخوندی در سالگرد اشغال سفارت و گروگانگیری اتعاع آمریکا در تهران فاش کردند که هدف شماره یک آنها از این کار خلع سلاح مجاهدین در صحنه سیاسی بوده است.

پاسدار سرتیپ سیف الهی از سردمداران جریان گروگانگیری که بعدها فرماندهی نیروی انتظامی رژیم آخوندی را بر عهده گرفت و اکنون به عنوان رئیس ستاد تروریستی نصر در دفتر خامنه‌ای مسئول امور عراق می‌باشد در این باره گفت اولین اثر امنیتی حادثه تسخیر (سفارت آمریکا) ایجاد وحدت ملی و روحیه همدلی انهم در شرایطی بود که مجاهدین از هر جهت سعی داشتند در ارکان انقلاب، اختلال ایجاد کنند (خبرگزاری ایسنا - ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰)

پاسدار - سرتیپ افشار فرمانده قبلی سیخ رژیم آخوندی و یکی معاونان کنونی ستاد فرماندهی کل قوای رژیم نیز در همین باره گفت افشای ماهیت لیبزرها و خلع سلاح مجاهدین را مهمترین دستاوردهای تسخیر سفارت آمریکا توصیف کرد (خبرگزاری ایسنا - ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰)

اکنون سوال اساسی این است که کدام را باور کنیم: پرنسیپ‌های اعلام شده علیه تروریسم و کشتار بیگناهان را یا تن دادن به درخواست‌های پدرخوانده تروریسم بین المللی و فاشیسم مذهبی برای گنجاندن اسم مجاهدین خلق ایران در فهرست تروریستی را؟

آیا رشوه سیاسی به سردمداران صدور تروریسم و بنیادگرایی در جهان، بر ابعاد باج خواهی آخوندهای حاکم بر ایران نمی‌افزاید و آنها را در انجام جنایتهای تروریستی در داخل و خارج ایران جری تر نمی‌کند؟

آیا پت و پهن کردن فهرست تروریستی و آمیختن آن با ملاحظات و مطامع بقیه در صفحه ۱۰

اطلاعیه —

بقیه از صفحه ۹

سیاسی، همچنانکه در دو دهه گذشته در مورد مجاهدین خلق ایران انجام شده است، نتیجه ای جز غفلت و انحراف از تهدیدهای واقعی و بالفعل در بر داشته است؟

آیا این ادامه همان سیاست کودتای نتگین علیه دولت ملی و دمکراتیک مصدق و ادامه فضیحت ایران گیت نیست؟

همین سیاستهاست که طی ۵۰ سال گذشته، همواره دولت آمریکا را در ایران در طرف دیکتاتورها، اعم از شاه و شیخ، قرار داده و تنفر و انزجار عمیق مردم و آزادیخواهان ایران را برانگیخته است. آخوندها تاکنون بیش از یکصد و بیست هزار تن از مجاهدین را در ایران به خاطر مخالفت با استبداد مذهبی اعدام و بیش از نیم میلیون نفر را زندانی و شکنجه کرده اند. مجازاتهای وحشیانه قرون وسطایی از قبیل سنگسار و بریدن دست و پا و درآوردن چشم از حلقه، سرکوب ملیتها و اقلیتهای مذهبی، شلاق زدن و اعدام در ملای عام بخشی از کارنامه دائمی ملایان است که بخاطر آن تاکنون ۴۸ بار در مجمع عمومی ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر محکوم شده اند.

گزارشگر ویژه ملل متحد به تازگی به اجلاس جاری مجمع عمومی ملل متحد گزارش کرد:

-ایران برای زنان یک زندان است و وضعیت زنان، جمهوری اسلامی را به عنوان یک کشور، در موقعیت بسیار شرم آوری قرار می دهد.

-در ایران مجازاتهایی رواج دارد که برخی از آنها را تنها می توان با کلمه وحشی توصیف کرد.

-ادیت و آزار علیه اقلیتهای مذهبی و قومی همچنان ادامه دارد.

-رفتار با فعالان و مخالفان یک ناپردباری هراس آلود نسبت به عقاید الترناتیو را به نمایش می گذارد.

سردمداران رژیم آخوندی به خاطر کشتار مخالفان ایرانی در رستوران میکونوس (سپتامبر ۹۲) در دادگاه برلین محکوم شدند و پرونده ترورهای آنها در سوئیس و ایتالیا و اطیش و فرانسه و المان و ترکیه و پاکستان هنوز مفتوح است.

رژیم آخوندی طی یک دهه گذشته صدها تهاجم و جنایت فجیع تروریستی علیه پناهندگان ایرانی (اعم از کرد و فارس) در خاک عراق مرتکب شده که ۱۳۰ قهره آن علیه مجاهدین بوده و ۸۰

قهره آن در دوران ریاست جمهوری آخوند خاتمی انجام شده است.

ریختن سم تالیوم در غذای مخالفان کرد ایرانی، ۵ نوبت بمباران قرارگاههای مجاهدین، پرتاب موشکهای ممنوعه اسکاد (B در نوامبر ۹۴ و ژوئن ۹۹)، پرتاب ۷۷ موشک زمین به زمین برای کشتار جمعی، دهها قهره بمبگذاری در جاده های عمومی، به کار گرفتن کامیونهای انفجاری و هدف قرار دادن خودروها و اتوبوسهای غیرنظامیان از جنایتهای رژیم آخوندی است.

اکنون هر وجدان منصفی که نگران تروریسم و ریخته شدن خون بیگناهان در تهران یا پاریس و نیویورک و در خاورمیانه یا مناطق مرزی ایران و عراق است، باید به روشنی به این سوال پاسخ بدهد که چه کسی در ایران دیکتاتوری مذهبی و تروریستی به راه انداخته و چه کسی برای آزادی و دمکراسی و حاکمیت مردم ایران مبارزه می کند؟

اکثریت نمایندگان مردم آمریکا در کنگره این کشور، با الهام از جرج واشینگتن و توماس جفرسون، بارها در ۱۰ سال گذشته هرگونه استمالت از رژیم آخوندی را محکوم و از مجاهدین به عنوان یک جنبش مقاومت مشروع، حمایت نموده و پاسخ روشن خود به این سوال را با افکار عمومی در میان گذاشته اند. جفرسون نوشته بود حق شوریدن و انقلاب از جمله حقوق ذاتی و سلب نشدنی انسان است و خاطرنشان کرده بود که درخت آزادی با خون میهن پرستان آبیاری می شود.

از این رو در مورد مبارزه سازمان مجاهدین خلق ایران در داخل ایران علیه دیکتاتوری مذهبی و تروریستی، تنها به ذکر این نکته از مباحثات کنفرانس دیپلماتیک ژنو در سال ۱۹۴۹ برای تصویب کنوانسیون بسنده می کنیم که امکانپذیر نیست در مورد شورشیانی که اصول انسان دوستانه را مراعات می کنند از "تروریسم"، "انارشی" و "اغتشاش" سخن گفت.

رهبر مقاومت ایران در روز اول فروردین ۱۳۷۹ یک بار دیگر این اصول انسان دوستانه را در پرهیز اکید از هرگونه آسیب رساندن به غیرنظامیان و عابران و مردم بیگناه بر جسته و سبز سرخ اعلام نمود و افزود اگر کسی این مرز را زیر پا بگذارد ما او را در اختیار دادگاه و مراجع بین المللی می گذاریم و غرامت هم می پردازیم.

بی جهت نبود که دادگاه استیناف شماره ۱ ایالات متحده در رای خود در ژوئن ۲۰۰۱ تصریح کرده است که در نامگذاری تروریستی مجاهدین در سال ۱۹۹۱ این دادرسی رعایت نشده و نامگذاری مزبور بایستی به منظور

رسیدگی بیشتر و منطبق با رای حاضر به وزیر خارجه پس فرستاده شود و وزیر خارجه آمریکا باید به آنها فرصت استماع در ماهیت دعوا بدهد.

از این رو سازمان مجاهدین خلق ایران، با استفاده از تمام امکانات قانونی در مقابل این نامگذاری غیر قانونی، اقدامه دعوا و شکایت خواهد نمود.

دفتر مطبوعاتی مجاهدین - واشینگتن
۱۳ مهر ۱۳۸۰ (۵ اکتبر ۲۰۰۱)

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و جنگ با طالبان

علی خامنه ای

خبرگزاری رویترز ۴ مهر: علی خامنه ای رهبر عالی ایران در روز چهارشنبه گفت که کشورش هیچ کمکی به ایالات متحده و متحدینش در یک حمله احتمالی علیه افغانستان نخواهد کرد. خامنه ای در سخنانی که از تلویزیون دولتی پخش شد، گفت: «ایران در جنگی که ملت مسلمان همسایه از آن رنج خواهند برد، هیچ نوع کمکی به آمریکاها و متحدینش نخواهد کرد.» کولین پاول وزیر خارجه ایالات متحده گفت که اگر ایران می خواهد بخشی از ائتلاف کمپین علیه تروریسم باشد، باید حمایتش از تروریسم را متوقف کند.

قطع کمکهای مالی

رادیو آمریکا ۷ مهر: شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه پیشنهادی آمریکا را برای قطع کمکهای مالی به گروههای تروریست تصویب کرد. قطعنامه آمریکا حاوی مفادی است درباره اخراج و تحویل تروریستهای متهم به مراجع مجری قانون در کشورهای مربوطه، مبادله اطلاعات سری بین دولتها و نیز پناه ندادن به گروههای تروریستی که این اعمال را طراحی، پشتیبانی، یا اجرا می کنند این قطعنامه برای همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد الزام آور است و کمیته ای برای نظارت بر اجرای آن تشکیل خواهد شد.

تصویب بودجه دفاعی

رادیو آمریکا ۱۱ مهر: سنای آمریکا در حرکت نمادین دیگری به منظور نشان دادن وحدت و یکپارچگی در پی حملات تروریستی ماه گذشته، دیروز با ۹۹ رای موافق و بدون هیچ رای مخالفی، بودجه ۳۴۵ میلیارد دلاری دفاعی برای سال میلادی ۲۰۰۲ را تصویب کرد. اعضای مجلس سنا به رغم بندهای بحث انگیز در مورد بستن پایگاههای نظامی و بودجه سپر دفاع موشکی به این لایحه رای موافق دادند.

موضع حکمتیار

روزنامه الحیات (چاپ لندن ۱۳ مهر): گلبدن الدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان، نسبت به هر گونه حمله ای از جانب آمریکا به افغانستان هشدار داد و ابراز عقیده کرد که "قتل اسامه بن لادن یا دستگیری وی مشکل را حل نخواهد کرد، زیرباسیاری افراد مانند او وجود دارند." وی اظهار داشت بن لادن در انفجارهای نیویورک و واشنگتن دست ندارد.

حکمتیار در مصاحبه ای با "الحیات" که در منزلش در تهران انجام گرفت به شدت به "پیمان شمال" مخالف جنبش "طالبان" به خاطر اعلام آمادگی برای جنگیدن در کنار آمریکاییان حمله کرد. وی از موضع ایران در حمایت از این پیمان انتقاد کرد و تاکید کرد حزب وی علیه نیروهای آمریکا که "اصرار دارند افغانستان را اشغال نمایند" خواهد جنگید.

شروع حمله به افغانستان

تلویزیون سی.ان.ان ۱۵ مهر: طالبان بمباران کابل پایتخت افغانستان را تأیید کرد. یک مرکز فرماندهی در فرودگاه قندهار نابود گردید. مقامهای طالبان تأیید کردند که مرکز فرماندهی در فرودگاه منفجر شده است. نخست وزیر انگلستان تأیید کرد که سرورهای انگلیسی در حمله شرکت دارند. حمله های هوایی علیه کابل قندهار و حلال آباد انجام گرفته است.

حمله با موشکهای کروز شروع شد از ناوهای هواپیمابر در دریای عرب، موشکهای کروز انگلیسی هم شلیک شدند. این عملیات ادامه دارد. وزیر دفاع حاضر نیست جزئیات دیگری در باره عملیات بدهد.

در حمله موشکی که از دریا انجام شد، نیروهای انگلیسی و آمریکایی حضور داشتند و حداقل دو کشتی آمریکایی در این حمله شرکت داشتند.

سخنرانی جرج دبلیو بوش

خبرگزاری فرانسه ۱۵ مهر: متن سخنرانی جرج دبلیو بوش رئیس جمهور آمریکا که روز یکشنبه شروع عملیات نظامی آمریکا و انگلیس را اعلام نمود: بنا به فرمان من، ارتش ایالات متحده، حمله علیه کمبهای آموزشی شبکه تروریستی الفاعده و تأسیسات نظامی رژیم طالبان در افغانستان را آغاز کرده است.

این اهداف به دقت انتخاب شده برای مختل ساختن استفاده از افغانستان به عنوان یک پایگاه تروریستی برای انجام عملیات و حمله به مراکز نظامی رژیم طالبان طراحی شده اند. در این

بقیه در صفحه ۱۱

حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و جنگ با طالبان

بقیه از صفحه ۱۰
عسکری، وفادارترین و ثابت قدم ترین دولت در بریتانیا کبیر به ما ملحق شده است. دیگر دوستان ما شامل کازدا، استرالیا، آلمان و فرانسه، نیروهای برای عملیاتی که به تدریج آشکار خواهد شد، اعزام کردند. بیش از ۴۰ کشور در خاورمیانه، آفریقا، اروپا و سراسر آسیا ترانزیت هوایی و حق فرود آمدن در قلمرو خود را داده اند. تعداد بیشتری از کشورها در گزارشهای اطلاعاتی با ما سهم خواهند بود. تمامی جهان در این عملیات پشتیبان ما خواهد بود.

امروزه ما بر روی افغانستان متمرکز شدیم، اما نبرد گسترده تر است. هر کشوری حق انتخاب دارد. در این درگیری هیچ زمینه ای برای خنثی بودن وجود ندارد. اگر دولتی از یاغیها و قاتلان مردمان بیگناه حمایت کنند، آنها خود باغی و قاتل خواهند شد و تنها و بی کس راه پرمخاطره خودشان را خواهند پیمود.

اجلاس وزرای خارجه کنفرانس اسلامی

تلویزیون الجزیره ۱۸ مهر: وزرای خارجه کشورهای اسلامی تهاجمات به شهرهای نیویورک و واشنگتن را که وحشیانه توصیف کردند محکوم نمودند. این نکته در بیانیه پایانی اجلاس فوق العاده وزرا که امروز در دوحه پایتخت برگزار شد آمده است.

خبرگزاری فرانسه ۱۸ مهر: کالین پاول در روز چهارشنبه گفت او از موضعی که کنفرانس اسلامی اتخاذ کرده است، بسیار خرسند است. پاول گفت: من هم از نتایج اجلاس اتحادیه عرب و هم اجلاس کنفرانس اسلامی راضی هستم.

طالبان و مقامات آمریکایی "دوروی یک سکه هستند"

خبرگزاری فرانسه ۲۰ مهر: خبرگزاری دولتی ایرنا روز جمعه گزارش کرد، پریزیدنت ایران محمدخاتمی مقامات آمریکایی و شبه نظامیان طالبان حاکم بر افغانستان را "دو روی یک سکه" نامید.

نظرخواهی در آمریکا در مورد تبعیض عربیها

رادیو آمریکا ۲۰ مهر: بر طبق این نظرخواهی پس از حمله تروریستی به خاک آمریکا به سرکردگی بن لادن از هر پنج عرب آمریکایی یک نفر مورد تبعیض

قرار گرفته است. تقریباً نیمی از کسانی که در نظر خواهی شرکت کرده اند گفتند: کسی را می شناسند که به خاطر تار حاورمیانه ای اش مورد حمله قرار گرفته است. بیش از دو سوم پاسخ دهندگان از جنگ همه جانبه با کشورهای که به تروریست های دست اندر کار کمک می کنند و یا پناه می دهند پشتیبانی کردند.

تمسخر هشدار بلر به ایران

خبرگزاری ایرنا ۲۲ مهر: تهران تایمز روز یکشنبه هشدار تونی بلر نخست وزیر انگلستان به ایران را که طی نامه یی به مرکز خبرگزاری جمهوری اسلامی در لندن، و دیگر جمهوری های اسلامی فاکس شده و گفته شده بود که این دولتها اگر ائتلاف جهانی تحت رهبری آمریکا اسامه بن لادن را متوقف نکنند سرنگون خواهند شد، به تمسخر گرفت.

علی خامنه ای، آمریکا را محکوم می کند

خبرگزاری فرانسه ۲۳ مهر: آیت الله علی خامنه ای رهبر عالی ایران روز دوشنبه، به آمریکا حمله کرد و واشنگتن را متهم کرد که "صلح جهانی را به خطر افکنده و جهان را به جنگ جهانی می کشاند". خامنه ای در دیداری با رهبران و سفیرای کشورهای اسلامی به مناسبت یک روز تعطیلی مسلمانان گفت: "منطق آمریکا برای حمله به افغانستان، منطق بسیار ضعیفی است، هیچکس را در دنیا قانع نکرد، هیچکس را و احتمال جنگ در منطقه را بالا برده است. ایران علیه تروریسم است اما علیه اینچنین سیاست جنگ طلبانه ای نیز می باشد و علیه هر کسی است که احتمال جنگ در منطقه را بالا برد". خامنه ای که سخنانش از طریق رادیو تلویزیون بطور مستقیم پخش می شد، گفت: "هر نوع کمک به این درگیری، غیرعادلانه است".

لیست وزارت خارجه آمریکادر مورد سازمانهای تروریستی

خبرگزاری رویتر ۱۴ مهر: ایالات متحده لیستی که هر دو سال یک بار از سازمانهای تروریستی خارجی منتشر می کند و موضوع محدودیت مالی و ویزا هستند را اعلام نمود.

ریچارد بوچر سخنگوی وزارت خارجه گفت اعتقاد بر این است که ععدد از این گروهها با بن لادن رابطه دارند. وی در یک بریف خبری گفت که این گروهها جهاد اسلامی مصر، جنبش اسلامی ازبکستان، گمال ال اسلامی مصر- گروه مسلح اسلامی الجزایر، حرکت المجاهدین گروه نظامی کشمیر

که در افغانستان و پاکستان مستقر است و گروه ابوسیف در فیلیپین. همچنین در این لیست از سایر گروههایی که به خاورمیانه ربط دارند شامل حماس و حزب الله نام برده شده است. سه سازمان دیگر، جنبش اسلامی ازبکستان، ارتش آزادیبخش واقعی و گروه چریکی شبه نظامی متحد دفاع از خود کلمبیا که با نام اسپانیایی خود AUC شناخته می شوند، گروههای متعدد در دو سال گذشته بوده اند و نیاز نبود که در لیست اخیر وارد شوند.

وزیر خارجه آمریکا نه تنها القاعده بلکه حماس، جهاد اسلامی فلسطین، بربهای تامیل، اف.ا.آ.رسی کلمبیا، جدایی طلبان باسک، را بعنوان گروههایی که حملات کشنده روی مردم بیگناه در دو سال گذشته انجام داده اند، برجسته کرد.

۲۶ گروه افراطی القاعده

خبرگزاری فرانسه ۱۳ مهر: وزارت خارجه آمریکا روز جمعه ۲۶ گروه افراطی شامل شبکه القاعده بن لادن را بعنوان "سازمانهای تروریستی خارجی" اعلام نمود. به علاوه کالین پاول وزیر خارجه ۲ گروه جدید را - ارتش آزادیبخش واقعی و گروه چریکی شبه نظامی متحد دفاع از خود کلمبیا AUC را بعنوان گروههای تروریستی، در لیست اسماال وارد کرده است. علاوه بر القاعده، که اولین بار در سال ۱۹۹۹ بدنیال بمبگذاری در سفارتهای کنیا و تانزانیا در لیست تروریستی قرار گرفتند، دیگر گروههای تروریستی، شامل تعداد زیادی از گروههای اسلامی رادیکال همچنان در لیست قرار دارند. سازمان ابونضال، گروه مسلح اسلامی الجزیره جیا، حماس، حزب الله، نهضت اسلامی ازبکستان، جهاد اسلامی و جبهه خلق برای آزادی فلسطین همچنان در لیست تروریستی باقی مانده اند.

برهه های تامیل سریلانکا، جدایی طلبان باسک (گروه اتا) گروه ۱۷ نوامبر یونان، راه درخشان پرو، نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا FARC و ارتش آزادیبخش کلمبیا، همچنین در لیست تروریستی باقی مانده اند.

گروه افراطی اسرائیلی خاچای و گروه کاج که با هم ادغام شده اند و نام خاچای را برگزیده اند در لیست تروریستی باقی مانده اند.

دیگر گروههای این لیست، گروه ژاپنی ائوم شینریکو، حزب کارگران کردستان (پ.کا.کا)، گروه مقاومت ایرانی مجاهدین خلق، و گروه یونانی نوکولی می باشند.

لیست تروریستهای تحت تعقیب امریکا روی ایران متمرکز می شود

خبرگزاری رویتر ۱۹ مهر: به گفته وینس کانسترتارو، رئیس عملیات ضد تروریستی سیا در سال ۱۹۸۸ تا سپتامبر ۱۹۹۰ یک لیست جدید ۲۲ نفره از "تروریستهای تحت تعقیب" توسط ایالات متحده، ارتباط ایران را با گروههای چریکی بیش از هر کشور دیگری برجسته می کند. تصور می شود که در مقایسه با یک نفر در عراق، ۷ نفر در ایران و بقیه در افغانستان باشند. در پاسخ به حمله هوایمی ر بوده شده به آمریکا، ایالات متحده جنگی علیه گروههای تروریستی، که فعالیت جهانی دارند و همچنین کشورهایی که به آنها کمک می کنند، شروع کرده است.

پاتریک کلاسون، مدیر تحقیقات در انستیتوی سیاستهای خاور نزدیک واشینگتن، تایید کرد که ۷ نفر از لیست جدید، که با ۵ حمله اصلی روی منافع آمریکا در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ تفکیک می شود، ممکن است در ایران و یک نفر عبدالرحمن یاسین در عراق باشند. کنت کاتزنر یک متخصص گروههای چریکی اسلامی در مرکز تحقیقات بی طرف کنگره گفت، "لیست تعداد قابل توجهی تروریست که مضمون هستند که در ایران باشند، دارد." او گفت، "به نظر نمی رسد که دولت با این لیست، در فاز بعدی کمپین نظامی آمریکا، یک پرونده برای تعقیب عراق باز کند." سه نفر دیگر در لیست- اعضای گروه حزب الله مستقر در لبنان هستند و همچنین گمان می رود که در ایران باشند - در منطقه کلمبیا، دلیل هوایما ربایی پرواز ۸۴۷ TWA، از آن به رم در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۵ متهم شده اند. کانسترتارو گفت، رهبر اصلی این نقشه عماد مقتیه، "یک عامل سرویسهای اطلاعاتی ایران" بود. یاسین متولد هندوستان، یک دو رگه عراقی- آمریکایی است که در بمبگذاری ۲۶ فوریه در ایالت جنوبی نیویورک که در آن عنقر در اولین حمله به مرکز جدید تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳ کشته شدند، متهم شده است یاسین که هرگونه دخالتی در بمباران را انکار می کند، "در یک شرایط عادی در خانواده اش در ایران زندگی می کند.

فهرست گروههای تروریستی

خبرگزاری آسوشیتدپرس ۲۰ مهر: واشنگتن - مشخصات ۳۹ شخص و سازمان که مظنون به رابطه با تروریست ها هستند روز جمعه توسط دولت بوش اعلام و دارائی های آنها بلوکه شد.

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و آساره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۲۰)

— اسماعیل وفا یغمایی
برای مبارز و انقلابی امروزی شاه و خلیفه و تاج شاه و عمامه خلیفه هردو به کار انبار تاریخ و موزه‌ها می‌خورند. در طول قرن‌ها شاه و خلیفه امتحان خود را داده اند، ولی به روزگار گذشته سفر کنیم و در عرصه نسبیت تاریخ و با در نظر گرفتن واقعیات و امکانات آن دوران حکایت را بنگریم، انگار تاریخ دچار تغییراتی شده است. در عرصه آرمایی طبعاً نمی‌توان کمال مقصود را در عضدالدوله دیلمی یافت و دنبال کرد، ولی فارغ از این و در حیطه نسبی گزایی تاریخی و دنیای تحقیق و تفحص در تاریخ ایران و در سرفصلی تازه پس از حدود چهار قرن مبارزه خونین عنصر ایرانی و عنصر شیعه در هیضت عضدالدوله دیلمی بر بغداد حکم می‌راند و پس از سه قرن و نیم آل عباس نیز چون آل امیه و اگر چه نه به آن حدت و شدت در حال خارج شدن از گردونه تاریخ اند و ایرانیان و علویان که قرن‌ها طعمه کشتارها و سر کوبها بوده اند و در گذرگاههای خونین تاریخ گاه به اجبار و گاه به اختیار، شانه به شانه هم علیه ستم مشترکی که بر سرشان آوار شده بود جنگیده اند، سرانجام در رهگذاری از شورش در پی شورش سر بر آورده اند.

سقوط بغداد، ارتش دیلمیان و عزت و حرمت علویان، تجدید بنای باشکوه مدفن علی ابن ابیطالب و حسین ابن علی، رسیدگی به وضع معیشت علویان عراق و بسیاری نمونه های دیگر حاکی از این است که ایران در افقی دیگر از تاریخ خود قرار گرفته است. این افق برای کسی که مسافر کنجکاو تاریخ ایران است حتی پیش از دوران دیلمیان و سقوط بغداد نیز قابل رویت است. واقع امر این است که پس از زنجیره ای از شورشها و گذر از سالیانی طولانی که ایرانیان شمشیر و سیر از کف بر زمین نگذاشتند، از نیمه دوم قرن سوم یکپارچگی سرزمینهای خلافت به دلیل این مبارزات خدشه دار شد و رو به زوال رفت و دیگر دستگاه خلافت آن قدرت اولیه را نداشت.

از سال ۲۵۰ به بعد و در دوران خلیفه المستعین، علویان بر طبرستان و گرگان که از سخت ترین دژهای مقاومت بود و جنگجویان مهیب و شورشی اش در هر فرصتی بر علیه مهاجمان تیغ می‌کشیدند، حکومت می‌کردند. تسلط سادات طالبی بر طبرستان موجب فعل و انفعالاتی شد که بعداً نتایج خود را

فهرست گروههای تروریستی

بقیه از صفحه ۱۱

اشخاص

- مأمورین در کرائلی، مأمورین بن لادن و مرتبط با شبکه القاعده. تحت پیگرد بخاطر بمب گذاری سفارت آمریکا در شرق آفریقا در سال ۱۹۹۸

- بلال بن مروان، یک افسر ارشد بن لادن که در لیست سازمان ملل از اشخاص و سازمان های مرتبط با بن لادن وجود دارد.

- سعد الشریف، متولد عربستان و از وابستگان ارشد بن لادن که داماد وی است و به نظر می رسد که در رأس شبکه مالی بن لادن نیز قرار دارد.

- دکتر امین الحق، هماهنگ کننده امنیتی بن لادن. یک دکتر متولد افغانستان که در پاکستان طبابت می کند و در لیست سازمان ملل نیز وجود دارد.

- حاجی عبدالرحمان آقا، یک صراف عمده که تجارت القدر در کوئته پاکستان را اداره می کند.

- محمد الحماقی، صاحب شیرینی فروشی الحماقی و غسل فروشی النور که هر دو در یمن واقع شده اند.

- صغر الجداوی، دستیار بن لادن
- احمد سعید الکدر، از اداره کنندگان القاعده و دستیار بن لادن

- یاسین القدی، رئیس بنیاد موفق در عربستان و یکی از پوش های القاعده که میلیون ها دلار از تاجران میلیونر سعودی دریافت و به بن لادن منتقل می کرد.

- ایادی شفیق بن محمد، از ملیت بوسنی و متولد تونس که از طریق بنیاد موفق در مونیخ آلمان به شبکه مالی بن لادن مرتبط است.

- ریاض حجازی، متولد کالیفرنیا که تا سال ۱۹۹۹ در آمریکا زندگی می کرده و اکنون در اردن زندانی است.

- مفتی رشید احمد لاده یاتوی، یک رهبر مسلمان در کراچی پاکستان و رئیس حزب طرفدار طالبان در پاکستان.

- عمر محمود عثمان، یک مأمور ارشد بن لادن در اروپا که احتمالاً در لندن زندگی می کند.

- توهیر یولداتشف، رهبر جنبش اسلامی ازبکستان

- محمد ضیا، که احتمالاً در پاکستان است.

- عبدالرحمن یاسین، یک شهروند آمریکایی که در کودکی به عراق رفته و سال ۱۹۹۲ برگشته است. وی درست بعد از بمباران از آمریکا فرار کرده است.

- خالد شیخ محمد، متهم در توطئه برای انفجار ۱۲ هواپیمای مسافری در سال ۱۹۹۵. وی اهل پاکستان یا کویت است.

- احمد ابراهیم المغسل، اهل عربستان و متهم بخاطر نقش داشتن در بمبگذاری

نشان داد. این سرزمینها که از پناهگاههای اصلی شیعه بود در دامان خود پهلوانان و و جنگجویانی را پرورد که تحت تاثیر تعلیمات علویان و آل ابوطالب تبدیل به سرداران سپاهیان علویان شدند. اسفار پور شیرویه، علی پور حورسید، ماکان پور کاکلی، مرداویج پور زیار، از این زمره اند. پیش از فرزندان بویه مرداویج قصد داشت پس از اجرای مراسم جشن سده در اصفهان (در سال ۲۲۳ هجری) به بغداد لشکر بکشد و کار دستگاه خلافت را به پایان رساند، که در حمام بر اثر توطئه ای در زیر تیغهای غلامان ترک به قتل رسید. نکته مهم در قیام علویان این است که وجود حکومت علوی نه تنها معنای نفی سیاسی خلافت بلکه همزمان معنای نفی دینی خلافت نیز بود زیرا علویان زیدی حاکم بر طبرستان نمایندگانی نهضتی شیعی بودند که از اساس خلفای عباسی را غاصب می دانستند و همین مساله خلفای عباسی را به شدت نگران می کرد. به غیر از علویان از سال ۲۵۲ به بعد خراسان پهناور و سیستان بزرگ که بخش عظیمی از ایران آن روزگار را تشکیل می دادند و از مهمترین مراکز تمدن و فرهنگ بودند در زیرنگین قدرت ارتش عیاران به فرماندهی یعقوب لیث بود و از خلیفه جز نام و نشانی وجود نداشت. بخشی از خراسان و ماوراء النهر نیز از سال ۲۶۱ در ید قدرت سامانیان بود که علیرغم نزدیکی به دربار بغداد و رعایت احترام خلیفه بیش از آن ایرانی بودند که بتوان به آنها اعتماد کرد. باطلوع دولت آل بویه و آل زیار، فارس و ری و عراق عرب بیزمستقل شد و در هنگامی که معزالدوله دیلمی با جنگجویان دیلم و از راه واسط روانه بغداد بود خلیفه تنها بر بغداد و حومه بغداد آن هم در وضعی بسیار آشفته تسلط داشت. به این مجموعه تحولاتی چون شورش عظیم و مبارزات پانزده ساله زنگیان، فعالیت های فرمطیان و تحولات و فعالیت های فکری و فرهنگی مخالفان گوناگون حکومت و خلافت را بیفزایید تا تصویر روشن تری از زوال خلافت عباسی را که نتیجه مبارزات و شورشهای بی وقفه و خونین ایرانیان و علویان بود، در برابر داشته باشید. با امید به اینکه خوانندگان گرامی خود بیشتر از این مختصر و در فرصتهایی مناسب به کنکاش در این بخش بسیار مهم از تاریخ ایران بپردازند، در آغاز هزاره دوم میلادی و در شرایطی که دولت غزنویان در حال گسترش و قدرت گرفتن هر چه بیشتر است با نگاهی کلی به برخی حوادث تاریخی اندک اندک از فضای تاریخ به فضای فرهنگ و ادبیات می رویم تا کنکاش خود را دنبال کنیم.

ادامه دارد

مجتمع نظامی آمریکا که ۱۹ کشته بجای گذاشت.

- علی سعد بن علی الحوری، اهل عربستان و متهم به بمب گذاری.

- ابراهیم صالح محمود الیعقوب، اهل عربستان و متهم به بمب گذاری.

- عبدالکریم حسین محمد الناصر، اهل عربستان و متهم به رابطه با بمب گذاری.

- فاضل عبدالله محمد، به نظر می رسد که از جزائر کوموروس یا ساحل آفریقا باشد. خبره در امر کامپیوتر

- مصطفی محمد فدهیل، یک عراقی متهم به دست داشتن در بمب گذاری سفارت

- فهد محمد عالی مسلم، اهل کنیا از کارکنان القاعده

- احمد خلفان غیلانی، یک تانزانایی متهم به دست داشتن در بمب گذاری سفارت

- عبدالله احمد عبدالله، یک مصری که در تاریخ ۶ اوت ۱۹۹۸، یک روز قبل از بمب گذاری سفارت، از کنیا گریخت و به پاکستان رفت.

- اناس الیسی، اهل لیبی که اخیراً در بریتانیا زندگی می کرده و پناهندگی داشته. الان بنظر می رسد در افغانستان باشد.

- احمد محمد حامد علی، یک مصری که در کنیا زندگی می کرده و ۵ روز قبل از بمب گذاری سفارت از آنجا گریخته و با پاکستان رفته و الان بنظر می رسد در افغانستان باشد.

- موشین موسی متولی عطوا، مصری که بنظر می رسد در افغانستان است

- عماد مغنیه، یک موقع رئیس امنیت حزب الله لبنان بوده و مظنون به گروگان گیری و بمب گذاری های دهه ۱۹۸۰.

متولد لبنان و الان بنظر می رسد در ایران زندگی می کند. متهم به هواپیمارسانی پرواز TWA ۸۲۷ در سال ۱۹۸۵ که به قتل شهروندان آمریکایی منجر شد.

- حسن عبدالدین، لبنانی مرتبط با حزب الله. بنظر می رسد در لبنان باشد.

- علی عطوا، عضو حزب الله متهم به هواپیما رسانی. بنظر می رسد در لبنان باشد.

سازمان ها

- شیرینی فروشی الحماقی، در یمن

- غسل النور، در یمن

- غسل الشفای در یمن

- جیش المحمد، یک گروه نظامی طرفدار طالبان که داخل پاکستان حمایت دارد.

- جامعه همکاری اسلامی، تاسیس شده توسط بن لادن و مستقر در افغانستان.

رئیس آن ابو طلحه یک متخصص مواد منفجره است که گفته می شود برادر جوانترین همسر بن لادن است.

- شرکت ریبتا، تحت ریاست وائل حمزه جلیدان، از بنیانگذاران القاعده به همراه بن لادن. رئیس پشتیبانی سازمان بن لادن که کنار بن لادن در افغانستان جنگیده است.

فاکسیست" بشویم. این مذاکره با بدی را ی ما افتخار آمیز باشد و ما با بدی سر بالا از آن بیرون بیائیم. تا نه من و نه کس دیگری مجبور شود. دو باره آن سلاحها را به دوش بکشند. چالش در مقابل ما نه تنها ساختن میزی برای مذاکره بلکه پیدا کردن طرف صحبت نیز هست. ما باید اثری از خود ارائه دهیم نه یک چیز نمایشی که او طراحی کرده باشد. من آسان نخواهم بود. جنگ آسانتر بود اما در جنگ خیلی چیزها از بین می رود، در سیاست همیشه می شود اسباب لازم را مهیا کرد.

س - یونیفورم شما یک کمی عجیب و غریب است: یک دستمال نازک کهنه به گردن و یک کلاه که در حال از هم گسیختگی ست. یک مشعل هم حمل می کنید که در اینجا لزومی ندارد. یک دستگاه مدرن ارتباطی و بر هر مچ دست یک ساعت. آیا اینها نشان سمبلیک دارند؟ این کارها یعنی چه؟

ج - یک مشعل چون ما در چاله تاریکی قرار داریم. یک را دیو که برای ارتباط با طراح متخصص که جواب سوا لهای ژورنال لیستها را به من دیکته کند اگر جانی گیر کردم. نه جدا این واکسی تاکی است که به من امکان ارتباط با نیروی امنیتی اسان را می دهد و هم اینکه اگر مشکلی پیش آمد و لازم شد با مردم در جنگل بتوانم ارتباط برقرار کنم. ما تا به حال چندین بار تهدید به مرگ شده ایم. روبروی هم آن موقع که ما سن کریستوبال دو لاسکاساس را ۷ سال پیش گرفتیم هم قمرز بود و هم نو. و کلاه را هم من وقتی به جنگل لاکاندون در ۱۸ سال پیش آمدم بر سر داشتم. من با یک ساعت به جنگل آمدم و دیگری زمان آغاز آتش بس است. وقتی این دو ساعت با یکدیگر منطبق شدند بدین معنا خواهد بود که زاپاتیسمو کارش به منزله یک ارتش به اتمام رسیده است. مرحله دیگر و ساعتی دیگر لازم خواهد بود.

س - شما نظرتان در مورد چریکهای کلمبیا و در گیریهای مسلحانه در کشور ما چیست؟ ج - در اینجا اخبار زیادی به دست ما نمی رسد فقط آنچه از صافی رسانه ها رد می شود. من از مذاکرات و مشکلاتی که شما دارید اطلاعات محدودی دارم و لی فکر می کنم این مذاکرات به طریقی سنتی پیش می رود مبتکرانه نیست. هر دو طرف نیروی نظامی خود را سر میز به رخ هم می کشند تا نسبت به دیگری دست بالا داشته باشند. ما نمی دانیم طرفین چه در سر دارند شاید این میر بر تریهای نظامی را مد نظر می گیرد. ما ضمنا توجه زیادی به تهمت هائی که در مورد قاچاق مواد مخدر زده می شود



های متعددی جلسات بحث و گفتگو داریم. این ها از سراسر جهان هستند و تفاوتها ستکی به این دارد که تاجه حدی خودشان مورد ستم قرار گرفته اند و یا تا چه حدی به حاشیه پرتاب شده اند. وضع خود را با پیام ما مرتبط می یابند. وقتی من جوان بودم صدلیها ئی داشتیم که زیرشان چرخ داشت ما مانند آن که روی آن صدلی نشسته ایم، ما بین دو میز رفت و برگشت می کنیم. یک میز نماینده های پارلمان و میز دیگر کمیته های شهری در شهر مکزیک است. اما نگرانی ما از این است که پارلمان رفتارش با ما به طریقی ست که انگار برای دیدنشان نوبت گرفته ایم و ما را به صبر دعوت می کند به بهانه

رئیسدیگی به کارهای دیگرشان. اگر این ادامه پیدا کند کاملا به ضررشان تمام خواهد شد. در حال حاضر دیگر مسئله تنها به بومیان بر نمی گردد. این ضربه ای خواهد بود که متوجه خیلی ها خواهد شد. مردم دیگر این را نمی پذیرند که فقط روز انتخابات به چشمشان نگاه شود. غیر از آن گروه های مسلح دیگری هستند که معتقدند هر نوع مذاکره ای به معنای تسلیم است آنها نیز حق به جانب خواهند شد.

س - داخل برانتز یک سوال داشتم شما گفتید وقتی جوان بودید مگر شما چند سال دارید؟

ج - من ۵۱۸ سال ... (خنده)

س - دیا لوجی که شما مطرح می کنید هدفش آفریدن مکانیسم جدیدی است که در تصمیم گیریها دخا لت گراست یا تصمیمات دولتی را که شما با آن موافق هستید برجسته کرده و حمایت می کند؟

ج - دیا لوج معمولاً بدین معناست که بر سر یک سری قراردادها که با آن ما را وارد مرحله جدیدی از مبارزه مان می کند، توافق ایجاد شود. سیستم اقتصادی در حال حاضر روی میز نیست. روشی که بر طبق آن خواهیم توانست این مسائل را مورد بحث قرار دهیم فعلا در مد نظر است. این را فاکس باید درک کند که ما قرار نیست سر این میز

باشید می پذیرد، عملا با انجام مذاکره موافقت کرده است؟

ج - حرفی که فاکس می زند این است که می خواهد برشی از کیک رسانه های خبری نصیب او نیز بشود. مثل اینکه مسابقه ای بر سر این که چه کسی محبوب تر است ترتیب داده شده است به جای اینکه مذاکرات، فاکس به فکر گرفتن عکس یادگاری است. می خواهد رابطه اش با رسانه های خبری محکم باشد. اما پروسه صلح با این نمایشها به پیش نمی رود، بلکه باید اعلام جدی از آن پدیدار شود. باید نشست سر یک میز و خود را متعهد به یک مذاکره جدی کرد. اگر فاکس شخصا از خود برای دیا لوج تعهد نشان دهد در این مذاکرات تا آخرش با ما بیاید، ما هم اعلام آمادگی می کنیم. اما ما این سوال را نیز از او خواهیم کرد: چه کسی در حین مذاکرات با ما دولت را اداره خواهد کرد؟ که اتفاقا کار بسیار مشکلی هم خواهد بود. من دیگر لزومی ندارد این را برای شما کلمبیا ئیها توضیح بدهم. زیرا شما تجربه شخصی دارید و می دانید که وقتی پای مذاکره با نیروهائی که مسلح هستند پیش می آید کار پیچیده تر است. برای کسی که باید مملکت را نیز اداره بکند سخت است که بتواند تمام وقت برای پیشبرد این امر فعالیت کند. بنابراین خوبست که فاکس یک نفر را برای این کار از طرف خودش انتخاب کند که ما بتوانیم با او دیا لوج ایجاد کنیم. حتما نباید با خودش این کار صورت بگیرد. دست دادن با فاکس از آن نوع خوابهایی نیست که به خاطرش شب جایمان را خیس کنیم. ما عجله هم نداریم.

س - زمان انجام این مذاکرات که قرار است در ساختمان یک دانشگاه صورت بگیرد شما با همین لباس چریکی که الان در بر دارید حاضر خواهید شد؟ یک روز عادی شما چگونه طی می شود.

ج - صبح از خواب بیدار می شوم تا شب با من مصاحبه می شود بعد می خوابم. (می خندد) ما معمولاً با گروه

مصاحبه ای با فرمانده مارکوس (۲)

مصاحبه گران: گابریل گارسیا مارکز و رابرت یومبو

ترجمه: لایلا

توضیح: در ژانویه سال ۱۹۹۴ EZLN (ارتش رهائی بخش زاپاتیستا) طی یک عملیات گسترده توانست کنترل چندین شهر در چیپاس را به دست گیرد. این پیروزی چشمگیر نام آنان را در سراسر جهان بر سر زبانها انداخت و در شرایطی که بسیاری از جنبشهای مسلحانه دلسرد شده بودند امید تازه ای به انقلابیون بخشید و نشان داد که تاریخ ادامه دارد. از آن زمان به بعد حمایتهای بین المللی همواره به سوی ارتش زاپاتیستا روان شده است. یکی از دلایل محبوبیت آنها در جهان متفاوت بودن آنها خوانده می شود. حال چرا زاپاتیستها متفاوت هستند؟ تفاوت آنها نه تنها به خاطر اعتراضاتشان علیه لیبرالیسم نظم نویس جهانی است. بلکه تفاوتهای پایه ای با دیگر گروه های چریکی دارند. آنهایی که از سراسر جهان به سوی زاپاتیستها روان شده اند به دلیل این که مردم مکزیک وضع اسفبار تری دارند نیست. بسیاری از کشورها مانند کلمبیا، در شرایط بدتری هستند. شعار الهام بخش "در هر کجا که هستی یک زاپاتیستا باش" آنها را که در جنگلها و کوه های جنوب شرقی مکزیک زندگی می کنند و روش های مطابق با ساختار سیاسی - اجتماعی خودشان را پیش می گیرند در بین فعالان جنبشهای کشور های دیگر در جهان محبوب کرده است.

زاپاتیستا در سال ۱۹۹۶ در یک کنفرانس بین المللی در Realidad، در chiapas فرا خوانی برای اعتراضات گسترده و سراسری بر علیه کابینالیسم دادند که به یک دوره کنفرانس های جهانی انجامید که تا حد زیادی سبب تظاهرات بزرگ صد سرمایه داری در لندن بود و پس از آن در سال ۱۹۹۹ در ساتل و سپس واشنگتن و پراگ... و سرانجام به جنوا رسید.

xxxx

س - چه کسانی باید بر سر آن میز حضور داشته باشند

ج - دولت در یک طرف و ما در طرف دیگر.

س - فکر نمی کنید وقتی که فاکس می گوید می خواهد با شما مذاکره کند و شما را در قصر رئیس جمهوری و یا هر جای دیگر که مایل

مصاحبه‌ای با فرمانده مارکوس

بقیه از صفحه ۱۳

نمی‌کنیم زیرا همیشه معلوم می‌شود این تهمتها واقعیت نداشته است. ما روی کلمبیائینها قضاوت نمی‌کنیم. آنها را خوب یا بد خطاب نمی‌کنیم اما با آنها فاصله خود را نگاه می‌داریم. درست همان کاری که با دیگر گروه‌های مسلح در مکزیک می‌کنیم. زیرا ما قبول نداریم که برای پیشبرد انقلاب می‌شود از هر وسیله‌ای استفاده کرد. برای مثال ربودن شهروندان. اینکه انقلابیون برای تصاحب قدرت از هر وسیله‌ای استفاده کنند کار درستی نیست. ما به این که هدف وسیله را توجیه می‌کند معتقد نیستیم. ما معتقدیم که وسیله خود هدف است.

ما اهداف خود را از راه ابزاری که برای مبارزه انتخاب می‌کنیم تشخیص می‌دهیم. به همین خاطر بهائی را که ما برای حفظ قبول، صداقت و صمیمیتان می‌دهیم سیار سنگین است. البته به ندرت هم ممکن است پا از این رویه بیرون بگذاریم. مثل ژانویه ۱۹۹۴، قبل از حمله به ارتش، ما اعلام کردیم که اگر به خواستمان پاسخ داده نشود عملیات خواهیم کرد. اما آنها حرف ما را باور نکردند. این کار گاهی جواب می‌دهد گاهی نه ولی برای ما مهم است که به عنوان یک سازمان روی حرفمان حساب شود بنا بر این ما عملیات را انجام می‌دهیم.

س - شما فکر می‌کنید این اصلا عملی است که در دوران جنگ مذاکره کرد مثلا در جایی مانند کلمبیا.

ج - این کاری آسان و در ضمن بی مسولیتی از جانب ما خواهد بود که به خواهم از اینجا نظرم را راجع به آنجا بدهم. اما به طور کلی، پروسه مذاکره اگر چنانچه هر دو طرف انتظار رسیدن کامل به خواسته‌های خودشان را داشته باشند ناموفق خواهد بود. اگر یک طرف مذاکره را وسیله‌ای قرار دهد که بخواهد با آن نیروی طرفش را آزمایش کند. دیر یا زود مذاکره شکست خواهد خورد. در این شرایط میدان جنگ است که به پشت میز کشیده شده است. برای این که در پشت میز مذاکره پیشرفتی رخ بدهد اول هر دو طرف باید این فکر که طرف خود را شکست بدهند از سرشان بیرون بیاورند. آنها باید کاری کنند که نتیجه پیروزی متعلق به هر دو باشد. در بدترین شرایط شکست برای هر دو باشد. که در آن صورت آن فصل به اتمام رسیده

است. البته این بسیار سخت خواهد بود - آن هم برای یک جنشی که سالها فعال بوده و مبارزه کرده مثل ما و شما کلمبیائینها. صدمات زیادی به هر دو طرف خورده شده و خواسته‌های زیادی بدون پاسخ باقی مانده است، اما بدون شک هیچوقت دیر نشده است.

س - شما با این همه در گیربهای که دارید آیا اصلا مطالعه می‌کنید؟

ج - بله، چون اگر مطالعه نکنیم چه کار کنیم؟ در ارتشی که قبلا داشتیم سربازان وقتشان را صرف تمیز کردن و انبار سلاحها یشان می‌کردند. سلاح ما اکنون کلمات هستند که بایستی برنده باشند. ما هر لحظه ممکن است به آن نیاز داشته باشیم.

س - هر حرفی که شما می‌زنید، چه در فورم و چه در محتوی، نشانی از وسعت سواد و تحصیلات کلاسیک و سنتی شماست. این از کجا آمده؟

س - در خانواده ما، از کودکی، لغات بهای زیادی داشتند. راه رودروئی ما با جهان از کانال زبان امکان پذیر بود. ما خواندن را نه در مدرسه بلکه بیشتر از خطوط روزنامه‌ها آموختیم.

وقتی کوچک بودیم مادر و پدرمان به ما کتابهایی می‌دادند که به تدریج راههای دیگر وقت گذرانی ما را از ما می‌گرفت. زبان برای ما برجسته شد. نه فقط برای تبادل افکار بلکه برای ساختن چیزی. طوری که برایمان تفریح بود نه وظیفه. در فعالیتهای زیر زمینی، بر خلاف دنیای روشنفکران بورژوازی، لغات ارزش واقعی خودشان را نداشتند از نظر اهمیت در درجه دوم قرار داشتند. اما وقتی در میان بومیها زندگی کردیم تازه متوجه شدیم چه نقش مهمی را داراست. و نیاز به آن مثل منجیق بر ما فرود آمد. تازه می‌فهمی که برای ابراز خیلی چیزها چقدر لغت کم داری، و آن وقت موظفت می‌کند که بروی و روی آن زبان کار کنی. زمان را به عقب بازگردانی و از اول شروع کنی. لغات را دو باره کنار هم بگذاری و یا آنها را از هم جدا کنی.

س - آیا می‌شود گفت این امکان وجود دارد که بر عکس - تسلط بر زبان بوده که

شما را به مرحله تازه‌ای از مبارزه کشیده؟

ج - همه اینها داخل یک مخلوط کن ریخته می‌شوند که نمی‌دانی کدام را اول ریختی و چه معجونی از آب در خواهد آمد.

س - اجاره می‌دهید در مور خانواده شما سوال کنیم؟

ج - خانواده من از طبقه متوسط بودند. پدرم که نان آور خانواده بود در

مدرسه‌ای در دوران Cardenas تدریس می‌کرد. پدرم می‌گفت در آن دوران اگر معلمی کمونیست بود گوشه‌هایش را می‌بریدند. مادرم هم در یک مدرسه خارج شهر درس می‌داد. بعد ما به شهر رفتیم و طبقه متوسط شدیم. خانواده‌ای بودیم بدون سختیهای اقتصادی.

همه اینها برای ما در مناطقی صورت گرفت که صفحات اجتماعی روزنامه‌ها افقهای فرهنگی داشتند. دنیای خارج هم برایمان شهر مکزیک بود و کتاب فروشهایش، جاذبه بزرگی برای آمدن به اینجا. گاهی یک بازار فروش کتاب در منطقه ما برگزار می‌شد که ما می‌توانستیم چیزهایی پیدا کنیم. پدر و مادرم ما را با Garcia Marquez, Carlos Fuentes, Monsivasis,

Garcia Liosa (گذشته از دیدگاه Liosa)، آشنا کردند که فقط نام تعداد کمی را بردم. آنها از ما می‌خواستند که کتاب صد سال تنهایی را برایمان بخوانیم تا ببینیم آیا آنها در آن زمان چگونه بودند. مرگ Artemio Cruz برای اینکه به فهمیم انقلاب مکزیک چگونه بود. Dias de guardar که توضیح می‌داد طبقه متوسط چه شد. La ciudad y los perros که از جهتی تصویری از خود ما بود اما تصویری عریان. همه اینها آنجا بودند ما همان طور که به جهان قدم می‌گذاشتیم به ادبیات هم می‌آموزیدیم. و من فکر می‌کنم همین بود که بر ما نشان زد. ما دنیا را از دریچه چشم اخبار روزنامه‌ها نگاه نکردیم بلکه در این کتابها و داستانها کشف کردیم. در یک نثر یا یک شعر. و این ما را با دیگران متفاوت کرد.

این همان کاسه بلورینی بود که پدر و مادرم می‌خواستند من از آن به جهان بنگرم. برخی دنیا را از دریچه رسانه‌های خبری می‌بینند و برخی از دریچه تاریکی که تو را از دیدن اتفاقات محروم می‌کند.

س - Don Quixote در این مطالعات چه نقشی داشت؟

ج - وقتی ۱۲ ساله شدم یک کتاب با جلد پارچه‌ای به من هدیه شد. قبلا خوانده بودمش ولی در چاپ ویژه کودکان. کتاب گران قیمتی بود هدیه‌ای منحصر به فرد که هنوز هم آن را یک جایی باید داشته باشم. و بعد شکسپیر. ولی آمریکای لاتین قبل از همه بود. و سپس Cervantes, Garcia Lorca و بعد یک دوره شعر.

Don Quixote همیشه در کنار من است و Romanancero Gitano نوشته Garcia Lorca را همیشه همه جا با خودم می‌برم. Don Quixote بهترین کتاب تئوریک سیاسی است. و به

دنبالش Hamlet و Macheth هیچ راهی بهتر از آن برای شناختن سیستم سیاسی مکزیک نیست. این سه Hamlet, Don Quixote, Macheth. به خاطر جنبه‌های تراژدی و طنز آمیزشان بهتر از هر نوشته سیاسی عمل می‌کنند.

س - آیا اگر استیسیا لیزم و سارتر هم نقشی داشتند؟

ج - نه ما برای آن دیر رسیدیم. خیلی محکم و ارتدکس وار بگویم تا ما به آن ادبیات برسیم دیگر خراب شده بودیم. قبل از آن هم به ادبیات انقلابی. بنا بر این وقتی به مارکس و انگلس هم رسیدیم کاملا با ادبیات و طنزهای آن ضایع شده بودیم.

س - اصلا تئوریهای سیاسی را مطالعه کرده‌ای؟

ج - نه در نخستین مراحل ما مستقیم از الفبا به ادبیات رفتیم و بعد به متون تئوریک و سیاسی، تا به دبیرستان رسیدیم.

س - آیا همکلاسیهای شما در این باور بودند که شما یک کمونیست هستید یا ممکن است باشید؟

ج - نه، فکر نمی‌کنم شاید بیشتر از هر چیز مرا تریجه صدا می‌کردند. قرمز در بیرون، سفید در درون.

س - با دست می‌نویسی یا روی کامپیوتر؟

ج - روی کامپیوتر. غیر از ماه مارس که گذشت، چون وقت کار نبود. اول می‌نویسم بعد دوبار بعد دو باره... شاید مسخره باشد ولی تا تمام شود حد اقل هفت بار عوض کرده‌ام.

س - در حال نوشتن چه کتابی هستید؟

ج - دارم یک کتابی احمقانه می‌نویسم که در آن می‌خواهم خودمان را به خودمان از نقطه نظر خودمان شرح دهم، کاری که در حقیقت غیر ممکن است. آن چیزی که ما باید درک کنیم این گوناگونی ماست. این که چرا یک ارتش انقلابی سعی نمی‌کند قدرت را به دست بگیرد. چرا یک ارتش انقلابی نمی‌جنگد وقتی که اصلا شغش این است. همه گوناگونیها ئی که در مقابل ما قرار می‌گیرند. طریقی که ما در محیط و جامعه‌مان رشد کرده و قدرتمند می‌شویم با فرهنگ پرداخت شده کنونی متفاوت است.

س - اگر همه شما را می‌شناسند چرا ما سک می‌زنید؟

ج - برای دلبری. آنها نمی‌دانند من کی هستم، ولی برایشان هم فرق نمی‌کند. فقط مهمه که سابقومندانته مارکوس (subcomandante Marcos) کیست نه اینکه من چه کسی بوده‌ام.

توصیح مترجم: فاجعه هولناکی که در ۱۱ سپتامبر در نیویورک به وقوع پیوست جهان را به طور برگشت‌ناپذیری تغییر داده است؛ همان گونه که قتل عام مردم بی دفاع هیروشیما و ناکازاکی پس از غروب جنگ جهانی دوم معادلات جهانی را به طور کل وازگون کرده بود. آری، یازدهم سپتامبر نقطه عطفی در تاریخ باقی خواهد ماند. همان گونه که نقطه عطفی خواهد شد در نبرد میان دو طالبان؛ اولی طالبان شسته - رفته، اطو کشیده و خوشبو، طالبان کاخ سفید؛ و دیگری طالبان پشمو، یقه چرکین و بند بو، طالبان کابل و تهران.

در این نبرد جای بشریت متمدن در کجاست؟ آیا می‌توان به نوشتن چند اعلامیه کلیشه‌ای و بی محتوا که خواهان «دستگیری و مجازات عاملان و آمران این فاجعه» است بسنده نمود؟ آیا باید نهضت «ضد جنگ»، هم چون زمان جنگ ویتنام، به راه انداخت و خواهان پایان مخاصمات شد؟ در ویتنام نهضتی در جریان بود که رو به سوی انسان داشت، در افغانستان، ایران، الجزایر، سودان و ... چطور؟ آیا باید در کنار طالبان ایستاد و علیه مداخله جویی امپریالیستها مبارزه نمود؟ و یا باید برای رینگوی کودن امروزی کف زد؟ به راستی، جای بشریت متمدن در نزاع میان توحش تکنولوژیک و تکنولوژی توحش در کجاست؟

رسانه‌های غرب، علی‌الخصوص میدیای آمریکا و کانادا، پس از یازدهم سپتامبر وارد فاز جدیدی از عنان گسیختگی و پروپاگاندای جنون آمیز شده‌اند. به ویژه در یک هفته نخستین پس از واقعه، این بلندگویان سرمایه جهانی موج وسیعی از نفرت نژادی را علیه اقلیتهای قومی به راه انداختند. یک بار دیگر مذهب را به جلوی صحنه راندند، و با تمام توان سعی در حیدری - نعمتی کردن جریان نمودند. از تنازعات سنی - شیعه، کاتولیک - پروتستان داستانها ساختند و از در پیش بودن یک جنگ صلیبی دیگر خبر دادند. سیستم سرکوب پلیسی و جنگ و دندان مک کارتیسم را به رخ مردم کشیدند تا بدان وسیله شاید بتوانند نفسهای بشریت متمدن را به شیشه کنند. به شیوه بسیار آشناء، شماره تلفن و آدرس پست الکترونیکی را در بلندگوهایشان جبار زدند، و از «حزب‌الله» و «امت همیشه در صحنه» خواستند تا علیه همسایه‌شان خبرچینی و جاسوسی نمایند. اما در این میان وجدان انسانی و بشریت متمدن به

جهان از مرگ ۲۷۰۰ کودک بی خبر ماند

نوریو استار - کانادا

نویسنده: مایکل شپکات

ترجمه: سید محله

ستوه آمده از دور بی سرانجام این توحش نیز بی صدا نشست. بر رغم همه گونه سانسور، ارباب و اختناق که آفریده شد، صداهای بسیاری علیه این نظم ضد انسانی بلند شد.

مطلبی را که در این جا ترجمه کرده‌ام در شماره ۲۶ سپتامبر روزنامه «تورنتو استار» چاپ شده است. بی تردید، مقاله‌ها و مطالب چه بسا رادیکالتری از این را، همه‌مان خوانده و یا شاید شنیده باشیم. تردیدی نیست که مقاله‌های بسیار تحقیقی‌تر و همه‌جانبه‌تر از این فراوانند. این مقاله را برای هیچ کدام از هدفهای بالا ترجمه نکرده‌ام. هدف تنها آن است که صدای انسانیت مترقی را که در هر شرایطی و در هر جا که ممکن باشد برخواید خاست، به اندکی دورتر برسانم. مقاله کوتاه و به نظرم موجز رسید. نکته بدیعی را در بر دارد و به زبانی ساده نوشته شده است. نویسنده مقاله آقای مایکل شپکات، از محققین شاعر در دانشگاه تورنتو و از فعالان قدیمی سیاسی است که به نفع بی خانمانها و حق مسکن مبارزه می‌کند.

xxx

جهان از مرگ ۲۷۰۰ کودک

بی خبر ماند

این حقیقت تلخ را باید پذیرفت که بعضیها در مرگشان نیز، همان گونه که در حیاتشان، بیشتر از دیگران به حساب می‌آیند.

در ۱۱ سپتامبر، در طی سه اقدام جداگانه حدود هفت هزار نفر به طرز جانخراشی کشته شدند. در همان روز، اما، حدود ۲۷ هزار نفر کودک زیر ۵ سال، به دلایلی کاملاً قابل پیش‌گیری، مانند گرسنگی و بیماری، در گوشه و کنار جهان جان باختند.

حمله به نیویورک، واشنگتن و پنسیلوانیا در رسانه‌ها تحت پوشش ۲۴ ساعته قرار گرفته و همدردی بسیاری را برانگیخت و تقریباً تمامی مسایل سیاسی جهان را تحت الشعاع خود قرار داد. در حالی که آن ۲۷ هزار کودک در غربت تلخی جان باختند و کسی به جز خانواده‌شان در سوگشان نشست.

دولت ایالات متحده تاکنون مبلغ ۴۰ میلیارد دلار را برای گرفتن انتقام کشته شدگان نیویورک، واشنگتن و

پنسیلوانیا اختصاص داده است؛ و متحدینش در پیمان نظامی ناتو

و دیگر کشورهای جهان را تشویق می‌کند که آنها نیز منابع وسیعی را به این کار اختصاص دهند.

از سوی دیگر نشست ویژه سازمان ملل متحد در باره کودکان، که قرار بود از ۱۹ سپتامبر آغاز شود، به آینده نامعلومی موکول شده است. واقعیت این است که هیچ کدام از قدرتهای جهان اهمیتی به آمار دهشتناک مرگ و میر کودکان نمی‌دهند و از این رو آن را در خور صرف وقت و سرمایه نمی‌یابند.

البته کسی تراژدی انسانی را که در ایالات متحده اتفاق افتاده است دست کم نمی‌گیرد. پدران و مادران، پسران و دختران، دوستان و همکاران کشته شدگان ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده در غم از دست دادشان سوگواری و ما نیز خود را در غمشان شریک می‌دانیم.

عملیات خشونت‌باری که به این فاجعه انسانی انجامید باید محکوم شود. افرادی که به این جنایت دست زدند باید در برابر یک دادگاه ذیصلاح جهانی محاکمه و مجازات شوند. عدالت باید برای قربانیان این عملیات جنون آمیز اجرا شود. اما تراژدی جهانی کودکان، تراژدی‌ای که در ۱۱ سپتامبر خاتمه نیافت، چه می‌شود؟ یونیسف گزارشش را با نام «وضعیت کودکان جهان ۲۰۰۲» در ۱۳ سپتامبر منتشر ساخت. این گزارش به تلخی یادآور می‌شود که بیش از ۱۰ میلیون کودک در طول سال ۲۰۰۱ خواهند مرد - یعنی روزانه رقمی بیش از ۲۷ هزار نفر.

آن محاسبه گری که بر اساس آن بعضی از مرده‌ها بیشتر از دیگران به حساب می‌آیند، و بنابراین باید انتقامشان به هر شکلی که گرفته شود، دقیقاً آن چیزی است که دستاویز رئیس جمهور آمریکا، جورج دبلیو بوش، قرار گرفته تا با اتکا، به آن بتواند برای آن چه که خود وی آن را نخستین جنگ قرن بیست و یکم می‌نامد، حمایت جلب نماید. آقایان! لطفاً پیش از آن که سلاجهایتان را بردارید، اندکی به تاریخ غم‌انگیز و سراپا خونبار جنگ در قرن بیستم بیندیشید.

قرن بیستم شاهد ۲۵۰ فقره جنگ بود که به مرگ ۱۱۰ میلیون انسان انجامید. تنها در نیمه اول قرن بیستم نیمی از کشته شدگان را غیر نظامیها تشکیل می‌دادند. این نسبت در پایان

دهه ۷۰ به دو سوم کل کشته شدگان افزایش یافت. بر اساس تخمین سازمان ملل متحد در دهه نود، بیش از نود درصد خسارات جنگی را غیر نظامیها متحمل شدند. مقامات نظامی و تولید کنندگان جنگ‌افزار به «بمبهای با هوش» و «ضربات جراحی آسا» به مثابه جنگ افزارهای نوین اشاره می‌کنند، در حالی که همه جا این غیر نظامیهای بی دفاع هستند که در تیررس قرار دارند.

بر طبق آمار یونیسف، در آخرین دهه قرن بیستم در طی تنازعات مختلف ۲ میلیون کودک سلاخی شده، ۶ میلیون مجروح و یا نقص عضو گردیده و ۱۲ میلیون بی خانمان شدند.

جنگ برای کودکان و خانواده‌شان چیزی جز نکت به ارمغان نمی‌آورد. نه فقط به این دلیل که آنها قربانیان اولیه جنگها هستند، بلکه هم چنین به این خاطر که جنگها منابع جهانی را می‌بلعند، و چیزی برای هزینه برنامه‌های توسعه باقی نمی‌گذارند. تنها یک صلح عادلانه برای تمامی مردم جهان است که می‌تواند به جنایت علیه بشریت، نظیر آن چه که در ایالات متحده شاهد بودیم، در جهانی که در بی عدالتی و نابرابری غوطه‌ور است، پایان دهد.

بر اساس آخرین گزارش یونیسف، به علاوه آن ده میلیون کودکی که هر ساله به دلایل قابل پیشگیری جان می‌بازند، در حدود ۱۵۰ میلیون کودک نیز در کشورهای در حال توسعه از بدی تغذیه رنج می‌برند؛ و بیش از ۱۰۰ میلیون کودک، که بیشترشان را دختران تشکیل می‌دهند، از دسترسی به آموزش محرومند.

تک تک آن مرگها قابل پیشگیری است. دسترسی به آب آشامیدنی سالم، داشتن بهداشت درست، غذای کافی، مراقبتهای پزشکی اولیه (شامل دارو)، آموزش و داشتن سر پناه در محیطی امن و صلح آمیز، اینها آن چیزهای اساسی و اولیه‌ای است که انبوهی از شهروندان جهان از آن محرومند؛ اما نه به آن دلیل که سیاره ما توانایی فراهم ساختن غذا، پوشش، سرپناه، آموزش و مراقبت از کودکانمان را ندارد.

بخش خصوصی و دولتمردان که کنترل منابع جهان و پروسه تصمیم‌گیری را در بخش اعظم جهان در دست دارند، با اتخاذ برنامه‌هایی، عامدانه کودکان و خانواده‌هایشان را از این نیازهای اساسی زندگی محروم

بقیه در صفحه ۱۷

توضیح مترجم: اخیراً مجله تائمز البرت انیشتن را «انسان قرن» نامید. او نه تنها مدافع تئوری نسبیست بود بلکه مدافع سوسیالیسم نیز بود. در سال ۱۹۴۹ وقتی دولتهای مدافع سرمایه‌داری به شکار کمونیستها مشغول بودند، انیشتن مقاله‌ای با عنوان «چرا سوسیالیسم؟» نوشت.

امروزه بسیاری از افراد متعلق به نسل گذشته، مبارزه برای سوسیالیسم را کنار گذاشته‌اند. بنای یک جامعه سوسیالیستی بسیار دشوارتر از آن است که پیش بینی شده بود و اولین کوششها در این زمینه در روسیه، اروپای شرقی و چین شاهد بروز یک بوروکراسی ممتاز و دیکتاتور بود که سهم زیادی از منافع اقتصاد برنامه‌ریزی شده را به خود اختصاص داد به نفع کارگران پرداخت. امروزه همان بوروکراسی در آمریکا و کشورهای کاپیتالیست اروپایی مشغول کار است تا همه دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی را در این کشورها از میان ببرد و کاپیتالیستی ناچیز جانشین آنها سازد. راه آینده باید بر مبنای از میان بردن آن بوروکراسی و تشکیل دموکراسی انقلابی کارگری هموار گردد که به سوی سوسیالیسم حرکت می‌کند و امکانات افراد را گسترش می‌دهد. در اینجا ترجمه خلاصه‌ای از مقاله مشهور «چرا سوسیالیسم؟» نوشته انیشتن ارائه می‌شود.

xxx

چرا سوسیالیسم

... بیشترین دولتهای تاریخ، وجود خود را مدیون فتوحات خویش می‌دانند. فاتحان موفقیت خود را به عنوان طبقه ممتاز کشور فتح شده از نظر قانونی و اقتصادی به ثبت رساندند و در آنجا مستقر شدند. آنها مالکیت زمین را به انحصار خود درآوردند و از میان خود راهبان و کشیشان را برگزیدند. آنان که حیطة آموزش را در اختیار و کنترل خود داشتند به تقسیم اجتماعی طبقات پرداختند و آن را به صورت سازمانهای دائمی جامعه در آوردند و در نتیجه نظام ارزشها را خلق کردند که طی آن مردم ناخود آگاه دساله‌رو یک رفتار اجتماعی تحمیل شده، شدند. اما سنت تاریخ مربوط به گذشته است ما به قول توریستن‌وبلن، هیچ کجا در طی تکامل انسان واقعاً بر مرحله «دوران شکار» غلبه نکرده‌ایم. بسیاری از واقعیات مشهور اقتصادی مربوط به دوران هستند، و حتی قوانینی که از آنها

منشعب می‌شوند در دورانهای دیگر عملکرد ندارند. از آنجا که هدف واقعی سوسیالیسم غلبه بر دوران شکار و گذشتن از آنست پس علوم اقتصادی

عصر حاضر در جوامع سوسیالیستی

آینده چندان کاربرداری نخواهد داشت. سوسیالیسم به جانب یک آرمان اجتماعی - اخلاقی حرکت می‌کند. علوم قادر به حل تمام مسائل انسانی نیستند بلکه وسایلی در اختیار ما می‌گذارند که می‌توانیم برخی از مسائلمان را حل کنیم و در ضمن خود پیشرفتهای علمی به ایجاد مسائل اخلاقی تازه‌ای منتهی می‌شوند. بدین دلیل نباید علم و روشهای علمی را وقتی با مسائل انسانی در رابطه هستند بسیار دست بالا گرفت و نباید تصور کرد که تنها صاحبان علم حق دارند مسائل جامعه را بررسی و مورد سؤال قرار دهند. جامعه بشری دچار بحران است و ثباتش بر هم خورده است. بسیاری نسبت به موقعیت جامعه و گروهی که به آن تعلق دارند احساس بی تفاوتی و حتی خصم نشان می‌دهند. این امر بیانگر تنهایی و انزوای بسیاری از انسانها در ایس دوران است. علت چیست؟ آیا راه نجاتی وجود دارد؟

بشر از یک جانب موجودی تک‌رو و از جانبی دیگر موجودی اجتماعی است. وی به عنوان موجودی تک‌رو می‌کوشد موجودیت خود و نزدیکانش را حفظ کند، خواسته‌های شخصی‌اش را برآورده سازد و تواناییهای خود را رشد دهد. ولی به عنوان موجودی اجتماعی سعی دارد دیگران را در لذتهای خود شریک سازد، و آنها را به هنگام آندوه تسلی دهد، شرایط زندگیشان را بهبود بخشد، آنها را بشناسد و محبتشان را جلب کند.

این تلاشهای متفاوت و متعارض به خصلت انسان شکل می‌دهد و ترکیب آنها حد تعادل درونی انسان را تعیین می‌کند و در سلامت جامعه سهم دارد، امکان دارد که قدرت نسبی این دو انگیزه اثری باشد ولی حاصلتی که در نهایت از آن سرچشمه می‌گیرد توسط محیط فرد شکل خواهد گرفت. در ضمن عواملی چون ساختار جامعه‌ای که در آن رشد می‌کند، و ارزش و احترامی که برای برخی از رفتارهای وجود دارد در تشکیل این خصلت اثر دارد.

جامعه به مفهوم انتزاعی یعنی تمامی روابط مستقیم و غیر مستقیم انسان با افراد هم عصرش و همه افراد در سلهای گذشته فرد به خودی خود

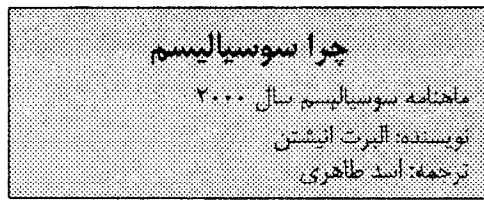
قادر به تفکر، احساس، کوشش و کار است. ولی در

موارد جسمانی، عقلانی و عاطفی وابستگی زیادی به جامعه دارد. بدون در نظر گرفتن فرد در این قالب اجتماعی شناخت وی ناممکن می‌گردد. جامعه، غذا، مسکن، ابزار کار، زبان، اشکال تفکر و بیشترین محتوای تفکر را در اختیار او می‌گذارد. زندگی از طریق کار و اعمال و پیشرفتهای میلیونها نفری که قبل از او و در زمان او زیسته‌اند و همه تحت «جامعه» قرار می‌گیرند امکان‌پذیر می‌شود.

وابستگی فرد به جامعه واقعیتهای طبیعی است که نادیده نمی‌توان گرفت. مثل زندگی مورچگان و زنبورها، در جایی که کل جریان زندگی مورچه و زنبور و تمامی اجزای رفتار آنها توسط غرایز ارثی ثابت و تغییر ناپذیر تعیین می‌شود، الگوی اجتماعی و روابط انسان بالعکس قابل تنوع و دگرگونی است. حافظه، ظرفیت و توانایی ساختن ترکیبات جدید، استعداد ایجاد ارتباط کلامی پیشرفتهایی را در میان انسانها ممکن ساخته‌اند که ضروریات بیولوژیکی آنان را دیکته نمی‌کند. تکامل انسان خود را در سنتها، پیشرفتهای ادبی و علمی و کارهای هنری نشان می‌دهد. به همین دلیل است که انسان می‌تواند بر زندگی خود اثر گذارد و در این جریان، تفکر آگاهانه و خواستن نقش اساسی دارند.

انسان به هنگام تولد و از طریق ارث یک بنیاد بیولوژیکی کسب می‌کند که ثابت و غیر دستکاری است. به علاوه دارای سابقه‌هایی طبیعی است که مشخصه نژاد بشر است. وی در دوران زندگی از طریق جامعه و ارتباطات آن بنیادی فرهنگی و تأثیرهای متنوع دیگری کسب می‌کند. این بنیاد فرهنگی با گذشت زمان قابل دگرگونی است و در ضمن این بنیاد فرهنگی تا حدود وسیعی رابطه میان فرد و جامعه را تعیین می‌کند.

مردم شناسی جدید با تحقیقات مقایسه‌ای خود روی فرهنگهای بدوی به این نتیجه رسیده است که رفتارهای اجتماعی انسان با توجه به الگوهای



موفق فرهنگی و سازمانهای حاکم بر جامعه تغییر پیدا می‌کند. برخی که کوشش در بهبود و پیشرفت انسان دارند، باید امیدهای واقع‌بینانه‌تری داشته باشند. انسانها به خاطر خصلتهای زیستی خود محکوم به نابودی یکدیگر و یا تحت فرمان و ترحم سرنوشتی جبار و ستمکار نیستند.

اگر از خود بیرسیم ساختار اجتماعی و رفتار فرهنگی انسان چگونه باید تغییر یابد تا انسان صاحب زندگی بهتری شود، باید به این واقعیت برگردیم که شرایطی در اجتماع وجود دارد که ما قادر به تغییر آنها نیستیم.

آن چنان که قبلاً اشاره شد خصلت زیستی انسان قابل تغییر نیست، رشد تکنیکی و جمعیتی در چند قرن گذشته شرایطی ایجاد کرده است که به نظر بسیاری با ثبات هستند. در جوامع بزرگ و پیشرفته و با کالاهایی که موجودیت آنها حتمی است، تقسیم کار امری ضروری خواهد بود. زمانی که افراد یا گروههای کوچک می‌توانستند کاملاً خودکفا باشند گذشته است. اگر بگوییم بشریت جامعه‌ای مبنی بر تولید و مصرف است مبالغه نکرده‌ایم.

اینک باید بگوییم که چه چیز جوهر بحران زمان ماست. این بحران مربوط به فرد و رابطه‌اش با جامعه می‌باشد. افراد بیش از همیشه نسبت به وابستگی خود به جامعه آگاهی یافته‌اند. ولی این وابستگی را مثبت و آرگانیک و جامعه را یک نیروی پشتیبان نمی‌بینند، بلکه آن را به صورت تهدیدی نسبت به حقوق طبیعی خود و یا حتی وجود اقتصادی خود تلقی می‌کند.

موقعیت انسان در جامعه طوری است که سابقه‌های غریزی او دائماً مورد تأیید قرار گرفته‌اند حال آن که سابقه‌های اجتماعی او که ضعیفتر هستند به تدریج نابود می‌شوند. همه انسانها صرف نظر از موقعیت اجتماعی خود از این فرایند نابودی رنج می‌برند، انسانها ناآگاهانه زندانی نفس خود هستند و در نتیجه انسان وقتی معنا می‌یابد که خود را وقف اجتماع سازد.

در جامعه سرمایه‌داری هرج و مرج سرچشمه شر است. ما اجتماعی عظیم از تولیدکنندگان می‌بینیم که اعضاء آن به طور دائم می‌کوشند یکدیگر را از تمره کار جمعی خود محروم سازند. این کار نه از طریق زور بلکه از طریق قوانین و مقررات موجود صورت می‌گیرد. به این ترتیب باید توجه داشت که ابزار تولید از نظر قانونی در مالکیت خصوصی افراد هستند. بقیه در صفحه ۱۷

مقابله با تروریسم

— هوشنگ دانیالی
تمام مصیبتها و رنج و دردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی که بر یک ملت وارد می‌شود، ناشی از سیستم حکومتی است که بر جامعه تحمیل می‌شود. روشهای غیر انسانی، سرکوب و استبداد یک حکومت، آسیبهای جدی و زیانباری را نصیب مردم می‌کند. حکومتی امپریالیستی به خاطر اعمال جنایتکارانه خود فاجعه‌هایی را به بار می‌آورد که یا در خارج از خود یا در درون، ملتی را به دردناکترین فجایع روبرو می‌کنند.

۱۱ سپتامبر در نابوری، سبلمهای اقتدار و دژهای فولادین آمریکا - قدرتی که بمبها و بمبافکنهای آن تا کنون میلیونها کشته و ویرانه‌های عظیمی به جای گذاشته است - در نابوری، شاهد هولناکترین حادثه تروریستی و فاجعه‌ظالمانه قرار گرفت. ابعاد این فاجعه چنان عظیم بود که هرگز در تاریخ سابقه نداشته که تروریستها این چنین فاجعه بزرگ ضد انسانی را به وجود آورند. البته سیاستهای امپریالیستی آمریکا و جنایات این سیستم در ژاپن و ویتنام، ایران، عراق و صدها جای دیگر از این فجیع‌تر و ظالمانه‌تر هم بوده است و چنین سیاستهای نادرستی باعث چنین تنفر و انزجار عمومی در دنیا نسبت به سیستم سرمایه‌داری آمریکا به وجود آورده است. همیشه مردم بی‌گناه هستند که قربانی این سیاستهای نادرست حکومتها می‌شوند. افکار عمومی جهان احساس همدردی شدید با مردم بی‌گناه که مورد یورش این عمل جنایتکارانه قرار گرفتند، نشان دادند. و این در حالی است که تمام بوقهای امپریالیستی بر طبل جنگ می‌کوبند تا با روشهای اشغالگری و کشتار زمینه‌های قدرت خود را نشان دهند.

البته سالهاست که فریادهای ملتسهای ستمدیده قربانی تروریسم، گوش فلک را پر کرده ولی تا کنون هرگز منافع انحصارات امپریالیستی، اجازه نداده است که تروریسم نابود شود. بلکه تروریسم بر بستر این منافع رنگ و شکل و روح تازه‌ای هم پیدا کرده است.

سران حکومت جمهوری اسلامی ایران، خود از نوع بن‌لادنیایی هستند که چه در داخل و چه در خارج از ایران، مرتکب اعمال تروریستی شده‌اند که مدارک آن بر همگان روشن است. این حکومت خود منبع و حامی تروریسم است. پس اگر مبارزه با تروریسم از طرف این مدعیان دروغین دموکراسی معنا داشته باشد، بهتر است که دست از حمایت از کشورهای که خود حکومت تروریستی هستند مثل ایران بردارند. و به صدای مردم گوش کنند که خواهان محاکمه رهبران جمهوری اسلامی به خاطر جنایاتشان هستند. پس باید برای جلوگیری از حوادث فجیع‌تر از ۱۱ سپتامبر، بن‌لادنیایی مثل خامنه‌ای را افسار کرده و محاکمه نمود. باید از حمایت حکومتیهای ارتجاعی و تروریستی، دست برداشت. این تنها راه مقابله با تروریسم است.

جهان از مرگ ۲۷۰۰ کودک

بی‌خبر ماند

بقیه از صفحه ۱۵
می‌سازند. به راستی میان آن سیاستها و برنامه‌ریزیها و عملیاتی مانند سقوط دادن هواپیما در یک ساختمان اداری چه تفاوتی وجود دارد؟

یونیسف و بسیاری از سازمانهای غیر دولتی جهانی برنامه‌های عملی و قابل پیاده شدن را برای پایان دادن به ارقام سرسام‌آور مرگ و میر روزانه کودکان و خانواده‌هایشان بر اثر فقر و دیگر ناهنجاریهای اجتماعی طراحی نموده‌اند. «نهضت جهانی برای کودکان» و کمپین «به کودکان آری بگو» اصول کلیدی را به منظور ایجاد تحول در این زمینه تنظیم کرده‌اند.

در بسیاری جاهها، کامیونیتی‌های محلی از نوشتن صرف برنامه فراتر رفته و به پیاده نمودن راه‌حلهای دست‌زده‌اند. ایده‌ها و پروژه‌های با ارزش در جهان کم نیست. آن چه که کم است منابع مورد نیاز برای به عمل درآوردنشان است. قدرتمندان توجهی به این مسأله ندارند، و اکنون ایالات متحده یک بار دیگر بر طبل جنگ می‌کوبد.

در لحظه بسیار حساسی به سر می‌بریم ... یک جنگ دیگر تنها از کشته شدگان غیر نظامی، در دنیایی که گورستانهای دیگر جایی باقی نمانده است، یشته می‌سازد.

وظیفه ما این است که از سیاستمداران بخواهیم که صلح، عدالت و توسعه را به عنوان بهترین پاسخ به کشتار دریالات متحده برگزینند. آنهایی که دست به چنین جنایاتی زده‌اند باید در برابر یک دادگاه دیصلاح جهانی به طور عادلانه محاکمه شده و متناسب مجازات شوند. منابع سیاره‌مان را به جای ریختن در حلقوم بخش خصوصی و چاه ویل هزینه‌های نظامی، باید برای برآورده ساختن نیازهای اساسی همه مردم جهان صرف نمود.

به نام آنهایی که در ایالات متحده کشته شدند و آنهایی که به طور روزمره در گوشه و کنار جهان جان می‌بازند، این با ارزش‌ترین میراثی است که می‌تواند باقی بماند.

چرا سوسیالیسم

بقیه از صفحه ۱۶

کارگران کسانی هستند که نقشی در مالکیت ابزار تولید ندارند و البته این ربطی به استفاده معمول از آنها ندارد. صاحبان ابزار تولید نیروی کار کارگران را می‌خرند. کارگران با استفاده از ابزار تولید، کالاهایی تولید می‌کنند که در مالکیت سرمایه‌داران است. مهم در اینجا رابطه میان تولید کارگران و دستمزد آنهاست که هر دو با ارزش واقعی سنجیده می‌شود. ولی آنچه کارگران دریافت می‌دارند با ارزش واقعی کالاهایی که تولید کرده‌اند سنجیده نمی‌شود بلکه بر اساس حداقل نیاز آنها و توجه کاپیتالیستها به خیل کارگرانی که دنبال کار می‌گردند تعیین می‌شود. باید بدانیم که حتی در تنوری هم ارزش کار کارگران توسط ارزش تولیدش تعیین نمی‌گردد.

سرمایه خصوصی معمولاً در دست چند نفر تراکم می‌یابد و علت هم رقابت میان صاحبان سرمایه است. پیشرفت تکنولوژی و افزایش تقسیم کار نیز باعث تشکیل واحدهای تولید بزرگتر و از میان رفتن واحدهای کوچکتر می‌شود. نتیجه این پیشرفت حاکمیت سرمایه‌های خصوصی است که قدرت فوق‌العاده آنرا حتی جوامع سیاسی دموکراتیک هم نمی‌توانند کنترل کنند چون اعضای هیاتهای قانون‌گذاری را احزاب سیاسی انتخاب می‌کنند و این احزاب از نظر مالی تحت تأثیر صاحبان سرمایه هستند که به خاطر منافع خود رأی‌دهندگان را از قانونگذاری جدا می‌سازند و در نتیجه نمایندگان مردم از میان بخشی از جمعیت که فاقد امتیازات اجتماعی هستند حمایت نمی‌کنند.

در ضمن سرمایه‌گذاران به طور مستقیم و غیر مستقیم کنترل منابع عمده اطلاعات «رادیو، تلویزیون، آموزش، نشریات» را در اختیار دارند. به این ترتیب برای مردم دشوار و تقریباً ناممکن است و آنها نمی‌توانند به یک نتیجه‌گیری عینی دست یابند و از حقوق سیاسی خود خردمندانه استفاده کنند. اقتصاد مبتنی بر مالکیت خصوصی سرمایه‌داری دو اصل عمده دارد:

اول، ابزار تولید «سرمایه» خصوصی است و صاحبان سرمایه آن را به نحوی که مناسب بدانند به کار می‌برند. دوم، قرارداد کار آزاد است. باید متذکر شد که کارگران طی مبارزات سیاسی طولانی و تلخ خود موفق شده‌اند نوعی قرارداد کار آزاد برای بخش خاصی از کارگران به وجود آورند.

ولی به طور کلی اقتصاد امروز چندان با کاپیتالیسم مطلق تفاوتی ندارد. در اینجا تولید برای کسب منافع و نه برای استفاده و نیاز است. هیچ‌گونه پیش‌بینی برای آن که کارگران همیشه صاحب کار باشند وجود ندارد. تقریباً همیشه لشکری از بیکاران وجود دارند. کارگر همیشه در هراس از دست دادن کار است. از آن جا که کارگران بیکار و یا کم‌مزد بازار سواد آوری به وجود نمی‌آورند، تولید کالا برای مصرف‌کننده محدود می‌شود و از عواقب آن دورانی سخت است. پیشرفت بیشتر تکنولوژی باعث بیکاری بیشتر است. حال آن که باید فشار و سنگینی کار را برای همه کم کند. انگیزه سود و نیز رقابت میان سرمایه‌داران عامل عدم ثبات در تراکم و به کار افتادن سرمایه و در نتیجه رکود شدید اقتصادی است. رقابت نامحدود ساعت از بین رفتن عظیم نیروی کار و از میان رفتن وجدان اجتماعی افراد است. بدین ترتیب خطر سرمایه‌داری همان از میان رفتن وجدان اجتماعی افراد است. تمامی دستگاه آموزشی ما از این خطر در رنج است. در این نظام، اخلاق رقابتگر و غلوآمیز به دانش‌آموزان تلقین می‌شود تا موقعیت فردی را به عنوان آمادگی برای مشاغل آینده خود ستایش کنند.

به نظر من برای از میان بردن این خطر بزرگ راهی وجود دارد و آن هم از طریق اقتصاد سوسیالیستی و یک نظام آموزشی با هدفهای اجتماعی میسر است. در این اقتصاد خود جامعه صاحب ابزار تولید است و بر اساس برنامه‌ریزی دقیق عمل می‌کند. این اقتصاد برنامه‌ریزی شده تولید را با نیاز جامعه سازش می‌دهد، کار را میان کسانی که قادر به انجامش هستند تقسیم می‌کند و زندگی را برای زن و مرد و کودک تضمین می‌کند. آموزش افراد برای به وجود آوردن حس مسئولیت در مقابل هم نوع است و برای شکوه بخشیدن به قدرت و موفقیت فردی در جامعه امروزی نیست.

به هر رو، اقتصاد برنامه‌ریزی شده هنوز سوسیالیسم نیست. یک چنین اقتصادی ممکن است با بردگی کامل افراد همراه باشد. دستیابی به سوسیالیسم نیاز به راه‌حلهای سیاسی - اجتماعی دشوار و پیچیده دارد. اینک با توجه به تمرکز قدرتهای سیاسی و اقتصادی چگونه می‌توان از بوروکراسی پیش از قدرتمندتر شدن جلوگیری کرد؟ چگونه می‌توان از حقوق افراد پشتیبانی کرد و یک توازن دموکراتیک در مقابل بوروکراسی به وجود آورد؟

در گوشه و کنار جهان

— جعفر پویه

info@jonge-khabar.com

۳ مهر - لهستان

نتایج شمارش آراء انتخابات لهستان نشان داد که کمونیستهای سابق این کشو اکثریت آرا را به دست آورده اند.

به گزارش خبرگزاری رویتر ۱۲ سال بعد از سقوط کمونیستها جنبش همبستگی در این انتخابات نتوانست حتی یک کرسی در پارلمان به دست آورد. تحلیلگران معتقدند مردم لهستان جنبش همبستگی را به دلیل شکست در اصلاحات و عمل نکردن به وعده هایشان و بروز فساد در کشور تنبیه کرده اند.

اتحادیه چپ دموکراتیک که ائتلافی متشکل از کمونیستهای سابق لهستان است، تا کنون بیش از ۴۴ درصد آرا و نزدیک به ۲۰ کرسی پارلمانی را بدست آورده است. این نخستین بار بعد از فروپاشی شوروی است که حزبی چنین نتیجه ای در انتخابات به دست می آورد.

۴ مهر - بوسنی

اتحادیه خبرنگاران بوسنی، نظارت و سانسور رسانه‌های این جمهوری توسط سازمان امنیت و همکاری اروپا را مورد انتقاد قرار دادو آن را سانسورچی خواند. اتحادیه خبرنگاران بوسنی با انتشار اطلاعیه ای خبر داد که سازمان مذکور دو تن از فرماندهان نیروهای پیشین امنیت و اطلاعات منطقه را به عنوان ناظر بر کار رسانه های خبری منصوب کرده است. در این اطلاعیه آمده است: مطبوعات بوسنی در شرایط بسیار دشواری به سر می برند و هرگونه نظارت پلیسی و اعمال فشار نتایج غیرقابل پیش بینی به همراه خواهد داشت. نمایندگی سازمان امنیت و همکاری اروپا و جامعه بین الملل، اکنون بر کار رسانه های خبری بوسنی نظارت کامل دارند و جلوگیری از درج و انتشار اخبار و تعطیلی رسانه ها از جمله اختیارات این سازمان ها در بوسنی است.

۴ مهر - ایتالیا

دولت ایتالیا رسماً از سازمان کشاورزی و خواروار جهان وابسته به سازمان ملل خواست محل تشکیل اجلاس فائو در اوایل نوامبر را از «رم» به ریمینی (مرکز ایتالیا) در سواحل آدریاتیک انتقال دهد.

به گفته منابع نزدیک به فائو، شورای سازمان کشاورزی و خواروار جهان که از ۴۰ کشور (کشورهای کمک کننده و در حال توسعه) تشکیل شده است

تصمیم خود را اوایل هفته بعد اعلام خواهد کرد.

دولت ایتالیا که تجربه تلخ نشست سران گروه ۸ در ماه ژوئیه در «جنوا» و درگیریهای خشونت بار نیروهای ضدشورش این کشور با مخالفان جهانی سازی را پشت سر گذاشته، از اوایل ماه اوت تلاش کرده است تا اجلاس فائو را که قرار است از ۵ تا ۹ نوامبر (۱۴ تا ۱۸ آبان) در «رم» برگزار شود، از این شهر به محل دیگری منتقل سازد.

۷ مهر - ایتالیا

واکنش شدید کشورهای جهان در برابر اظهارات توهین آمیز «سیلیویو برلوسکنی» در مورد برتری تمدن غرب بر سایر تمدنها، نخست وزیر ایتالیا را وادار کرد برای خروج از بن بست به وجود آمده برای کشورش از گفته‌های خود «اظهار تأسف» کند.

«برلوسکنی» ۶۴ ساله، در دیداری از آلمان به خبرنگاران گفت: «باید به برتری خود، برتری تمدن غربی آگاه باشیم»، و اضافه کرد: «غرب کماکان به غربی کردن ملتها ادامه خواهد داد. این موضوع در گذشته در قبال جهان کمونیست و بخشی از جهان اسلام با موفقیت روبرو شده است.» این اظهارات با واکنش تند مقامات اروپایی و اسلامی روبرو شد. «گی وروهوفسدات» نخست وزیر بلژیک و رئیس کنونی اتحادیه اروپا، اظهارات «برلوسکنی» را خطرناک خواند و اتحادیه عرب خواستار عذرخواهی او شد. در حالی که مقامات اروپایی و عرب ضمن «توهین آمیز، زننده و فاشیستی» خواندن این اظهارات، آن را به شدت محکوم کردند. اظهارات «برلوسکنی» از سوی اکثر مردم و احزاب ایتالیایی و دیگر کشورها نیز محکوم شد. «سیلیویو برلوسکنی» ۴۸ ساعت پس از این اظهارات مجبور شد در برابر واکنشهای تند همتابان و دیگر سیاستمداران ایتالیا در مجلس سنای این کشور اظهار تأسف کند. منابع موثق در بروکسل نیز گفتند «برلوسکنی» در نشست فوق العاده سران کشورها و دولت‌های اروپا در بروکسل (۲۱ سپتامبر) نیز «چرندیاتی» در مورد برتری تمدن غرب «به هم بافته بود». «عمروموسی»، دبیرکل اتحادیه عرب، «فدریکو مابور» مدیرکل سابق یونسکو، «خاویر سولانا» مسئول امور خارجی اتحادیه اروپا و «لئویسل ژوسپن» و «ویم کوک»، نخست وزیران فرانسه و هلند از جمله معترضان به «برلوسکنی» بودند.

۷ مهر - آمریکا

گسترش تظاهرات در شهر «سین سیناتی» آمریکا چنان بالا گرفت، که پلیس مجبور شد حکومت نظامی در این

شهر را تمدید کند. روزنامه «نیویورک تایمز» نوشت، پس از تیراندازی یک پلیس سفید پوست، که به کشته شدن یک مرد بی سلاح سیاه پوست منجر شد و رای دادگاه مبنی بر آزادی وی، برای جلوگیری از تظاهرات مردم علیه نژادپرستی، پلیس این شهر اقدام به برقراری حکومت نظامی کرد. «استفان روش» پلیس شهر «سین سیناتی»، که در ۱۸ فروردین ماه گذشته با شلیک گلوله، «تیموتی توماس» را به قتل رسانده بود، هفته قبل، از طرف دادگاه بیگناه شناخته شد. در پی این رای ناعادلانه سبیه‌هویستان در «سین سیناتی» دست به تظاهرات زدند و اقدام به آتش سوزی و صدمه زدن به خودروها کردند.

۶ مهر - سوئیس

یک مرد مسلح با ورود به پارلمان محلی شهر «زوک» در مرکز سوئیس ۱۴ نماینده را کشت و به زندگی خود نیز خاتمه داد. «فردریش لایباخر» ۵۷ ساله که لباس «جنگی» به تن داشت و به یک سلاح تهاجمی ارتش نیز مسلح بود، وارد سالن بزرگ پارلمان شد که در آن ۸۰ تن از نمایندگان و اعضای دولت محلی در حال گفت و گو بودند و با گشودن آتش به روی حاضران و سپس پرتاب یک نارنجک ۱۴ تن را کشت، ۱۴ تن دیگر را زخمی کرد و به زندگی خود نیز پایان داد. در نتیجه انفجار نارنجک سالن طعمه حریق شد، به گفته شاهدان، در پی این حادثه نیروهای پلیس، مأموران آتش نشانی و پزشکان به همراه ۱۳۰ آمبولانس به محل ریختند و مجروحان را به بیمارستان انتقال دادند. پلیس «زوک» در اتومبیل «لایباخر» که در مقابل ساختمان متوقف بود تعدادی سلاح و همچنین نامه ای از او پیدا کردند که در آن از «روز خشم علیه مافیای زوک» و میل به انتقامجویی سخن گفته شده بود. ظاهراً «لایباخر» از این که مقامات شهر هیچ اقدامی در جهت مبارزه با «مافیای محلی» نمی کنند، به شدت خشمگین بود. این حادثه مردم و دولت سوئیس را به شدت شوکه کرد و «موریتس لوینبرگر»، رئیس جمهور سوئیس که با «عبدالله واده»، همتای سنگالی خود ملاقات داشت، گفت وگوهایش را کوتاه کرد تا هرچه سریعتر خود را به محل برساند. در پی این حادثه، کلیه ساختمان های دولتی در سراسر سوئیس تحت تدابیر شدید امنیتی قرار گرفت و دولت محلی نیز ادارات و مدارس این منطقه را یک روز تعطیل اعلام کرد.

۱۲ مهر - عفو بین الملل

به گزارش خبرگزاری فرانسه از لندن عفو بین الملل با انتشار گزارشی اعلام

کرد: پس از این حملات مسلمانان، مردم خاورمیانه، آسیای تبارها و برخی کشورها با واکنش سیاسی روبرو شدند. این سازمان افزود: این نگرانی وجود دارد که مبارزه با تروریسم ممکن است فرصتی را برای محدود کردن آزادیهای مدنی و نقض حقوق بشر ایجاد کند.

عفو بین الملل تصریح کرد: در اروپا و سایر نقاط جهان دولت‌ها برای تصویب قوانینی تلاش می کنند که ممکن است آزادیهای مدنی را محدود کند و احتمالاً برخی از تدابیری را که برای جلوگیری از نقض حقوق بشر وجود داشته است از بین ببرد. این سازمان افزود: تدابیری که پس از حملات ۱۱ سپتامبر برای مقابله با مهاجرت‌های غیر قانونی در برخی کشورها مورد بحث قرار گرفته است به

حقوق پناهجویان لطمه می زند. در این گزارش هم‌چنین آمده است مردان و زنان در سنین مختلف در خیابانها، مدارس و محل کار تنها بدلیل دین یا ملیتشان مورد بد رفتاری و حتی حملات جدی قرار می گیرند. اعراب و سیکهای ساکن آمریکا پس از حوادث اخیر به ترتیب با بیش از ۵۴۰ و ۲۰۰ مورد حمله و بدرفتاری مواجه شده اند. این سازمان تاکید کرد ترس و نگرانی که به دنبال حملات ۱۱ سپتامبر ایجاد شده است، نباید موجب شود سایر جوامع به نام مبارزه با تروریسم قربانی شوند.

۱۸ مهر - سازمان ملل

نیو یورک - دبیرکل سازمان ملل در پیامی به مناسبت روز جهانی بهداشت روانی مصادف با ۱۰ اکتبر ضمن اشاره به این که سالانه یک میلیون نفر در جهان در اثر خودکشی جان خود را از دست می دهند و بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون نفر به این اقدام دست می زنند، از دولتها خواست تا به پیشگیری و درمان بیماریهای روانی که به دلیل تبعیض به وجود می آیند اولویت دهند. در این پیام آمده است درصد اندکی از مردم که اقدام به خودکشی می کنند مراقبتهای اساسی دریافت می دارند. عنان در پیام خود گفت: طی سال ۲۰۰۱ سازمان جهانی بهداشت تلاشی بین المللی برای افزایش آگاهیهای عمومی نسبت به بهداشت روان انجام داده است. نمونه ای از آن انتشار گزارش بهداشت جهانی تحت عنوان بهداشت روانی، درک نوین و امید جدید است که موارد افسردگی، شیذوفرنی و آلزایمر را مورد بررسی قرار می دهد. دبیر کل در پیام خود از دولتها خواسته است تا با تخصیص منابع لازم سیاستهایی را به اجرا گذارند تا اصلاحات مورد نیاز برای حل سریع مشکلات روانی به ثمر برسد.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

۷۵ فرانک فرانسه
۱۸ دلار آمریکا
۷ فرانک فرانسه

اروپا
آمریکا و کانادا
تک شماره

آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه در جنگ خبر مطالعه کنید

جنگ صدا

اخبار و تفسیر خبری و سیاسی رویدادهای هر هفته را بر روی شبکه اینترنت گوش دهید.

http://www.jonge-seda.com

پیام تسلیت

خانم مجاهد پور با کمال تأسف در گذشت نا
بهنگام دو پسرستان، جعفر و قاسم را به شما و
خانوادهتان تسلیت می گوئیم.

محیط زیست

بقیه از صفحه ۷

این منطقه رشد بکنند و به سازگاری کامل با خاک و اقلیم منطقه برسند، به این راحتی نبود می شوند. زمین عاری از پوشش گیاهی مدتی که در مقابل آفتاب قرار بگیرد خشک، سخت و سفت می شود و به راحتی نمی تواند آب باران را به داخل خودش بکشد و در نتیجه آبی که نمی تواند به داخل زمین نفوذ بکند، به حالت روان روی سطح زمین حرکت می کند و مجموعاً این آبها سیلی را به وجود می آورد که همه ما شاهدش بودیم... در شمال کشور هیچ وقت شرایط به

وجود آمدن سیل وجود نداشته، به دلیل اینکه در درجه اول اصولاً رژیم بارندگی در شمال ایران، یک رژیم متعادل است، یعنی مثل مناطق خشک ایران رگباری وجود ندارد که تمام سهمیه یک ساله را در چند دقیقه ببارد، بلکه در تمام طول سال باران به آرامی می بارد... از زمانی که این سیلها شروع شد و قبل از آن سیل نکا که یک فاجعه بود، به ما نشان داد که یک جای کار می لنگد، یک بخشی از اکوسیستم ما تخریب شده و مسلم هست که اولین نگاهها متوجه پوشش گیاهی و به خصوص جنگلها می شد... محیط مجموعه ای از بخشهای مختلف است که این بخشها مثل آب، خاک، پوشش گیاهی و اقلیم و انسان در یک ارتباط منطقی و در تعادل با همدیگر هستند و هرگاه بخشی از این محیط از تعادل خارج شود که عمدتاً تحت تاثیر اعمال انسانی چنین می شود - آن گاه حوادثی مثل وقوع سیل را باید انتظار داشت. - روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ شهریور ۸۰ -

بنابراین، علل زیست شناسانه بروز سیل و خرابی در استانهای شمالی کشور که، حتا، موجب کم آبی و آسیبهای گوناگون کشاورزی و... شده، در یک کلام عبارتست از تخریب و نابودی جنگلها. در دیگر استانهای ایران، به ویژه مناطق خشک نیز نابودی پوشش گیاهی موجود، فرسایش خاک، لایگیری ابراهها و تالابها و دریاچه ها و دورباطل سیل و تخریب زمینهای مرروعی، باعث ادامه و تشدید خسارهای کشاورزی و بحران کم آبی شده است. این فاجعه ها به طور کلی قابل پیشگیری هستند. علم ودانش و فنون امروز بشر به اندازه کافی پیشرفت کرده که هم از بروز چنان ابعاد مصیبت نارسایل و خرابی جلوگیری کند و هم عواقب خشکسالی و کم آبی را به حداقل برساند و به خصوص دامنه زمینهای قابل کشت و حاصلخیز را گسترش دهد. نیروی علمی و کارشناسی کشور ما دانش و فنون مربوطه را می شناسد. پرسش چه باید کرد، پاسخ دارد. در استانهای جنگلی، به خصوص در شمال کشور، متوقف کردن قاطع تمامی فعالیتهای قاچاق و نیز «قانونی» که به تخریب جنگلها منجر می شوند. علاوه بر این، سرمایه گذاری کلان در طرحهای جامع آبخوانداری در سراسر کشور، به منظور احیای پوشش گیاهی و جنگلی، غنی کردن خاکهای فرسوده و تأمین منابع جدید آب و آماده سازی ابراهها و رودها و قناتها، در یک کلام، آبخوانداری در سطح ملی.

تظاهرات ضد جنگ در کشورهای مختلف



۹ مهر رادیو آمریکا: معترضین ضد جنگ در شهرهای واشینگتن در آمریکا، برایتن دایکن در انگلستان و آمستردام در هلند علیه انتقام گیری نظامی برای حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در ایالت متحده آمریکا به تظاهرات پرداختند. دیروز در واشینگتن در روز دوم تظاهرات تعداد کمتری شرکت کردند و تظاهرات به آرامی برگزار شد. چندین هزار تن در محلات مسکونی با سردادن شعارهای ضد جنگ به تظاهرات پرداختند. در شهر ساحلی برایتن در انگلستان محل کنفرانس سالانه حزب کارگر بریتانیا حداقل هزار تن تظاهر کننده در زیر باران به تظاهرات و اعتراضات پرداختند و در شهر آمستردام هلند ائتلافی از گروه ها بیش از ۵۰۰۰ تن را برای اعتراض به میدان مرکزی آمستردام رساند.

۱۶ مهر خبرگزاری فرانسه: هزاران تظاهر کننده در سراسر ایتالیا اواخر روز دوشنبه در تظاهراتی بر علیه حملات نظامی آمریکا به افغانستان شرکت کردند. این تظاهرات به دعوت سازمانهای کمونیست و ضد جهانی شدن برگزار شد. تظاهر کنندگان برهایی را که در آن شعارهای " تروریسم نه و جنگ نه" که به زبانهای ایتالیایی، عربی و کردی نوشته شده بود را حمل می کردند. یکی از تظاهر کنندگان گفت، " با تروریست ها باید برخورد سخت با انتخاب هدف مشخص صورت گیرد اما با جنگ نتیجه کاملاً عکس گرفته می شود."

۲۱ مهر رادیو آلمان: صدها هزار مسلمان در چندین کشور اسلامی به تظاهرات علیه عملیات نظامی آمریکا دست زدند، برخی از این تظاهرات حسونت امیز بود، بزرگترین تظاهراتها پس از نماز جمعه در پاکستان، ایران، اندونزی، مالزی، ترکیه و کرانه باختری رود اردن بود.

۲۱ مهر خبرگزاری فرانسه: روز شنبه دهها هزار نفر در سرتاسر آلمان علیه حمله هوایی به افغانستان تظاهرات آرام کردند. بلیس برآورد کرد که در حدود ۲۵۰۰۰ نفر در آن شرکت داشتند. ولی سازمان دهندگان تظاهرات تأکید کردند که عدد کل نزدیک به ۶۰۰۰۰ نفر بود.

۲۲ مهر خبرگزاری فرانسه: حد اقل صد هزار نفر در ایتالیا روز یکشنبه برای راهپیمایی سالانه صلح ایتالیا که امسال همزمان با جنگ آمریکا با افغانستان، به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر برگزار می شود، بیرون آمدند. مقامات محلی گفتند رقم ۱۰۰۰۰۰ همه رکوردها را شکست و برابر عددی است که سازماندهان تظاهرات انتظار داشتند بود. چهلمین راهپیمایی سالانه از پروجیا تا اسپسی،

مسیری است که توسط سنت فرانسیس اسپسی استفاده می شد را طی کرد. خیلی از سیاستمداران دست چپ، شامل نخست وزیر سابق ماسیمو دالمو، رهبر مخالفین چپ میانه فرانچسکو ورتلی و شهردار رم والتر ولترونی شرکت کرده بودند.

NABARD - E - KHALGH

No : 197 23. October. 2001 / Price: \$ 1 - 2 DM - 7 Fr

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: USA / 1- 703 904 78 10 / Italia / 39 - 085 802 23 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE
NABARD / Postbus 593 / 6700 AN-Wageningen / HOLLAND
NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND
NABARD / Postfach 102001 / 50460 Köln / GERMANY
NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

شهادای فدایی آبان ماه

رفقای فدایی: سیروس سپهری -
شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری -
محمد رضا چمنی - علی دبیری فرد -
رحیم خدادادی - عثمان کریمی -
هادی اشکانی - لقمان مدائن - محمد
سلیمانی (صفر) - محمد داوود نوری -
عبدالرضا ماهیکبر - مریم دژآگاه -
مهران محمدی - مجید شریفی -
همایون - حجت - عزت الله بهرامی
(موسی) - جمشید دژآگاه - مهین
جهانگیری - محمد قلی جهانگیری -
عزیز پور احمدی - علی رضا شفیعی -
علی بهروزی - محمد قادری - حسین
رکنی - احمد پیل افکن - احمد گراوند -
علی اصغر ذاکری - سلیمان سلیمانی -
فرح الله نیک نژاد - مرتضی فخر
طباطبایی - عبدالله فیض الله بیگی -
عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی
- محمد حسین خادمی از سال ۵۰ تا
کنون در آبان ماه در پیکار علیه
امپریالیسم و ارتجاع و برای
دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم
توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی
به شهادت رسیدند.

واشننگتن - فعالان سازمان در
تظاهراتی که به مناسبت صلح در روز
۲۷ سپتامبر برگزار شد شرکت کردند
در این تظاهرات بالغ بر ۱۵ هزار نفر
شرکت کرده بودند. شعارها و پیام
حمایت سازمان از صلح به صورت وسیع
به میان مردم برده شد.
همچنین مقالات و پیامهای سازمان
برای تعداد کثیری از مردم ایران و
آمریکا فرستاده شده و به تعداد قابل
توجهی از رسانه های خبری ایرانی و
آمریکایی فرستاده شد.
رفقای ما در این شهر ملاقاتی با
نماینده سازمان عفو بین الملل داشته و
در میتینگهای متعدد، فعالانه شرکت
کرده اند.



آنان مورد ستم، یک حکومت قرون
وسطی هستند. یکی از رفقای ما که در
رژیم شاه کشته شد، چنین گفت:
ثقل زمین کجاست، ما کجا ایستاده
ایم. در هر کشور پیشرفته یا نیمه
پیشرفته وزن معمولی یک نوزاد تازه به
دنیا آمده حداقل ۳ کیلو می باشد، در
حالی که یک بچه ۳ ساله افغانی در
افغانستان ۳ کیلو وزن می باشد. چرا،
چرا؟

ما به عنوان کمونیستهای انقلابی
نمی توانیم در مقابل این جنایتها
خاموش باشیم. ما هر جنگی و هر
حرکت تروریستی به هر طریق را
محکوم می کنیم. ما جنگ نمی خواهیم
، صلح ، صلح ، صلح .
در روز ۷ اکتبر تظاهراتی در میدان
واشننگتن در شهر نیویورک با شرکت
حدود ۷۰۰ نفر برگزار شد. شعارهای
این تظاهرات جنگ نه و صلح بود
همچنین شعار مرگ بر تروریسم و
محکومیت حمله نظامی به افغانستان
بود رفقای ما فعالانه در این تظاهرات
شرکت کردند.

تکراس - رفقای ما فراخوان و پیام
صلح و عدالت خواهانه سازمان را به
میان ایرانیها و مردم آمریکا بردند .

گزارش فعالیت های واحدهای سازمان چریک های فدایی خلق ایران در محکومیت عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر و حمایت از صلح

سوئد - اطلاعیه های سازمان و
تراکت ها به زبان فارس و انگلیسی بین
مردم پخش شده . همچنین برای
ترتیب دادن یک آکسیون مشترک
ایرانی ها و مردم افغانستان رفقای ما
اقدام کردند.

فرانسه - رفقا پیام صلح را بین مردم
برده و فراخوان حمایت از صلح را برای
جمع آوری امضاء و فرستادن آن به
سازمان ملل و مراجع حقوق بشری در
اختیار مردم چه از طریق ارتباطات
اینترنتی و چه از طرق دیگر اقدام کرده
اند همچنین مقاله ای در ارتباط با
افشای رژیم تروریستی ایران را به دست
مراجع غیر ایرانی رساندند.

هلند - فعالان سازمان در تظاهرات
شش هزار نفره که در روز اول ماه مهر
در میدان دام امستردام صورت گرفت
شرکت کردند. در این تظاهرات رفقای ما
فراخوان سازمان در حمایت از صلح
و عدالت را در شکل وسیع بین شرکت
کنندگان در تظاهرات و مردم پخش
کردند. که بسیار مورد استقبال قرار
گرفت.

نیویورک - رفقای ما در روزهای ۱۷ الی
۲۹، سپتامبر و تا ۵ اکتبر در تظاهرات
شهر نیویورک متداوم شرکت کرده و
فراخوان حمایت از صلح و عدالت،
مقالاتی در افشاء رژیم تروریستی
جمهوری اسلامی و تراکتهای سازمان
را به طور وسیع پخش کردند. رفقای ما
همچنین با خبرنگاران و گزارشگران
رادیو و تلویزیونها که در آنجا حضور

داشتند صحبت کرده و به تبلیغ مواضع
سازمان پرداختند.
همچنین رفقای ما در نیویورک پیامهای
سازمان را به رسانه های خبری و مردم
ایران و به تعداد بسیاری از رسانه ها و
مراجع بین المللی ارسال نمودند.
در روز ۶ اکتبر نیز رفقای ما در
تظاهرات کوچکتری شرکت کردند و
پیامهای سازمان را به مردم و روزنامه
نگاران حاضر دادند.

۱۵ اکتبر، برای دومین شب متوالی
حزب فمینیست انقلابی، برنامه خود را
برای حمایت از کودکان افغانی در
نیویورک برگزار کردند. برگزار کنندگان
این مراسم
از سازمان هم برای شرکت و سخنرانی
دعوت کرده بود. رفیق اسد طاهری که
از طرف سازمان در این مراسم شرکت
کرده بود در بخشهایی از صحبت خود
گفت: اتفاقی در ۱۱ سپتامبر رخ داد
بسیار هولناک و تازدی بزرگی بود. ما
در همان روز این عملیات را قویاً
محکوم کردیم. ما به عنوان یک
سازمان مارکسیست - لنینیست در
مقابل هر جنگ ایستاده و آن را محکوم
می کنیم. چه در عراق، یوگوسلاوی و
چه در افغانستان. کودکان و زنان در
افغانستان مورد ستم بزرگی هستند.